

# مسائل بین المللی

شماره ۶ (۲۴)

سال سوم



## فهرست منسدرجات

<u>صفحه</u>	
۱۴ - ۴	انقلاب اکتبر و پیشرفت اجتماعی
۲۶ - ۱۵	بحران سیاست و ملسون
۲۸ - ۲۷	اعصابیات در جهان سرمایه داری
۳۹ - ۲۹	بازرزه انحصارات برای جلب نیروهای طبقاتی میانه برخی خصوصیات ترکیب طبقاتی در کشورهای آسیای
۵۲ - ۴۰	جنوبی و جنوب شرقی
۵۷ - ۵۳	علم جامعه شناسی و واقعیت اجتماعی
۶۵ - ۵۸	پیرامون سمینار قاهره
۶۸ - ۶۶	اخباری از زندگی حزبی
۶۹	ضایعه بزرگ

# انقلاب اکتبر و پیشرفت اجتماعی

ژرژ باتال ، داواگ سورن ، پدرو موتالما

واژه " پیشرفت " یکی از متداولترین واژه های قاموس معاصر است . واقعاً هم قرن بیستم قرن پیشرفت خروشان است . واژه " کمونیسم " نیز در سراسر جهان اشاعه وسیع دارد . ولی تصویر همین های بورژوازی مدتهاست میخواهند این دو مفهوم را لزمه مجزا کنند و حتی در نقطه مقابل هم قرار دهند . آنها نمیخواهند قبول کنند که بسیاری از تحولات شگرف عصر ما بر بنیاد اکتبر کبیر که سر آغاز دوران پیشروی جامعه بشری بسوی کمونیسم است ، استوار است .

انقلاب کبیر اکتبر ، که چهل و نهمین سالگرد آنرا تا ترقیخواهان جهان برگزار کردند بیشک عامل بتوان تسریع پیشرفت اجتماعی نفعها در روسیه ، بلکه در تمام جهان بوده است . تمام دوستان واقعی اتحاد شوروی سالگرد پرافتخار اکتبر را باشکوه و جلال برگزار کرده و زحمتکشان شوروی را تهنیت میگویند و پیروزیهای بیشتر آنها را در کار قهرمانانه اشان آرزو میکنند . تحت تاثیر اکتبر پیرویه انقلابی جهانی بیعزبان زیاد تشدید گردید بدین معنی که جنبش جهانی کارگری بسط یافت ، ملل کشورهای وابسته از جمله هند کبیر ، مصر و سایر کشورهای عربی ، ملل آفریقا و امریکای لاتین نیروی جدیدی برای مبارزه خود کسب کردند ، زحمتکشان چین با تکیه به تجربه اکتبر در سال ۱۹۴۹ در کشور خود تحول انقلابی انجام دادند و وارد سیستم سوسیالیستی جهانی شدند . هدیمان خود را به تحکیم قدرت و وحدت این سیستم متعهد ساختند . تکیه به انقلاب اکتبر زحمتکشان کشورهای دموکراسی توده ای کمک کرد زمام حکومت را بدست خود گیرند و ساختمان سوسیالیسم بپردازند . انقلاب اکتبر مردم کوهای انقلابی الهام بخشید . تابان نیروی قهرمانی خویش حکومت استثمارگران را در جوار پایگاه امپریالیسم معاصر سرنگون سازند .

انقلاب اکتبر نشان داد که جامعه میتواند بدون امپریالیستها ، بدون سرمایه داران و غیر غم آنها با موفقیت پیشرفت نماید . مارکسیسم پس از اکتبر در سراسر جهان بسط یافت ، در بسیاری از کشورهای احزاب کمونیست بوجود آمدند و گروههای نیرومند تازه ای بصوف کمونیستها پیوستند . اتحاد شوروی نخستین رهبر بود ، راه او دشوار بود ، تحقق کامل تمام مرادها میسر نگردد ، نامرادیهائی پدید شد و تجدید پاره ای نظریات لازم آمد . ولی اتحاد شوروی غیر غم دشواریهها اطمینان پیش میرود و تمام جامعه بشری ترقیخواه بکامیابیهای وی اذعان دارد . امپریالیسم در سالهای پس از اکتبر زیر ضربات ملل بایکسلسله شکست های بزرگ مواجه شد . پیروزی بر فاشیسم که مردم شوروی در آن سهم عظیم داشتند ، در اهمیت عظیم بود . این پیروزی کار پیشرفت را در سراسر جهان تسریع نمود . با وجود این امپریالیسم هنوز نیرومند و خطرناک است . امپریالیسم جهانی دشمن عمده پیشرفت اجتماعی در جهان است . طبقه کارگر جهانی در اتحاد با تمام زحمتکشان روز بروز تعرض خود را علیه امپریالیسم تشدید میکند .

بیکار میان جهان سرمایه داری و جهان سوسیالیسم که از هنگام انقلاب اکتبر آغاز گردید، گسترش مییابد. دردوران ماکه انقلاب اکتبر سر آغاز است، پیشرفت سوسیالیسم در مفهوم تفکیک ناپذیرند. اکنون توده های وسیع در کشورهای سرمایه داری و کشورهای در حال رشد بمسائل مهمی در زمینه پیشرفت اجتماعی توجه دارند که از آن جمله است: سوسیالیسم چگونه سطح زندگی مردم زحمتکش را بالا میبرد و چگونه آزادی و دموکراسی را برای زحمتکشان تامین میکند. پاسخ سؤال اخیر را در پائین خواهیم داد ولی بمسئله اول ارقام پاسخ میدهند.

چهل و نه سال پیش روسیه تزاری کمتر از ۲٪ محصول صنعتی جهان را تولید میکرد. ولی سهم اتحاد شوروی در تولید صنعتی جهان در سال گذشته تقریباً ۲۰ درصد رسید. در سال ۱۹۱۳ آمریکا هشتاد و یک درصد از تولید صنعتی جهان را تولید میکرد، ولی حالا این رقم هر چه بیشتر کاهش مییابد و تولید صنعتی اتحاد شوروی در سال ۱۹۶۵ تقریباً دو سوم تولید صنعتی آمریکا بود. تحولات حاصله در رشته های جداگانه صنعتی از این نیز حیرت انگیزتر است. تا ۱۵ - ۲۰ سال پیش تقریباً همه ای وجود نداشت که اتحاد شوروی در تولید آن از آمریکا جلو باشد. ولی امروز اتحاد شوروی بیش از آمریکا سنگ آهن، زغال کوه، زغال سنگ، دستگاههای تراش فلز، لوکوموتیوهای حرارتی و برقی، تراکتور ( بر حسب مجموع قدرت )، کومپاین های غله، چوب و اولوار، سیمان، قطعات بتن آرمه، پارچه پشمی و غیره تولید میکند. رشد سریع و همه جانبه نیروهای مولد - نتیجه برتری نظام اجتماعی جدید است که در برابر یک کشور سابقاً عقب مانده راه وسیع پیشرفت گشوده است. فقط طی ۲۵ سال اخیر درآمد واقعی کارگران و کارمندان ( بطور سرانه ) سه برابر افزایش یافت. جز دستمزدها که پیوسته در افزایش است و در برنامه پنجساله جاری نیز مجموعاً ۴٪ افزایش خواهد یافت، زحمتکشان اتحاد شوروی از طریق صندوق اجتماعی نیز بصورت استفاده از خدمات پزشکی رایگان، از موسسات مخصوص اطفال، دریافت مساعدت مالی در دوران بیماری و غیره تا ۳۵٪ دستمزدها خود درآمد اضافی دارند. اکنون در اتحاد شوروی فقط بابت حق بازتشتگی سالانه در حدود ۱۱ میلیارد روبل پرداخت میشود. طی هفتسال اخیر تقریباً یک سوم تمام اهالی کشور با پارتیمان های جدیدی که جامعه سوسیالیستی بنا کرده است، نقل مکان نموده اند.

ولی مطلب فقط منحصر باین نیست که حکومت شوروی طی ۴۹ سال یک دستگاه عظیم تولیدی موجود آورده است. همراه با این دستگاه تولیدی، سازندگان آن یعنی کارگران، دهقانان و روشنفکران شوروی نیز پرورش یافتند و آموختند. اکنون اتحاد شوروی در تمام رشته های اقتصاد ملی کادریهای مجرب در اختیار دارد. اتحاد شوروی دارای یک چهارم تمام کارکنان علمی جهان است. اکنون درآمد ارس عالی اتحاد شوروی تقریباً چهار برابر بیشتر از مجموع کشورهای انگلستان، فرانسه، آلمان غربی و ایتالیا دانسجو مشغول تحصیل هستند. مدارس عالی شوروی ۴ بار بیشتر از آمریکا مهندسان تربیت میکنند. فهرست اینگونه نمودارهای درخشان پیشرفت رامیتوان ادامه داد و کامیابیهای شگرف در زمینه مهار کردن نیروی اتم و تسخیر فضا و پیروزیهای علمی و فنی سالهای اخیر را نیز بیان افزود.

مارکسیست ها اکنون ضمن برگزاری سالگرد انقلاب اکتبر در وهله اول موظفند آن گرایشهای عمومی پیشرفت سوسیالیستی را که در سال ۱۹۱۷ بوسیله پرولتاریای روسیه و حزب لنینی آن با آنکا، بمهممتگی بین المللی پرولتاریای جهان پدید آمد، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. میدانیم که طبقه کارگر روسیه

پس از درهم شکستن مناسبات کهنه جامعه سرمایه داری و استقرار حکومت خودباورانی و عقب ماندگی  
رو روشد \*

حزب کمونیست روسیه در چنین شرایطی یگانه راه عاقلانه وطنی ساختمان جامعه نوین را به  
توده های مردم کشور نشان داد \* این راه عبارت بود از حزب ماندگی و تأمین پیشرفت مداوم اقتصادی  
فرهنگی \* طبقه کارگر، تمام زحمتکشان و پیشاتازان آنان یعنی کمونیستها میبایست مساعی و اقتصادگرگی را  
که در تاریخ نظیر نداشت بکار برند تا کشور را بی وقفه در این راه پیش برند \*

تما کما میبایست برای آنان، دستاورد سوسیالیسم جهانی و دیمه ایست در گنجینه تجارت تاریخی مبارزه  
در راه نیکبختی مردم \* این گنجینه امروز نیز بمیزانی عظیم بر پایه تجربه ساختمان بسیاری از کشورهای  
سوسیالیستی تکمیل میگردد \*

تجربه تحولات سوسیالیستی در کشورهای نظیر جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی و جمهوری  
دموکراتیک آلمان که سابقا نیز از لحاظ صنعتی رشد عالی داشته اند، دارای اهمیت تاریخی فوق العاده  
ایست \* سایر کشورهای سوسیالیستی اروپا که قبل از انقلاب در آنها جمعیت روستایی تفرقی داشت، تحت  
رهبری طبقه کارگر و حزب آن بکشورهای صنعتی - کشاورزی بدل شده و ساختمان موفقیت آمیز سوسیالیسم  
پیدا کرده اند \* کشورهای که در راه پیشرفت سوسیالیستی با موفقیت گام می نهند، برای درهم شکستن  
جهان کهنه و ایجاد جامعه نوین اشکال و طرق جدیدی بجامعه بشری عرضه میارند \*

تجاریبی که جنبه کارگری جهانی در مبارزه با سرمایه داری اند و خسته است و نیز جمعیت علمی و  
تثریک احزاب کارگری و کمونیست برای بی بردن به درونهای پیرو صه تحول انقلابی سرمایه داری و سوسیالیسم  
دارای اهمیت فوق العاده ایست \*

تجربه جمهوریهای شوروی در آسیای میانه که طبقه کارگر و روشنفکران و نیز صنایع مدرن و اقتصاد  
روستایی سوسیالیستی و فرهنگ مترقی خود را بوجود آورده اند، از لحاظ تاریخی دارای اهمیت اصولی  
است \* پیش از انقلاب در ازبکستان و تاجیکستان حتی یک مدرسه عالی وجود نداشت و در قرقیزستان و  
تاجیکستان و ترکمنستان نه فقط مدرسه عالی، بلکه حتی آموزشگاه اختصاصی نیز بوجود نیامده بود \*  
اکنون در جمهوریهای شوروی آسیای میانه و در کازاخستان ۹۰ مدرسه عالی و ۳۴۰ آموزشگاه اختصاصی  
بوجود آمده است که در آنها مجموعا بیش از ۷۴۰ هزار نفر مشغول تحصیل هستند؛ تعداد این  
دانشجویان چهار بار بیش از تعداد دانشجویان مدارس عالی و اختصاصی سراسر روسیه پیش از انقلاب  
است \*

جمهوری توده ای مشولستان که جهشی انقلابی از مناسبات فئودالی بمناسبات سوسیالیستی انجام  
داد، پیش بینی حقیق لنین را در دهمین کنگره کمپترن در سال ۱۹۲۰ عیلا به ثبوت رساند \* لنین گفته  
بود: " این تصور که مرحله رشد سرمایه داری برای ملل عقب مانده ناگزیر است؛ تصور نیست نادرست \*"  
تجربه تحولات مترقی در اتحاد شوروی و سایر کشورهای بطور اندکارناپذیر حاکی از آنست که فقط سطح  
عالی نیروهای مولده و سازنده کار میتواند پایه واقعی برای سوسیالیسم و کمونیسم بوجود آورد \* مارکسیسم  
لنینیسم جایز نبودن ولونتاریسم و عدم توجه به قوانین عینی رشد اقتصادی و اجتماعی را بطور مطلق نشان داده  
است \*

مارکسیسم - لنینیسم ثابت کرده است که براهنهای علم میتوان کار تدارک مقدمات لازم ایجاد

و غیر نعم مادی و معنوی برای زحمتکشان را تشریح نمود و تجربه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی مهید این واقعیت است . همین واقعیت است که اکنون توده های مردم را در سراسر جهان بسیجی سوسیالیسم علمی میکشاند .

کشور سوسیالیستی موظف است و امکان آنرا هم دارد که از طریق انجام کامل وظائف خود در زمینه ساختن جامعه نوین یکی از بزرگترین کمک ها را به جنبش انقلاب جهانی مبدول دارد . با انجام این امر برای توده های وسیع و عظیم حاصل خواهد شد که سوسیالیسم از هر لحاظ بر سرمایه داری و نظام های اجتماعی گذشته برتری دارد .

سیستم جهانی سوسیالیسم ، طبقه کارگر جهانی ، جنبش آزاد بیختر علمی و کمونیستهای سراسر جهان امروز در قبال مریضهت همه جامعه بشری مسئولیت بزرگ بعهده دارند . وحدت این نیروهای عظیم معاصر و شیقه پیشرفت جامعه است .



پس از بدست آوردن حاکمیت سیاسی آنچه که را واقعی نبل سوسیالیسم را هموار خواهد ساخت در وهله اول کار بصیارد قوی مجدانه و مصرا نه و خلاق زحمتکشان در عرصه اقتصاد است . البته شوق و ذوق توده ها که مولود انقلاب کبیر است ، در ساختمان جامعه نوین نقش عظیم ایفا میکند . ولی هنگام تشریح نقش عظیم عامل ذهنی خطاست اگر برای شعور و انهم شعوریکه بجای دانش باشتی نقل قول و کلمات قصار انباشته شده باشد و برای آزاد و ایکه گویا قادر است قوانین خود را بجهان تحصیل کند تقدیم قائل شویم . چنین تقدیمی نمود او باید الیوم و معنای کمیت از جهان یعنی ماتریالیستی و خلق سلاح ایدئولوژیک توده های زحمتکش است . هرگونه شیوه ای بخواهد با بی احتیاطی به شرایط واقعی اقتصادی تحولات اجتماعی را بزور فرمان انجام دهد بشکست اقتصادی و سیاسی میانجامد و امر سوسیالیسم لطیفه وارد میسازد .

انقلاب اکثر تجربه رشد کشورهای سوسیالیستی حقایق اندیشه های سوسیالیسم علمی را به نیت رسانده است . این اندیشه ها اکنون در کشورهاییکه باستقلال رسیده اند ، بسط می یابد و هواداران روز افزون بدست میآورد . و این از مشخصات دوران ما است . روز بروز توده هر چه بیشتری از مردم جهان پی میبرند که مارکسیسم - لنینیسم پیگیرترین تئوری علمی پیشرفت جامعه است و راه علمی رشد اجتماعی را نشان میدهد . امروز در کشورهای هم که تکنیک و اقتصاد آنها عقب مانده است ، گام نهادن در راه رشد غیر سرمایه داری با کار ساختمانی عظیم ، با ایجاد دولت مستقلا و اقتصاد مستقل ، با ایجاد و تحکیم اشکال مالکیت اجتماعی همراه است . بدون چنین کار ساختمانی ، آزادی اجتماعی و ملی میسر نخواهد بود . همانطور که مارکس در انتقاد خود از تئوریهای غیر علمی متذکر شده است ، راه رشد سوسیالیستی را هرگز نباید نوعی " مرحله گذرا " تلقی کرد که پس از آنکه افراد تا سطح مالکیت خصوصی " رشد کنند " و از فقر و مسکنت عمومی خلاص شوند ، پایان یابد . چنین " رشدی " ساخته افکار برخی از تئوریسین های پوزرواتیست که به کمونیسم اقترا میزنند و میکوشند راه رشد غیر سرمایه داری را بی اعتبار سازند . واقعیت آنستکه راه رشد غیر سرمایه داری موجبات افزایش ثروت ملی ، تجهیز هر چه بیشتر کار انسان به تکنیک و مسط روز افزون اشکال مالکیت اجتماعی را فراهم میسازد . کمونیسم علمی اگر چنین راه پیشرفت را بمردم

نی نمود ، دیگر تئوری پیشرفت نبود ، بلکه تئوری رکود و انحطاط بود



دیاکتيك رابطه میان جهات تخریب و سازندگی ، انقلاب سوسیالیستی برای درك ماهیت پیشرفت سوسیالیستی دارای اهمیت اصولی است . مطلق کردن جهات تخریب بزبان جهات سازندگی و یائین آوردن نقش بسیار مهم کار سازندگی در انقلاب سوسیالیستی بمعنای عدول از مارکسیسم - لنینیسم است . پیروزی بر نظریات غیر علمی برای سر نوشت تاریخی جنبش کارگری روسیه اهمیت عظیم داشت . مارکسیست های روسی اندیشه های مارکس را در این مورد عقیدت رک کردند و بطور خلاق آنرا تکامل بخشیدند . مارکس از همان قرن گذشته علیه کوششهایی که بمنظور تبدیل تئوری انقلابی بیک تئوری تخریب عام و رکود بعمل می آمد مبارزه برخاست و خاطر نشان ساخت که هدف اصلی در این کوششها برابرجویی و همترازی است و بر پایه این نظریات می خواهند تمام اروپا را تا سطح تلصوف فرو برد و در آن زمان در روسیه و در برخی کشورهای اروپای باختری و بطور عمد در اسپانیا و ایتالیا یعنی در کشورهای که جنبش کارگری در آنها تازه بوجود آمده بود ، اشاعه این قبیح نظریات و تصورات با فعالیت " آلبان در مگرامی سوسیالیستی باکوئین ارتباط داشت .

مارکس و انگلس در گزارشی که در سال ۱۸۷۳ بمناسبت قرارهای کنگره انترناسیونال کمونیستی منعقد در لاهسنتشر ساختند ، نمونه های مختلفی از " وحی ها و شکاشفات " و دعوت های شمیخ روسی آلبانین بنام جمعیت " کفر ملی " را ذکر کرده اند . این جمعیت امید وار بود جولان محصل را بجای طبقات و مبارزه طبقاتی به پیروی عمد نوم سازی انقلابی بدل نماید . آنها میگفتند : " این دانشگاهها و فرهنگستانها و مدارس را ول کنید . . . بیان مردم پرورد . . . حالا وقت آن نیست که شما در راه ظلم تقلا کنید ، زیرا بخاطر ظلم خواهند دست و پای شمارا به بندند و ناتوانتان سازند . " ما باید مردم را بشورانیم ، نه اینکه آنانرا بآموزیم " ، رها کرد نکامل لحام زندگی مردم . . . آزاد گذاشتن کاممل شهوات مذموم . . . مصداق نیروی حیاتی و شور و شوق و توانائی خلق فقط در غارت و چپاول است . . . ما فقط یک برنامه منفی ثابت داریم و آن تخریب بیرحمانه است . ما از شالوده ریزی شرایط زندگی اینگونه صریحا استنکاف میورزیم زیرا آنرا با فعالیت خود ناهمساز میدانیم . . . بدیهی است اگر چنین نظریات بر جنبش انقلابی روسیه مسلط میگردد ، انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷ پیروز نمیشد .

مارکس و انگلس این قبیح برنامه ها و طرحها و این مشی سیاسی را مورد انتقاد در هم شکن قرار دادند و علیه تلاش های هلاکت آوری که برای تحمیل این برنامه " تخریب عمومی " بر جنبش انقلابی بعمل می آمد مبارزه برخاستند و برای انقلاب سوسیالیستی که استعمار انسان از انسان را از میان بر میدارد و رونمای بیگران در برابر تکامل جامعه میگشاید برنامه با عظمتی عرضه داشتند . مارکس و انگلس ضمن گزارش پیشگفته درباره برنامه باکوئینست ها چنین مینوشتند : " در این برنامه هرچ و هرچ جای خود را به تخریب عمومی میدهد و بر داختن به اندیشه و ظلم بمشایه اشتغال با مورد نبوی که سکنست نسبت بحقانیت آئین تخریب عمومی نزدیک ایجاد کند برای جوانان آکیدی اغذ غن میشود . " در واقع لیز این نیهیلیسم مخرب که صحنی میشود بحوانان محصل تلقین شود فقط دلیل فقر آید ثولوزیک و مظهر ناتوانی کامل اندیشه تئوریک جنبش



بود و میخواست قوانین عینی تکامل اجتماعی را نادیده بگیرد . مارکس و انگلس میگویند " فقد ان کامل اندیشه " از خصوصیات این " انقلابیون مخوف " بود و آنها میگویند این نقش را با " پساوه های مطمئن " جبران نمایند . آنان " جملات وحشت آور " بر زبان میروانند و تکبر میفرورختند " تا در نظر خودشان انقلابیون بزرگ جلوهگر شوند " . ولی وجودشان فقط برای جنبش انقلابی خطرناک بود نه برای ارتجاع . مارکس و انگلس در گزارش مذکور میگویند : " آلیانس های موجود در نبرد نیست بلکه با انقلابیونی در نبرد است که نمیخواهند شان خود را تا سطح ایفا کنندگان رول نقش در نمایش ترازوی کمیکی که آلیانس یازی میکند تنزل دهند . . . آلیانس تمام انقلابیونی را که با آنها نمیستند ، بمرگ تهدید میکند و این تنها قسمت برنامه تخریب عوصی است که با اجرای آن پرداخته اند " .

این اندیشه های ارتجاعي که در لفافه انقلابی کاذب مستتر است نه فقط در کار تبلیغاتی و سازمانی طبقه کارگر و دهقانان دشواری ایجاد میکرد ، بلکه بحدت جنبش انقلابی نیز که این " مخربین " واقعا علیه آن مبارزه میکردند ، زیان جدی وارد ساخت . لنین در رس مارکسیست های روس کار تار و مدار انواع نظریات ضد علمی را بپایان رسانید و اندیشه های مارکسیستی را در جنبش انقلابی روس پیروز ساخت . از آن هنگام نظریات مارکسیستی هر چه بیشتر مورد تأیید جنبش کارگری جهان قرار میگرفت و اصل همبستگی مبتنی بر انترناسیونالیسم پرولتری بصلاح مهم پیروزی های این جنبش تبدیل شده است . درک لزوم وحدت در مبارزه ، ارتجاع امپریالیستی برای نهضت کارگری در دوران ما دارای اهمیت فوق العاده است . بخصوص تجاوز امپریالیست های امریکا به متنام اهمیت وحدت جنبه تیرموند ضد امپریالیستی را نشان داده است . هرگونه کوشش در جهت تخریب این وحدت فقط بحدود امپریالیسم است .

باین ترتیب مارکسیست های روس توانستند در همان دوران پیش از انقلاب اکثر نظریات ضد علمی را در جنبش انقلابی روس درهم بشکنند . لذا این نظریات در جریان انقلاب سوسیالیستی در روسیه نقش قابل توجهی نداشتند . ولی اگرچه اوضاع سیاسی و جریانات فکری ادوار تاریخی مختلف نمیتوانند کاملاً مشابه هم باشند ، با این حال در شرایط اجتماعی معین ممکنست نظریات و شیوه هایی در پراچیک سیاسی پدید آید که با نظریاتی که کلاسیک های مارکسیسم - لنینیسم افشا کرده اند وجوه تشابه داشته باشند . تکرار این قبیل نظریات برای جنبش انقلابی و جنبش آزاد پیشرو علمی برای مجموعه تحولات سوسیالیستی هلاکتی است . بهمین جهت این قبیل پدیده ها باید بهمان شیوه ای که مارکس و انگلس ولنین در مبارزه علیه آنارشیسم بکار بردند مورد تجزیه و تحلیل انتقادی جدی قرار گیرند .

حزب کمونیست اتحاد شوروی بر هبوت لنین هنگام مبارز علیه این قبیل جمله پردازیهای " انقلابی " که فقط میتواند مائت تسلیم طلبی باشد ، به اندیشه های مارکس و انگلس مجهز بود .

پدوون این کار فعالیت خلاق حزب غیر ممکن بود . لنین در همان نخستین ماههای حکومت شوروی " حرکت آرام واحد های آهنین پرولتاریا " را در نقطه مقابل " هیجانان هیستریک " افراطیون چپ قرار میداد . کمونیستهای اتحاد شوروی و سپس کمونیستهای یکمسلطه از کشورهای سوسیالیستی دیگر برای برانگیختن وزهبری صحیح نیروی اجتماعی عظیمی که در درون توده های زحمتکش انباشته شده بود وقادر بود بر بنیاد سوسیالیسم کار ترقی را با گامهای عظیم به پیش براند ، مساعی بسیار بکار بردند . احزاب کمونیست و کارگری کشورهای سرمایه داری با بکار بستن صحیح اصول و امالیب مارکسیسم - لنینیسم علیه اپورتونیسم راست و چپ ، مبارزه خود را بخاطر منافع زحمتکشان و پیشرفت اجتماعی و صلح تشدید میکنند .

انقلاب اکتبر مبارزه در راه صلح و صلح حاصل تجاوزکار امپریالیستی را یکی از بهترین شرایط سازندگی پیشرفت اجتماعی اعلام داشته است . تجربه تاریخ سنگ بر سنگ تئوری انقلابی کادیمی که طبق آن پیشرفت تاریخی باید مشتمل بر سلسله جنگهای بی پایان باشد باقی نگذاشته است . این تئوری چیزی نیست جز همان دفاع از " تخریب صومعی " .

اکنون طیر غم دشواریهایی که باید آنها را در جنبش کمونیستی بر طرف ساخت ، نیروهای ترقیخواه آنگونه زیاد شده اند که قادرند با مبارزه خود صلح را تامین نمایند و اقروژندگان جنگ را منزوی سازند . برای اینکه ضرورت است که ملل در مسائل جنگ و صلح بصیروی قاطع بدل گردند . لنین در ۸ نوامبر سال ۱۹۱۷ هنگامیکه مشور صلح را در دومیین کنگره کشوری روسیه مطرح میساخت گفت : " همه جا میان دولتها و خلقی هاجد افی است ، باینجهت ما باید بخلقها کمک کنیم تا در مسائل جنگ و صلح دخالت کنند " . نزدیک به ۵۰ سال از بیان این سخن میگذرد . امروزه تجاوزین امپریالیست میکوشند جهان را براه " تخریب صومعی " سوق دهند . ولی امروزه خلقهای تمام کشورها توانائی دخالت در مسائل جنگ و صلح را دارند . کوشش در تفرقه و تضعیف این تئوریها بمعنای یاری با امپریالیستهاست .

مارکس و انگلس ولنین نیروی عظیمی را که قادر با ایجاد تحولات عقیق اجتماعی است ، بصیرانه در وجود پرولتاریا تشخیص دادند . طبقه کارگر که آگاهی سیاسی بدست آورده و حزب مارکسیست - لنینیست خود را ایجاد کرده است و در پیشلپیش سایر قشرهای زحمتکش کار بر میدارد ، در شرایط امروزی عامل عمده تکامل تاریخی است . طبقه کارگر و حزب آن در کشورهای سرمایه داری از همان دوران مبارزه در راه رسیدن به حکومت برنامه دامنه در اخلاقی را برای ایجاد تحولات عقیق اجتماعی و سیاسی هر شد سریع نیروهای مولده در دوران پس از پیروزی انقلاب هر اساس آن ارتقا رفاه صومعی هر شد تمام جوانب زندگی اجتماعی مطرح مینماید و این خود نمود ارزشخص تئوری واقعا علمی پیشرفت و نفی قطعی تصورات غیر علمی و واهی در باره پیشرفت است .

این واقعیت اعصت فراوان دارد که در کشورهاییکه طبقه کارگر آن در حال پیدایش است ، در میان زحمتکشان روستائیان و پیشه وران و روشنفکران نیروهای هستند که میکوشند با طبقه کارگر جهانی متحد شوند و در مبارزه خود برای تامین آینده روشن به پشتیبانی آن تکیه کنند . این نیروها هر دفر او وظائف پرولتاریای جهانی را با آزادی اجتماعی و ملی خود هماهنگ میدانند . و این امر از خصصیات مهم پیشرفت اجتماعی زمان معاصر است . نیروهای ترقیخواه پیش از پیش با هم متحد میشوند و اسکانات آنان برای تاثیر در پیرومه تاریخی افزایش مینماید . تجربه انقلاب اکتبر هر شد کشورهای دموکراسی توده ای نشان میدهد که در کشورهاییکه جمعیت روستائی تفرق داشته است ، این طبقه توانسته است در جریان انقصاب سوسیالیستی ، تحت رهبری طبقه کارگر ، کارهای عظیم انجام دهد . ایجاد تفرقه در اتحاد میان طبقه کارگر و دهقانان داخل یک کشور ویا در مقیاس جهانی معنایش جلوگیری از پیشرفت است .



مارکسیسم که ساختمان انقلابی جامعه نوین را سرخط وظایف خود قرار داده است و نظریات ایندستی را مردود میداند معتقد است که در تمام دوران ساختمان کمونیسم باید کار را پنجوی سازمان داد قامیان

انگیزه های معنوی و مادی کارماهنگی بوجود آید . بر همین پایه است که میتوان ابتکار خلاق توده هارا همجانبه رشد داد و در زمینه بلزده کار بر کشورهای سرمایه داری سبقت جست .

انگیزه های مادی کار همراه با شوق و ذوق توده های آزاد شده از استثمار یکی از مهمترین عوامل رشد تولید اجتماعی یعنی پیشرفت فنی ، ارتقا سطح تخصص ، افزایش پرازد ، کار انفرادی و اجتماعی است و باعث میشود که تمام منابع ثروت اجتماعی شدیداً بحرکت درآید و چنان وفوری بوجود آورد که اجرای اصل کمونیستی توزیع میسر سازد .

فقروفاقه را ملزم ناگزیر زحمتکشان و وسیله خیرشردن در حکم تحریف ناهنجار هدفهای ساختمان سوسیالیسم معنای اتمت که پیشرفت فرهنگ مادی را تبول سرمایه داری بد ائیم هدف و مبارزه در برابر سرمایه داری تسلیم شویم . بدیهی است که هواداران سوسیالیسم علمی که بمسئولیت خود در امر پیشرفت و سر نوشت تاریخی مردم آگاهند ، نمیتوانند چنین چیزی را اجازه دهند . زحمتکشان کشورهای سوسیالیستی برهبری مارکسیست - لنینیست ها در ارتقا حاصل مجا ئه نیروهای مولد و سهیوند مناسبات تولیدی کنه سوچیات لازم را برای افزایش سریعتر تولید وحداعلائی کارائی آن فراهم میسازد ، کوشش فراوان یکبار میبزنند .

طبقه کارگر جهانی و بهترین دستاورد آن - میمتم جهانی سوسیالیستی میکوشند با بر طرف ساختن دشواریهای موجود بعرضت های عظیم مترق خلقهای گمشد کیمک کنند و از هیچ کوششی برای ایجاد شرایط مساعد جهت پیروزی خلقهای کمطیه بردگی استعماری و خاطر زندگی آزاد مبارزه میکنند ، دریغ ندارند .

تفرقه افکنی در این نیروهای عظیم رشد اجتماعی معاصر با منافع ارتجاع مطابقت دارد .

طبقه کارگر که سایر قشرهای زحمتکش را هدایت میکنند ، بهترین عامل پیشرفت کشورهای سوسیالیستی است . هیچگونه تحول اجتماعی مترق نیست که کشورهای سوسیالیستی بدون طبقه کارگر حتی برخلاف اراد متشکل آن انجام گیرد .

سازمان سیاسی طبقه کارگر ، یعنی حزب ، عظیم ترین نیروی پیشرفت جامعه سوسیالیستی در راه تامین وفور نعمت و آزادی کامل زحمتکشان از غده خاطر در باره یک لقه نان است . پس از محو استثمار این اولین شرط آزادی انسان است . طفره رفتن از آن ممکن نیست . قوانین رشد اجتماعی کسانیرا که میکوشند این امر را نادید بگیرند بسختی کبفر خواهد داد .

مارکسیست - لنینیست ها دمیکرامی واقعی را بمشابه بیداری ابتکار و تشدید فعلیت طبقه کارگر و تمام زحمتکشان ومشابه تمرکز حاکمیت سیاسی واقتصادی در دست مردم میدانند . کار عرصه عد فعالیت بشری است و پیش از همه در جریان کار است که مناسبات اجتماعی شکل میگردد و متجلی میگردد و آگاهسی سوسیالیستی تحکیم میپذیرد و رشد مییابد . گروه کارکنان پانصد سسه هسته های مرکزی حیات اقتصادی و اجتماعی جامعه است . فعالیت آنها به رشد کلکتیویسم سوسیالیستی و دفع مظا هر شیوه های اداری و بوروکراتیک کمک میکند .

لنین میگفت سیاست بیان قشرد ، اقتصاد است و نیروی سیاست بخصوص هنگامی بطور کامل بروز میکند که بر پایه بررسی اقتصاد و حواشج آن متکی باشد و توده هارا برای تامین نیاز مندیهای رشد اجتماعی بسیج نماید . لنین هرگز عقیدند آشتکه فرمان سیاسی رامیتوان جانشین خواستهای عینی اقتصاد کرد و تصمیمات سیاسی نیروی سحر آمیز خاصی دارد و مستقل از نیاز مندیهای عینی اقتصادی است . اینگونه نظریات

بمعنای عدول کامل از مارکسیسم - لنینیسم است . اشاعه وسیع اندیشه های سوسیالیسم علمی در سراسر جهان اکنون تا حدود زیادی دال بر تحول در نظریات مردم همبست بمیاست و امکانات و نیروی واقعی آن مرابطه سیاست با اقتصاد نیز هست .



کشورهای سوسیالیستی میکوشند برای پیشرفت علمی و فنی که در سالهای اخیر جوانب تازه ای از تولید را در بر گرفته است ، امکانات وسیع بوجود آورند . کشورهای سوسیالیستی سعی دارند در زمینه استفاده نریختر تراز نتایج انقلاب علمی و فنی معاصر بر کشورهای سرمایه داری پیشی گیرند . این عرصه مهمی برای مبارزات فکری سوسیالیسم و سرمایه داری است . آخرین دستاوردهای علوم ( فیزیک اتمی ، شیمی ، بیولوژی و غیره ) بسرعت وارد عرصه تولید میگردد و در نیروهای مولده انقلاب بوجود میآورد . نقش علم و فن در تکامل اجتماعی روز بروز افزایش می یابد . مگر جامعه سوسیالیستی میتواند در دوران انقلاب علمی و فنی ، علم و توقعات علم را بدست فراموشی بسپارد !

آنچه که برای سرنوشت سوسیالیسم اهمیت درجه اول دارد البته سطح تکنیک بخودی خود نیست بلکه انسانهایی هستند که میستند که ما شین هارا بوجود میآورند و اثر ادا ره میکنند . تکنیک نیکه بمقیاس وسیع در تولید بکار میرود ، بکارهای متبحر و آگاه و مافرنهنگ جدید نیازمند است . پروسه های تولیدی دوران معاصر مافرنهنگ کار مافرنهنگ تولید پیوند نزدیک دارد . تردید نیست که فرهنگ کار خود با سطح فرهنگ عمومی بوده هادارای پیوند ناگسستنی است . تکامل جامعه سوسیالیستی بدون بصط فرهنگسنگ دموکراتیک و مشردستانه و واقعا ملی میسر نیست .

دانش انسان زحمتکش در رشد جامعه سوسیالیستی نقش عظیم دارد . طبیعی است که انقلابی کردن آید ثلوری توده ها از طریق " نصب الحین ساختن نقل قول ها " انجام نمیگیرد . انقلابی کردن واقعی آید ثلوری بر عکس مستلزم ایجاد چنان شرایطی است که در آن بنا بنگته لنین زحمتکشان بتوانند از کتاب ها استفاده نکنند و همه روزه بدانش خود پیفزایند . بهبود میست که لنین در یکی از آخرین آثار خود سرنوشت سوسیالیسم را در روسیه بسرنوشت انسانهایی مربوط میسازد که در باره آنها میتوان باطمینان کامل گفت که سخنی را بدون اقامه دلیل باور نخواهند کرد و سخنی برخلاف وجدان نخواهند گفت . . . . .

راه پیشرفت در عرصه تاریخ هرچه بیشتر بششد بد فعالیت آگاهانه و رشد و تکامل فرد فرد انسان های زحمتکش وابسته میگردد . برای آنکه فعالیت خلاق توده های مردم در سراسر جهان و از جمله در کشورهای که براه رشد غیر سرمایه داری گام نهاده اند ، بمعامل هرچه مهتر رشد دردوران کنونی بدل شود ، باید سطح فرهنگ و آگاهی آنان را بالا برد . تجربه انقلاب سوسیالیستی لکتبر از این لحاظ اهمیت فوق العاده دارد . لنین میگفت پائین بودن سطح فرهنگ روسیه سابق هرگز ضرورت انقلاب سوسیالیستی را متفسی نمیسازد ، بلکه این انقلاب خود مهترین مقدمه رشد خروشان فرهنگ توده های مردم است . تاریخ این پیخربینی لنین را تایید کرد . بالا رفتن معلومات عمومی و فرهنگ زحمتکشان بجز ماملی است که بانان امکان میدهد سخنان کاذب را که فقط میتواند تمدن بشری را از شاهراه خود خارج ساخته و به بن بست بکشاند ، از شعارهای مستدل علمی در زمینه پیشرفت واقعی و سازندگی انقلابی هشیارانه تمیز دهند .

لنین پیوسته احتراز از برخورد نامیانه و نیهیلیستی بمسائل فرهنگی را گوشزد میکرد و لزوم کار عمیق و دقیق را برای اشاعه فرهنگ در میان توده های وسیع مردم خاطر نشان میساخت . لنین در سال ۱۹۱۹ اعلام کرد : " باید بر تمام فرهنگ ... بر علوم ، تکنیک ، دانش و هنر مسلط شد . بدون اینکار ما نمیتوانیم زندگی جامعه کمونیستی را برپا سازیم " .

این شعار در اذهان زحمتکشان کشورهای در حال رشد یکه به ایجاد مقدمات لازم برای ارتقا سطح فرهنگ توده ها مشغولند روز بروز بحیق تر نفوذ مینماید . این یکی از خصوصیات مهم انقلاب آزاد بیخشم ملی زمان معاصر است . بطوریکه تجربه کشورهای آزاد شده از وابستگی استعماری و نیمه - استعماری نشان میدهد ، حل برخی مسائل مهم فرهنگی یکی از عوامل تسریع پیشرفت اجتماعی است . در کشورهای فلاحتی و یا بطور عمد فلاحتی که از زیر بار استعمار و وابستگی امپریالیستی رها شده و مبارزه با بقایای استعمار کهنه و نو مشغولند ، با لایروبی اثر بخشی کار انسان در تولید کشاورزی از عوامل مهم سازندگی انقلابی و پیشرفت اجتماعی است . برای حل این مسئله عوامل دیگری مانند بهبود وضع زراعت ، بکار بردن آگروتکنیک معاصر و ایجاد شرکتهای تعاون روستائی نیز ضروریست . این اقدامات بنوعی خود مستلزم ایجاد تحول در سیمای فرهنگی دهقانان میراند اختن عقب ماندگی قرون و احصار و از پیمان بردن جهل و خرافات است .

مبارزه بخاطر فرهنگ ، افشا سوء استفاده های رذیله استثنامرگران از فرهنگ ، اشاعه فرهنگ در میان توده ها ، فراگرفتن دستاورد های اساسی علوم جهانی ، تکنیک و هنر از طرف قشرهای وسیع زحمتکشان از مهمترین عوامل پیشرفت در دوران ماست . مبارزه بخاطر فرهنگ توده ها در دوران انقلاب علمی و فرهنگی اهمیت روز افزون کسب میکند ، زیرا بدون کاد رهای با فرهنگ نمیتوان تکنیک حدید را فرا گرفت و از پیشرفت فنی بسوء ساختمان جامعه منهن استفاده کرد .

دموکراتیزه کردن هر چه بیشتر حیات اجتماعی از خصوصیات کشورهای سوسیالیستی است . قبلا این سؤال را مطرح کردیم که سوسیالیسم آزادی و دمکراسی زحمتکشان را چگونه متعین مینماید . بهبود شیوه های اداره اقتصاد ملی ، تامین شرکتمجدانه زحمتکشان در حل مسائل سیاسی ، جلب توده های وسیع بتماجرسه های فعالیت ارگانهای دولتی - پاسخ روشنی است باین سؤال .

در شرایط امروزی بسط سریع اینکار فعالیت توده ها ، گسترش دمکراسی سوسیالیستی ضامن پیروزی های آتی سوسیالیسم است . کشورهای سوسیالیستی با درص گرفتن از تجربه تاریخی خود نشان دادند که راهمین پیشرفت کامل تر با هیچگونه بت پرستی اجتماعی نظیر پرستش شخصیت سازگار نیست . مارکسیسم - لنینیسم با استفاده از تجربه انقلاب اکثریت و تجربه انقلاباتی که موجب پیدایش سایر کشورهای سوسیالیستی شد ، ثابت کرده است که سرنوشت و درونمای تکامل تاریخی از روی فعالیت توده ها تعیین میگردد و درجه آگاهی و دانش فرهنگ توده ها وابسته است . لنین در ۸ نوامبر ۱۹۱۷ اظهار داشت : " طبق تصور پیروان نیرومندی زمانی وجود دارد که توده ها به پیروی از فرمان دولتهای امپریالیستی با چشم بسته بکشاکشگاه میروند . پیروان فقط زمانی دولت را نیرومند میدانند که دولت بتواند با استفاده از تمام قدرت دستگاه دولتی توده های مردم را به جایی که تمام اران پیروان مایل باشند ، بربتاب کند ولی ما نیرومندی را طهر دیگری در نمیکنیم . بعقیده ما نیرومندی دولت در آگاهی توده ها است . دولت زمانی نیرومند است که توده ها همه چیز را بدانند ، درباره هر چیز بتوانند دهری کنند و بهرکاری آگاهانه تن در دهند " .

بدینسان لنین با بسط اندیشه های مارکس درباره تحولات سوسیالیستی جامعه نظریات تئوریک خود را درباره سیاست و اقتصاد و فرهنگ در دوران ساختمان جامعه‌نویین تنظیم نمود . انقـلاب سوسیالیستی برای پیشرفت کامل در زمینه های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی شرایط لازم فراهم میسازد و این خود پایه ایست برای پیشرفت آتی و ادامه دارتر توسعه جوانب زندگی جامعه سوسیالیستی و پیشرفت بسوی مرحله عالیتر تکامل یعنی کمونیسم که مردم شوروی ضمن پیشروی در راه آن ، با اتخاذ ما برنامه های مرقی بزرگ خود را با موفقیت بانجام خواهند رساند . این تکامل که انقلاب اکبر برتارک آن میدرخشد برای حل تضاد عده دوران ما یعنی پیروزی جهانی سوسیالیسم و کمونیسم بر سرمایه داری اهمیت فراوان دارد . امر پیشرفت بر هرگونه نیات ارتجاعی پیروز خواهد شد .



# بحران سیاست و پلمسون

جان گولان

اکنون در انگلستان وضع سیاسی تازه ای پدید میگردد که اهمیت عظیم دارد. قبل از آغاز سال ۱۹۶۶ روحیه عمومی در جنبش کارگری این بود که همه از برکنار ساختن محافظه کاران از حکومت ابراز خرسندی میکردند زیرا سیاست امپریالیستی و ضد کارگری محافظه کاران طی سیزده سال زمامداری آنان ناراضی روزافزونی را در میان مردم موجب شده بود. این احساس ناراضی و اشتیاق به تحول هنگام انتخابات پارلمانی ۳۱ مارس ۱۹۶۶ هنوز تفوق داشت و موجب شد که لیبریسیت ها اکثریتی با ۹۷ کرسی بیشتر در مجلس عوام بدست آورند.

اکنون که فقط چند ماه از آن انتخابات میگذرد دولت لیبریسیت در نتیجه سیاست خود با گروههای هرچه بزرگتری در جنبش کارگری متشکل تصادم پیدا میکند و به مبارزه میپردازد. علت وضع دشواری که دولت بدست آن دچار شده بحران عمیق امپریالیسم بریتانیا است. شرایط عینی ایجاب نمیکرد که دولت تصمیمات قاطع و دامنه داری با خصلت یکلی تازه اتخاذ کند. ولی دولت و پلمسون بجای اتخاذ چنین تصمیماتی پاروچ مستی "کارپود ازان" سرمایه داری در جناح راست سوسیال دموکراسی عمل میکند و هیچگونه تلاشی برای حل مشکلات اساسی که انگلستان را بوضع کنونی دچار ساخته است بکار نمیبرد. در نتیجه این امر بحرین اقتصادی در مبارزه میان جنبش کارگری و سندیکائی نیز انعکاس می یابد و موجب تشدید این مبارزه میگردد.

## بحران واقدامات و پلمسون در ماه ژوئیه

بحران امپریالیسم بریتانیا پدیده تازه ای نیست. خصلت اقداماتی هم که و پلمسون در ۲۰ ژوئیه اعلام کرده است تازگی ندارد. ولی آنچه که تازگی دارد جنبه بیرحمانه تعرض اقتصادی و سیاسی دولت لیبریسیت بر طبقه کارگر و سندیکاهای آن است. بحران بریتانیا از همان پایان دومین جنگ جهانی جنبه عمیق داشته است. این بحران هم در فعالیت کابینه های لیبریسیت ها و هم در فعالیت کابینه های محافظه کاران تاثیر بخشیده است. علت اساسی بروز این بحران تلاش برای حفظ قدرت مالی سیتی باشکوه ارتباطی آن در سراسر جهان برای حفظ لیره استرلینگ به عنوان ارز جهانی است. برای حصول این مقصود همه چیز فدا شد، بجز هزینه های نظامی. هم کابینه های لیبریسیت ها و هم کابینه های محافظه کاران برای مبارزه غلبه دشواریهای اقتصادی و کمردائیم موازنه پرداختی سیاست کذائی "ایست" به پیش رفتند. را بکار برده اند پدیده معنی که گاه در جهت تسریع رشد صنایع کوشیده اند و گاه اقداماتی در جهت کند ساختن آن انجام داده اند.

در نتیجه این امر آهنگ رشد اقتصادی انگلستان کندترین آهنگ در جهان سرمایه داری بوده است .

علت غیرمستقیم بحران کنونی یکی هزینه های نظامی در خارج است که میزان آن در هر سال تقریباً ۳۵۰ میلیون لیره استرلینگ میرسد و یکی هم سرمایه گذاری در خارج است که میزان آن تقریباً همین مبلغ است .

هدف تمام سیاست دولت هارولد ویلسون خلاص کردن لیره استرلینگ از فشار روزافزونی است که در نتیجه کسر دائم موازنه پرداختی و همزمان با آن امتناع دولت از کاهش جدی هزینه های نظامی در ماوراء دریاها و نیز امتناع از کاهش سرمایه گذاریهای انگلیسی در خارج - برای - دولت وارد میگردد .

این سیاست موجب شده که از خارج وامهای بزرگی برای تحکیم مواضع لیره گرفته شود و این امر اگرچه برفع دشواریهای روزگام میکند ولی بنحوی خود میزان بهره ابراهه باید بابت وامها پرداخت گردد و ادما افزایش میدهد .

علت آمادگی آمریکا و سایر دولتها با آنکه از آن بین المللی برای واگذاری این وامها پیشک اینستکه آنها میترسند میادای سقوط لیره در ثبات دلار و سایر ارزها نیز تاثیری بیخشد که آنها نتوانند از عهدہ جلوگیری آن بربایند .

ولی وامهای بزرگی نظیر آنچه که آنها به انگلستان میدهند بدون شرایط معین نیست . با وجود تمام تکذیب های رسمی کاملاً روشن میشود که تعرض عمومی دولت لیبررست بسطح زندگی مردم از جمله بخطر وام دهندگان خارجی نیز انجام میگردد .

قبل از اینکه اقدامات ماه ژوئیه اعلام شود وزیرداری پیچ و مهره هارا سفت کرده بود . او در ماه مه سال جاری ضمن نطق خود درباره بودجه کشور از هذفهای چون تحکیم مواضع لیره استرلینگ و افزایش مداوم قدرت صنعتی و تامین اشتغال کامل صحبت کرده بود و همین اساس در تکمیل دعوتهای مربوط به پشتیبانی از سیاست دولت در زمینه انجام ( ثابت نگه داشتن ) دستمزد مالیات مخصوصی هم در قبال استخدام نیروی کارگری وضع کرد که هدف آن کاهش مصرف داخلی بمیزانی معادل ۳۰۰ میلیون لیره در سال بود .

با اینکه این مالیات از کارفرمایان گرفته میشود از همان آغاز روشن بود که این اقدام موجب ترقی عمومی قیمتها خواهد شد زیرا کارفرمایان بار هزینه تحازه را بدوش مصرف کنند خواهند گذاشت که لاجرم در قیمت تمام کالاهای مورد مصرف طبقه کارگر تاثیر خواهد کرد . بدینسان این اقدام عسلاً بمعنای افزایش بیشتر مالیاتهای غیرمستقیم بود و حال آنکه دستمزد میبایست ثابت بماند .

همانطوریکه ویلیام دیویس دبیر شعبه مالی روزنامه " گاردین " نوشته است : " وزیرداری مالی محافظکاران نیز کاملاً میتوانست چنین بودجه ای تنظیم کند . این بودجه احتمالاً موافق طبع هواداران لیبررستها نیست . . . ولی محققاً مایه آرامش محافظان بانی خارجی است " .

تأمدتی بنظر میرسد که محافظ خارجی که از دولت پشتیبانی مالی میکنند با وضع این مالیات جدید و تعرض بسطح زندگی طبقه کارگر راضی شده اند . ولی وضع طوری بگری شد . روز ۲۰ ژوئیه ویلسون تصمیم به انجام اقدامات تازه ای را اعلام کرد . این اقدامات در سه



جهت سیر میگردند : ۱ - کاهن مصرف بازهم بیزانی معادل با ۵۰۰ میلیون لیره در سال از طریق محدود کردن کامل اجاریات و افزایش مالیاتهای غیر مستقیم ؛ ۲ - انجام داد کامل مجموعه دستمزد از طریق صد ورق قانون مخصوص برای مدت ۶ ماه و برقراری محدودیت کامل برای افزایش دستمزد تا ۶ ماه پس از آن ؛ ۳ - وضع مقررات تکفیری تکمیلی علیه سند یکاها بعنوان شرط ضروری تامین تمام این اقدامات .

تردید نیست که این اقدامات شدید و این طرح سطح زندگی طبقه کارگر که از تمام تعرض های دولت انگلستان در آن اخیر آمده در اثر بود بایند و مست مستقیم با بانکد اران خارجی تدارک دیده شد .

- در این مورد نکته جالب اینست که همانطور که " فائینشل تایمز " روز ۱۹ ژوئیه خبر داد ، کالگن وزیر دارائی بعده ای از کشورهای اروپای غربی مسافرت کرده بود و ضمن آن اقدامات جدیدی را که دولت برای چاره تروم تدارک میدید ( و ویلسون آنها را روز بعد یعنی ۲۰ ژوئیه اعلام کرد ) برای گروه مجامع بانکی دهگانه توضیح داده بود .

پیر پریل شویتسر مدیرعامل بانک بین المللی پول در مصاحبه با مخبر شرکت تلویزیون بی بی سی صریحاً حالی کرده که علت پشتیبانی بانک بین المللی پول اینست که : " دولت شمتا عهد کرده است هرگونه اقدام تکمیلی دیگری را که برای ایجاد موازنه پرداخت مالی در موعد معین لازم بداند با انجام رساند " . مخبریکه این مصاحبه را با شویتسر بعمل آورده بود در اینجا افزوده است که " بدون ذره ای تردید اگر دولت ویلسون عملی غیر از آنچه کرد میکرد ماحول ناظر تعرض بزرگی بر لیره بودیم که کاملاً نمیتوانست به کاهش اجباری ارزش لیره منجر گردد ( " گاردین " - ۱۶ اکتبر ۱۹۶۶ ) .

لایحه قانونی مربوط به قیمتها و درآمدها که ملاحظه نموده قانون ضد سند یکائی است با تمام مواد طرز بکنند و کیفی ضد سند یکائی آن قبل از آنکه ویلسون اقدامات خود را اعلام کنند در پارلمان به تصویب رسید . بموجب این لایحه قانونی که اکنون قانون شده است هرگونه تصمیمی داعیه تغییر قیمت ها و دستمزد باید با اطلاع وزیر اقتصاد برسد و وزیر اقتصاد میتواند این تصمیمات را برای بررسی به اداره قیمت ها و درآمدها بفرستد و ضمناً این تغییرات چنانچه وزیر با آن موافق نباشد تا ۴ ماه پس از نخستین روز اعلام آن نباید عملی گردد . کیفی ناشی از انجام تصمیمات بدون موافقت وزیر شامل صاحبان صنایع و سند یکاها و همچنین تمام کسانی که برای تغییر قیمت ها و درآمدها در اعصاب شرکت کنند نیز هست . بخش چهارم قانون قیمت ها و درآمدها پس از نطق ۲۰ ژوئیه ویلسون از طرف دولت بقانون افزوده شده است شامل حال تمام دوران انجام کامل دستمزد است ( از ۲۰ ژوئیه تا ۳۱ دسامبر سال ۱۹۶۶ ) . این بخش نیز وزیر اقتصاد حق میدهد دستورهائی صادر کند که بموجب آنها فرما اجازت داشته باشد میزان دستمزد را از آنچه که قبل از ۲۰ ژوئیه میرد اخته است بالاتر ببرد حتی اگر بموجب قرارداد با سند یکائی مربوطه موظف به پلای بردن آن شده باشد ( بدین طریق افزایش دستمزد حتی در مواردی هم که کارفرمایان موافقت کرده است ممنوع میگردد ) . تاکنون دود ستور از این قبیل صادر شده است .

## نتایج ماه ژوئیه

افزایش بیکاری نیت آشکار دولت بود. البته باید افزود که قبل از اتخاذ این تدابیر شدید اقتصاد انگلستان در مجموع خود وضع دشوار داشت. در نیمه اول سال ۱۹۶۶ اقتصاد انگلستان عملاً دچار رکود بود. اندک رشدی که طی یکماه انجام گرفته بود در قیاس با شاخص‌های ماه‌های بعد به صفر رسید. در ماه‌های مارس - اوت سال ۱۹۶۶ شاخص تولید صنعتی بطور متوسط ۱۳۴ در مقابل ۱۳۷ دوره سه ماهه آخر سال ۱۹۶۵ و سصاهه اول سال ۱۹۶۶ بود.

پس از اقدامات ماه ژوئیه ویلسون هرقراری مالیات بر استخدام نیروی کارگری در اقتصاد انگلستان چرخش تندی در جهت منفی صورت گرفت. بحران رشدت گذاشت و نخست صنایع اتومبیل سازی و تولید کالاهای مصرفی مورد استفاد طولانی سرایت کرد و از پی آن صنایع فولاد ریزی و افزار سازی را در بر گرفت. ده‌ها هزار کارگر را بیکار کردند و با از روزهای کار آنها در هفته کاستند. در ماه‌های سپتامبر - اکتبر تعداد بیکاران ۷۲ هزار نفر افزایش یافت و جمعاً ۴۳۷ هزار نفر رسید.

وعده‌های دولت درباره "تجدید توزیع" نیروی کار (این اصطلاح را دولت برای آن بکار میبرد که بیکاری را بنام خود ننماید) بی پایه درآمد زیرا فقط عده بسیار کمی از کارگران اخراج شده توانستند کار پیدا کنند. بهر حال این تئوری که گویا تدابیر دولت موجبات انتقال کارگران را از عرصه خدمات به عرصه تولید صنعتی مخصوص صادرات فراهم خواهد ساخت بکلی باطل از کار درآمد زیرا نخستین قربانی این تدابیر صنایع اتومبیل سازی بود که مدرن‌ترین و خودکارترین رشته صنایع انگلستان و یکی از عوامل عده تحصیل ارز خارجی بعلافت صد ورمقادر زیادی از محصولات آنست. در اوایل ماه نوامبر صنایع اتومبیل سازی دچار هرج و مرج واقعی شیده بود. صد هزار نفر بیکار از کار اخراج شدند و با از روزهای کار آنها در هفته کاسته شد و با احتصاب کردند و گفتند باید برای جلوگیری از بیکاری شیوه تقسیم کار معمول گردد.

هیچکس نمیتواند بگوید که بیکاری بجهمیزانی خواهد رسید. دولت رقم نیم میلیون و منخله "اکونومیست" رقم یک میلیون نفر را نام برده است.

یک نکته روشن است و آن اینکه بحران هر هفته عمیقتر میشود. حتی شورای کل کنگره تردیونیون‌های بریتانیا که تحت کنترل عناصر دست راستی است از دولت دعوت کرده است در سیاست خود بعلافتتایج فوق العاده منفی آن تجدید نظر کنند. طبق پیش‌بینی این شورا تعداد بیکاران در ماه ژانویه سال ۱۹۶۷ به ۲۰۰ هزار خواهد رسید.

گفتگوی خطرناک رکود وافت روز بروز شدت بیشتری بخود میگیرد. کنفدراسیون صنایع بریتانیا (که سازمان اساسی کارفرمایان است) درباره گرایش‌های کثونی رشد صنایع پر مشنانه ای میان اعضای خود پخش کرد. روزنامه تایمز نتیجه این پر مشنانه را در شماره ۲۱ اکتبر ۱۹۶۶ تحت عنوان "بهبتر از پیش در تاریکی" منتشر ساخت. پر مشنانه نشان داد که ۱۷ درصد شرکت‌هایش که از آنها پر مشنانه عمل آمد در ماه اکتبر نسبت به دورنمای رشته‌های صنایع خود کمتر از ۴ ماه

قبل از آن ( ماه ژوئن ) خوشبینی داشتند و ۵۴ درصد این شرکتها از بیرونی کار خود شکی بودند .  
 نیمی از مخاطبین معتقد بودند کمپاید انتظار کاهش سرمایه گذارینها را داشت .  
 طبق اطلاعات واصله تا پایان سال ۱۹۶۱ تولید فولاد در قیاس با سال ۱۹۶۰ ده درصد  
 تنزل خواهد کرد و احتمال قوی تنزل آن در سال ۱۹۶۷ نیز ادامه خواهد یافت . طبق دیدی که  
 وزارت بازرگانی از میزان سرمایه گذارینهای احتمالی زده است این سرمایه گذارینها در سال ۱۹۶۶  
 چهار درصد و در سال ۱۹۶۷ هفت تا ۸ درصد کاهش نشان میدهد .  
 اینها هنوز نتایج اولیه اقدامات دولت است . در ماههای آینده وضع اقتصادی با احتمال  
 قریب بیقین حدت بیشتری پیدا خواهد کرد و بیکاری و کمباری موسسات صنایع استحصالی را بیشتر از پیش  
 افزایش خواهد داد .

دولت بی اعتنا باین علامت بروز رکود و تنزل گامهای دیگری در راه معرجه جبهه دستمزدد برداشت .  
 یکی از سندی پگاهاشی که کارفرما از افزایش دستمزدد اعضای آن امتناع کرده بود ( قبل از ۲۰ ژوئیه  
 او تعهد کرده بود دستمزدد را افزایش دهد ) بمناسبت نقض قرارداد بدادگاه ازدست اوشکایست  
 کرد و در این دعوا پیروز شد . آنگاه دولت بخش چهارم قانون قیمت ها و درآمدها را بجریمان انداخت  
 و به انجماد دستمزدد اعتبار قانون داد و به کارفرمایان اجازه داد از اجرای قراردادهای منعقد شده  
 قبلی درباره افزایش دستمزدد امتناع ورزند . اجرای این مواد ملزم کنند قانون نشان داد که  
 مدافعان دولت تصدیق میکنند اگرچه قانون اجبار را تجویز کرده است ولی عملا از آن هرگز علیه سندی پگاهها  
 استفاده نخواهد شد . به نیت ویلسون کم بهاداد بودند . اقدامات دولت خشم کارگران را  
 شدت داد و از طرف دیگر بخشی از کارفرمایان را نیز تا حدودی بخشم آورد زیرا آنها متوجه بودند  
 که اقدامات ملزم کنند به سبب باطل کردن قراردادها منعقد قبلی روابط آنها را با کارگران  
 موسسات آنان بخطر خواهد انداخت . حتی قراردادهای مربوط به بازده که بموجب آنها افزایش  
 دستمزدد باید در قیال گذشتهائی از جانب کارگران انجام گیرد اکنون کان لم یکن شده است .

حالا روشن شده است که دولت که قبلا اعلام کرده بود تصمیم دارد رشد اقتصاد را بعنوان  
 وسیله حل تمام مشکلات عملی سازد اکنون در جهت مخالف این تصمیم گام برمیدارد . " برنامه ملی "  
 حرج بر او که بموجب آن درآمد ملی میبایست در سال ۱۹۷۰ - ۲۵٪ افزایش یابد دست فراموشی  
 سپرده شد . دولت لیبریمت بکار برطبق " ایست ای به پیش " پرداخته مضافا براینکه  
 " ایست ها " سنگین تر و طولانی تر از دوران زمامداری محافظه کاران شده است .

ویلسون در اکتبر ۱۹۶۶ در پارلمان رقم دودرصد بیکاری رقم " قابل قبول " برای بیکاران  
 نامید . اکثریت این رقم را بعنوان حدی تعبیر کرد که بیکاری از آن فراتر نخواهد رفت . ولی حالا  
 کاشف بعمل آمده است که رقم دودرصد بیکاری ناگزیرترین سطحی است که دولت میخواهد اقتصاد را  
 بر پایه آن نگاهدارد . این بدان معنی است که در انگلستان باید همیشه ارتشی معادل با ۴۸۰ هزار  
 بیکار وجود داشته باشد . دولت عملا تز محافظه کاران را پذیرفته است که طبق آن برای اداره اثر  
 بخش امور اقتصاد وجود سطح بالاتری از بیکاری برای ما ضرور است .

حزب لیبریمت در گذشته میگفت بهترین شیوه اداره اقتصاد اتخاذ سیاست متناسب در زمینه  
 دستمزدد است . ولی محافظه کاران میگفتند بهترین شیوه اینکار ایجاد ارتش ذخیره بیکاران است .

حالات دولت لیبریست هم این‌وهم آن سیاست را بکار میبرد • همان‌طور که محله "اکنونیست" نوشته است دولت "به دکتریتی که طبق آن اثر بخش‌ترین وسیله اداره امر اقتصاد انگلستان ایجاد ذخیره دائمی بیشتری از بیکاران است - خیلی نزدیک شده است • اکثریت اقتصاد دانان در حال حاضر با این دکتترین غم انگیز موافقت دارند " و اما این که این ذخیره دائمی باید تقریباً نیم میلیون نفر باشد یا سخن بر سر رقم دیگر است - مثلی است که تحریر نشان خواهد داد • و این هنگامی است که مجدداً به توسعه تولید پرداخته شود و کار از سطحی که پس از تجدید توزیع نیروی کارگری بدست آمده است آغاز گردد •

حتی در چنین صورتی هم اطمینانی نخواهد بود که دولت بتواند از لیره " دفاع کند " • گفتگوی کاهش ارزش لیره همچنان ادامه دارد • برخی از سرمایه داران بزرگ و مایه‌داران در سرمقاله های مربوطه در مورد مواد اساسی سیاست کنونی اظهار تردید میکنند •

مدیر کل شورای رشد اقتصاد کشور گفت که کندی آهنگ رشد در انگلستان بمیزان زیادی از سرمایه گذارهای بزرگ در خارج و از هزینه های نظمی کلان پس از جنگ در خارج ناشی میشود وی افزود که : " اگر این خطوط اساسی سیاست ظوری تغییر کند که ما بتوانیم کسری ( کسری موازنه پرداخت ) را از بین ببریم وضع کلی ما هم تغییر خواهد کرد و وضع کشورهای دیگر که آهنگ رشد آنها سریع است بمراتب بیشتر شبیه خواهد شد " • ( " فایننشیل تایمز " ۱۰ اکتبر ۱۹۶۶ ) • دولت هلسون نیز نظیر دولت های محافظه کاران ماقبل خود تلاش میبوده ای بخرج میدهد تا در سیاست صندوق بین المللی پول با ایجاد تغییراتی نائل شود که با استفاده از آنها در یافتن وجوه قابل تسعیر بیشتری را برای انگلستان تامین کند و آنها هم بطور کلی از طریق وام بهر شکلی که واگذار گردد •

دولت که نمیدانند چگونه از هر کجا که میسر شود - کمک بگیرد - بار دیگر مسئله الحاق انگلستان به " بازار مشترک " اروپا را علم کرده است برای اینکار هم با کشورهای " شش گانه " مذاکره میکند و هم با کشورهای سازمان اروپائی بازرگانی آزاد • دولت میکوشد در زمینه مسائلی که در صورت ورود انگلستان به " بازار مشترک " پیش خواهد آمد بشکلی موافقت برسد • بدیهیست که در جریان این مذاکرات دولت لیبریست خواهد کوشید از منافع خاص امپریالیستی انگلستان دفاع کند و نقضش لیره و نیز نقش لندن را بعنوان یک مرکز مالی حفظ کند • دو گل که عدت خاصی برای پشتیبانی از لیره یا دلار نمی بیند با این امر مخالف است •

دولت هلسون یاد دولت آلمان غربی هم میزد اگر میکنند که آن دولت هزینه نگاهداری نیروهای انگلیسی متیم آلمان غربی را بپردازد • ولی ظیروغ اینکه تهدید کرده است نیروهای خود را در صورت پیداشدن راه حل رضایت بخش بیرون خواهد برد تاکنون نتیجه بسیار اندکی عاید شده است •

### اعتلائی جنبش

سیاست دولت موجب اعتلائی جنبش عمومی کارگران شد • در آغاز کار انجماد دستمزد و دخالت در مذاکرات سندیکاهای کارفرمایان در باره انعقاد قرارداد دستجمعی - این اعتلا را موجب گردید •

سپس این جنبش همراه با هرگامی که دولت در راه اجرای سیاست خود بر میداشت دامنه دارت و قاطعتر میگردد و هنگامیکه کارفرمایان در مقیاس وسیع یا خراج کارگران پرداختند دامنه بازهم وسیعتری بخود گرفت . ولی اگرچه این جنبش بطور عمده در جنبه مبارزه اقتصادی گسترش می یابد مع الوصف این نکته که همین سیاست اقتصادی و خارجی پیوند محکم برقرار است بهتر درک میشود و حالاً غالباً در میان خواستهای کارگران به پیش میکشند اشکالاتی به وابستگی سرمایه خارجی و اشاراتی به سیاست در مناطق واقع در خاور سوئز " مشاهده میگردد .

نخستین گام قطعی در مبارزه علیه سیاست دولت اعتصاب ملوانان بود که از روز ۱۶ مه آغاز شد . باربران بندر با این اعتصاب همبستگی کردند . اعتصاب چه در انگلستان و چه در خارج — مورد پشتیبانی وسیع قرار گرفت . موضع ملوانان در مبارزه برای افزایش دستمزد و کاهش زمان کار و بهبود شرایط کار فوق العاده نیرومند بود . زیرا ملوانان انگلیسی در زمره کم حقوق ترین گروههای زحمتکشان در اروپا هستند . دولت از همان آغاز از صاحبان کشتی ها در امر امتناع از هرگونه عقب نشینی حدی پشتیبانی کرد . روز ۲۲ مه دولت با اقدامات فوق العاده دست زد و دادگاه مخصوصی بنام " دادگاه تحقیق " پیرامون چگونگی تصادم تشکیل داد . ولی ملوانانی که پشتیبانی سندیکاهای دیگری آنها را قویتر کرده بود موضع قاطع اتخاذ کردند و هم پیشنهاد کارفرمایان را در مورد عقب نشینی و هم شرایط حل اختلاف را که از طرف " دادگاه تحقیق " پیشنهاد شده بود رد کردند . کار بسته مصالحه ای انجامیده که در نتیجه آن گذشتههای کوچک دیگری برای ملوانان قائل شدند و کار از روز اول ژوئیه آغاز شد . تا آن هنگام ۲۰ هزار ملوان اعتصاب کرده بودند و عدد زیادی از کشتی ها در بندر لندون انداخته بودند زیرا باربران از کار امتناع میورزیدند .

روند دولت در هنگام تصادم ویژه فعالیت و پلسون نشان داد که دولت مصمم است از هرگونه افزایش دستمزد جلوگیری کند . این روش همراه با توسعه تصادم شدت بیشتری بخود میگیرد . ولی همبستگی و پشتیبانی مالی سایر سندیکاهای ملوانان بروشنی نشان داد که علیرغم تمام تهدیدها اپوزیسیون وسیع علیه سیاست انجماد دستمزد ها بوجود میآید . حزب کمونیست روزنامه " مورنینگ استار " از تمام امکانات خود برای مبالغه نگاه داشتن جنبش کارگری از جریان مبارزه ملوانان و متشکل ساختن پشتیبانی از اعتصاب استفاده کردند . ملوانان مشهور عضو حزب کمونیست در جریان اعتصاب نقش برجسته ایفا کردند . و پلسون روز ۲۰ ژوئن ضمن صحبت خود در مجلس عوام به کمونیستهای — با اصطلاح او " گروه کاملاً بهم پیوسته ای از افراد دارای انگیزه های سیاسی " تاخت که بنا بادعای او به هیئت احرائیه سندیکای ملوانان فشار میآورند تا اعتصاب را ادامه دهد . هیئت احرائیه ملوانان طی اعلامیه ای متضمن ابراز اسفند از تلاش نخستوزیر برای اعمال نفوذ در جریان دعوی صنفی ما . . . از طریق لکه زدن بشهرای اجرای " باین ادنا پاسخ داد . سپر و پلسون از تشکیل کمیسیون رسمی برای رسیدگی به اتهامات او علیه کمونیستها امتناع کرد و مجموعه این حادثه موجب بدنامی پیر از پیش او در میان کارگران شد . پلسون از آنجهت به حزب کمونیست حمله کرد که — میدانست تا در جنبش کارگری نیروی سوسیالیستی متشکل مستقل دستیم و از تهدید است دست راستی ها نمیترسیم .

سوم ژوئیه یعنی یک روز پیش از آنکه شارلویچ قانونی مربوط به قیودها درآمدها در لندن کازنس

وزیر تکنیک از کابینه استعفاداد زیرا با سیاستی که در لایحه قانونی تشریح شده بود، هکلی مخالف بود در استعفانامه ای که برای نخست وزیر فرستاد گفته میشد که "پیشنهاد های مطرحه در لایحه قانونی هیچ نقشی در حل مشکلات اقتصادی نمیتواند داشته باشد . . . شما در صحبت های که مادر گذشته پیرامون این مسئله کرده بودیم موافقت کرده بودید که اقتصاد باید با سطح عالی دستمزد مبتنی بر رونق رشد پیدا کند . . . من با نهایت وضوح گفته ام از قانونی که حق سند یکاها را در مورد طرح آزادانه خواست های اعضای خود و نیز در مورد مبارزه برای علی ساختن این خواسته ها در سطح متناسب با توانائی آنها - انجم از هر سطحی - محدود نماید نمیتوانم پشتیبانی کنم . . ."

کار نمیدیند بطریق بمقام دبیر کلی سند یکای کارگران حمل و نقل و کارگران غیر متخصص که با پیگیری علیه سیاست دولت در زمینه دستمزد مبارز میکنند - بازگشت \*

در اوایل ماه اوت یعنی پس از اظهارات ۲۰ ژوئیه ویلسون نتایج سیاست او از روی چگونگی تصمیمات کارفرمایان در مورد "کاهش نیروی کار زائد" و "قراری هفته کار ناقص برای کارگران" - پروشنی آشکار شد. این جریان تمام کذب دعوای مکرر دولت را درباره اینکه گویا انجم دستمزد برای جلوگیری از بیکاری وسیع لازم است - نشان داد. کارگران بعمان دیدند که در اینجا صحبت بر مران انتخاب میان اشتغال بیکاری است. برای آنها یقین حاصل شد که بیکاری نتیجه مستقیم انجم دستمزد محدود ساختن اعتبار و بطور کلی نتیجه مجموعه سیاست دولت است.

با اینجهت وقتی شرکت های عمده اتومبیل سازی برای کارگران خود هفته کار ناقص مقرر کردند و برخی از شرکتها تهدید کردند که اخراج کارگران معدوم و وسیعتری بخود خواهد گرفت و سپس در سایر رشته های صنایع نیز جمعی از کارگران را اخراج کردند - مبارزه علیه سیاست دولت - حدث پیدا کرد. یکسلسله اعتصاب علیه اخراج کارگران برپا شد و خواسته های اعلام گردید که کار طوری میان همه تقسیم گردد که از اخراج جلوگیری شود. در اینجا همکاری کارگران کمیونیت کارخانه های اتومبیل سازی در صف اول مبارزه بودند.

کارگران متصدی نقد و انتقال اتومبیلها پس از اطلاع از این تهدید که از هر سه نفر آنها یکی از کار اخراج خواهد شد دست با اعتصاب زدند و سند یکای آنها این اعتصاب را بلافاصله برسمیت شناخت. تصاد های دیگری هم روی داد که بمیزان زیادی از طرح خواست توزیع کار بعنوان وسیله مبارزه علیه اخراج ناشی میشد. هیئت اجرائیه سند یکای متحده ماشین سازان تحت قشمار اعضای سند یکا با تقسیم کار طیرغم اعتراضات دولت موافقت کرد. مخالفت کارگران با سیاست دولت بسیار شدیدا است و این امر در نتایج کنگره "کنگره تردیونیونهای بریتانیا" که در سپتامبر ۱۹۶۶ تشکیل شد و نیز در نتایج کنفرانس اکثر حزب لیبرلیست تاثیر بخشید.

ویلسون ضمن نطق خود در نخستین روز تشکیل کنگره "کنگره تردیونیونهای بریتانیا" اعلام کرد که سیاست درآمد هایگانه و شیقه جلوگیری از بیکاری است زیرا در غیر اینصورت بیکاری ممکنست هر ۱ تا ۲ میلیون نفرا در برگیرد. او همچنین اخطار کرد که پس از انقضای ۶ ماه انجم کامل دستمزد و دوران ششماه بعدی محدودیت شدید افزایش دستمزد هنوز باید مراقبت کرده "افزایش درآمد ها طبق برنامه معین با افزایش بازده کار در سراسر کشور متناسب باشد". بدینطریق او انجم دستمزد دائم دستمزد را پیشگورد. بعد ها این روشی در اظهارات کروسمن تایید شد. او گفت: سیاست

درآمد هادرحکم مناسبات طرازنوبنی در عرصه صنعت است و اگر دولت بمقصد خود برسد بازگشت بوضع قبلی از ۲۰ ژوئیه صورت نخواهد گرفت .

با آنکه درکنگره تردیونینون ها اکثریت نمایندگان موضع شوری کل را که پشتیبان سیاست دولت بود تایید کردند ولی يك اقلیت بزرگ که سند یکای کارگران حمل و نقل و کارگران غیرمخصص در اسان قرار داشت بمخالفت با این سیاست برخاستند . بخشی از گزارش شوری کل که در آن از سیاست انجماد پشتیبانی میشود با اکثریت ۳۴۴ هزاررای بتصویب رسید ( ۵۶۷۰۰۰ رای در مقابل ۲۲۳۰۰۰ رای ) . ضمنا خیلی ها میگفتند که برخی ازسند یکاها برخلاف قرارهای مصوبه کنفرانسهای سالانه خود بمتنوع انجماد دستمزد رای دادند .

قطعنامه سند یکای ملی معدنچیان که با اقدامات ملزمکننده مصرحه در قانون قیمت ها و درآمد ها مخالف بودند فقط با اکثریت ۴۷۴ هزاررای رد شد ( ۲۰۹۰۰۰ رای له و ۶۸۳۰۰۰ رای علیه ) .

این اقلیت که بیش از ۴ میلیون رای داشت خصیصه جالب کارکنگره بود . در عین حال روشن شد که علاوه بر سند یکای کارگران حمل و نقل و کارگران غیرمخصص وسند یکاهای دیگر شاغلین کارجمعاتی تمام سند یکاهای شاغلین کار فکری نیز جزو اپوزیسیون هستند . علاوه بر قطعنامه های مربوط به مسائل سیاست اقتصادی قطعنامه دیگری هم بدون مخالفت بتصویب رسید که در آن قطع بمبارانهای امریکا در خاک ویتنام شمالی مطالبه میگردد و از " هر اقدامی که دولت یا سازمان ملل متحد بتوانند برای نیل به صلح انجام دهند " پشتیبانی میشود .

چهار هفته پس ازکنگره " کنگره تردیونینون های بریتانیا " در روز سوم اکتبر کنفرانس سالانه حزب لیبرریست تشکیل شد . در این هنگام بازار اخراج کارگران رواج بود ، برقراری هفته ناقص کار جسران داشت و مقاومت کارگران رهرو میشد . گروه بزرگی مرکب از هزاران کارگر کارخانه های بزرگ اتومبیل سازی به همراه باربران بندری لندن و کارگران حمل و نقل به برایتون که کنفرانس در آنجا تشکیل شد ، بود وارد شدند تا اعتراض خود را علیه سیاست ویلسون ابراز دارند . ویلسون مجبور شد نمایندگان آنها را بپذیرد ( پس از امتناع اولیه ) ولی وعده ای بوی هیچگونه تغییر نداد . تظاهرات کنندگان که برای اعتراض ب سیاست دولت آمده بودند میتنکی برپا کردند و پرچم بدست بنای کنفرانس را دروزند و بدین طریق پشتیبانی موثری از نمایندگان که روحیه پیکار جود داشتند بعمل آوردند .

عصر ۴ اکتبر ویلسون واعضا کابینه اوتصمیم گرفتند بخش چهارم قانون قیمت ها و درآمد ها را بموضع اجرا بگذارند و حال آنکه قرار بود روز دیگر در کنفرانس این مسئله به بحث گذاشته شود . آرا کنفرانس در مورد قطعنامه ها مختلف نشان داد که قریب ۴ میلیون رای بر له سیاست دولت و ۲ میلیون رای علیه آن داده شده است . ولی بر سر مسئله تقسیم کار بعنوان راه جلوگیری از اخراج مخالفین سیاست دولت ۳۲۸۹۰۰۰ رای موافقین - ۱۳۷۰۰۰ رای داشتند یعنی اکثریتی با ۱۵۲ هزار رای علیه دولت و کمیته اجرائیه حزب لیبرریست بود . دولت و کمیته اجرائیه در مورد سیاست " در مذاق خاوری سوئز " و در مورد خروج نیروها و همچنین در مورد صدور قطعنامه مثبت در باره ویتنام که سند یکای کارگران آتش نشانی پیشنهاد کرده بود نیز شکست خوردند . در نتیجه انتخابات ماه مارس ۱۹۶۶ وضع فراکسیون حزب لیبرریست در پارلمان تغییر کرد .

عد زیادی از اعضای جناح چپ لیبریسیت بنمایندگی مجلس عوام انتخاب شدند . عواملی که موجب میشد نمایندگان چپ مجلس عوام پس از انتخابات سال ۱۹۶۴ از انتقاد جدی از دولت بعلت ناچیز بودن اکثریت آن در پارلمان خود داری کنند حالا دیگر نقش کمتری بازی میکند . در ماه آوریل ۶۴ نماینده پارلمان قطعنامه ای پیشنهاد کردند که در آن از پشتیبانی دولت از جنگ امریکادار ویتنام ابراز تاسف شده است . در ژوئیه ، ۵۹ نماینده اصلاحی راکه علیه لایحه قانونی قیمتها و درآمدها بود امضا کردند . سپس در ۳۰ نماینده هنگام رای گیری در مورد این لایحه قانونی متنع ماندند . در ماه اکتبر ، ۲۸ نماینده به ماد متوسط به دستور اجرای بخش چهارم قانون قیمتها و درآمد هارای متنع دادند . علاوه بر این موارد که نمایندگان رای متنع دادند در جلسات خصوصی فرانسویون پارلمانی لیبریسیت نطقهای متعددی علیه سیاست دولت ایراد شد و در مجلس عوام سخنرانی های لیبریسیت های چپ سرشار از انتقاد شدید بود . سوای نمایندگانی که آگاهانه تصمیم میگیرند در مورد برخی مسائل مهم از پشتیبانی از دولت خود داری کنند جمع دیگری از نمایندگان نیز که تعداد آنها براتب بیشتر است روحیه مخالفت با سیاست دولت دارند .

در جریان پیکار تبلیغاتی علیه سیاست ویلسون مسائل ایدئولوژیک نیز مطرح میشود ، بویژه این مسئله که برخورد سوسیالیستی بحل مسائل عاجل چگونه باید باشد و اصولا سوسیالیسم چیست . در پاسخ اتهام لیبریسیت های چپ که مدعیند دولت از اصول سوسیالیستی عدول کرده است دبیر مطب " نیواستیسمن " در شماره مورخ ۱۶ سپتامبر سال ۱۹۶۶ آن مطب مقاله ای تحت عنوان : " چگونه لیبریسیت ها اشتباهات سوسیالیسم رسیدند " انتشار داد . در مقاله ادعا میشود که " در عروق سیاست تعدیل قیمت ها و درآمدها ۰۰۰ در حقیقت خون سوسیالیستی جریان دارد " و " ما در برابر انتخاب یکی از دروازه قرار داریم : یا اقتصاد جنگلی ۰۰۰ و یا جامعه متمدنی که در آن دولت پروسه بیرحمانه و خود یخودی سوداگری اقتصادی را کنترل میکند و اثرات مجرای عسلائی سوق میدهد " .

برای کمک به بحثی که در حیطه کارگری و ویژه میان دانشجویان و جوانان درباره سوسیالیسم انجام میگردد ما جزوه اب یا تیراژ ۲۰ هزار نسخه انتشار دادیم که در آن ضرورت سوسیالیسم تحلیل میشود وواعهای نید بیان اراخصیگردد ( ۱ ) .

در صفوف جنبه کارگری وحدت نظر تحکیم میگردد و آنها هم نسبتها در مورد ضرورت اتخاذ سیاست جدید بلکه ایضا در مورد اینکه برنامه تالی ( آلترناتیو ) چگونه باید باشد . کنگره ۲۹ حزب ما ( نوامبر ۱۹۶۵ ) بعنوان مبنای بحث برنامه ای درباره برقراری اتحاد در جنبه چپ و متسرفی به پیش کشیده است که مواد اساسی آن بدین شرح است : رد سیاست درآمدها و قانون ضد سندیکائی ، تطاع ترقی قیمتها ، قطع پشتیبانی انگلستان از جنگ امریکا در ویتنام ، کاهش هزینه های نظامی ، توسعه خدمات اجتماعی ، نظایر همین مواد با شکل مختلف در انواع بیانات برنامه لیبریسیت های چپ و در قطعنامه های سندیکائی ، در اصلاح پیشنهادی نمایندگان لیبریسیت در پارلمان که سیاست تالی ( آلترناتیو ) را در مقابل لایحه قانونی قیمت ها و درآمد ها پیشنهاد میکنند



و در راسته همانامه کار نسیمتخستوزیر مشاهده میشود . اینها موادی هستند که کم و بیش توده عناصر  
چپ حزب لیبرلیست را متحد میسازد و نیروهای مترقی داخل سندیکاها نیز بیشک از این مواد  
پشتیبانی میکنند .

نیل یوحدت سیاسی نیروهای مختلف هنوز آسان نیست . مع الوصف گرایش روشن است و اشکال  
مهمی برای انجام اقدامات مشترک بوجود میآید .

نیروهای مترقی در سندیکاها برای جلب اکثریت اعضا مبارزه علیه اقدامات دولت و دفاع از حقوق  
سندیکائی همکاری میکنند . در موسسات مبارزه مستقیم علیه سیاست ویلسون و عواقب آن تحت رهبری  
ارشد کارگران کارگاههاکه اعضای سندیکاهای مختلف و پیرو عقاید سلیسی مختلف هستند انجام  
میگیرد . آنها اقدامات مشترک را سازمان میدهند و ضرورت مبارزه را برای کارگران روشن میکنند .

علاوه بر این یک جنبش توده ای عمومی هم علیه قانون ضد سندیکائی و سیاست دیکتاتور منشا نه وضد  
دموکراتیک دولت پایتکار کمیته های ارشد کارگران کارگاهها برپا شده است . این افراد تاکنون دو  
دمونستراسیون در برابر پارلمان تشکیل داده اند روز ۳ دسامبر کنفرانس ملی خود را برگزار میکنند .  
اقدامات پیکار جهیانه کارگران صنعتی در زمینه این مسائل نیروی سازمانهای گوناگونی را که  
علیه تجاوز امریکا به ویتنام و علیه پشتیبانی دولت انگلستان از این سیاست مبارزه میکنند یعنی  
نیروی سازمانهای هوادار صلح ، جنبش خلع سلاح هسته ای ( که اکنون در زمینه کلیه مسائل مبارزه  
در راه صلح اقدام میکند ) ، جنبش ضد تبعیض نژادی و نژاد پرستی ، جنبش کرایه نشین ها و سرانجام  
جنبش زنان علیه گرانی هزینه زندگی را افزون میسازد . در نواحی عمده کشور بیشتر از پیش کنفرانسهای  
دفاع از ویتنام تشکیل میشود . در این زمینه تحکیم وحدت میان جوانان و دانشجویان اهمیت خاص  
دارد . در سازمان " وحدت عمل جوانان " کمیونتهای جوان ، لیبرالهای جوان ، سوسیالیستهای  
جوان عضو حزب لیبرلیست ، شعبه جوانان جنبش خلع سلاح هسته ای و غیره شرکت دارند . دانشجویان  
سازمانی بنام " آلیانس برادیکال " تشکیل داده اند که در آن دانشجویان لیبرلیست و لیبرال  
و کمونیست عضویت دارند .

حزب کمونیست در تمام این جنبش ها شرکت فعال دارد . ما اوراقی به تیراژ ۴۰۰ هزار نسخه  
علیه اقدامات ژوئیه ویلسون تحت عنوان " سیاست رفع بحران " و نیز جزوه ای تحت عنوان " انجام  
دست مزد - فریب گری بزرگ است " منتشر کردیم . برای این جزوه بخصوص در کارخانه هانتقاغای  
زیادی وجود داشت . در ماه سپتامبر کمیته اجرائیه حزب ما برنامه ای تحت عنوان " آلترناتیو  
انجماد " پذیرفت که متن آن در ۳۵۰ هزار نسخه پخش شد . جزوه هایی تحت عنوان " ما  
خواستار ۴۰ ساعت کار هستیم ؛ برابری در پشتیبانی از موضع گیری ملوانان " و نیز اوراقی به  
تیراژ ۱۰۰ هزار نسخه تحت عنوان " دعوت از تمام زنان خانه دار " - انتشار یافت . علاوه بر این  
اوراق زیادی در مورد مسائل مختلفی که در نقاط مختلف پیش میآید از طرف کمیته محلی محلی حزب ما  
انتشار یافت . سرانجام مینینگهای برگزار شده یکی از آنها میتینگ های جلوی در کارخانه هابود .  
در این میتینگ ظل و تاج سیاست دولت و ضرورت مبارزه علیه آن توضیح داده شد .

در ماه روشن ما جلسه ای از نمایندگان سازمانهای حزبی کارخانه های تمام نواحی کشور تشکیل  
دادیم که در آن تعدادی نظر بعمل آمد و تصمیم گرفته شده ۵۰ سازمان حزبی دیگر در کارخانه ها

تشکیل گردد • تاکنون ۱۲ سازمان آن تشکیل شده است • کمیته اجراییه حزب تصمیم گرفته است برای مضامین ساختن تعداد اعضای سازمان جوانان کمموسول که با توجه بروحیات جوانان و کامیابی های بزرگی که در این زمینه بدست آمده است امر کاملاً میسر است دست به پیکار تبلیغاتی بزنند • در شرایطی که در بسیاری از جبهه ها مبارزه اوم انجا همگردد تعداد اعضای حزب رها افزایش نهد است ولی این افزایش هنوز خیلی کند است • در ماه سپتامبر کمیته اجراییه ماسندی تحسنت عنوان "نامه سیاسی" خطاب به تمام اعضای حزب انتشار داد که در آن خصوصیات مسائلی که در برابر جنبش کارگری مطرح است و وضع جدیدی که پس از انتخابات پارلمانی بوجود آمده تشریح شده است • در نامه کمیته اجراییه از حزب دعوت شده است که کار خود را در زمینه رشد جنبش خود را ای با اتفاق تمام نیروهای چپ تقویت کند و همه اعضای حزب و سازمان جوانان کمموسول را افزایش دهد و توسعه بخش روزنامه "مورنینگ استار" کمک کند • در ماه اکتبر ما ۳۸۹ تقاضای عضویت در حزب دریافتیم که بزرگترین رقم تقاضای عضویت حزب در ماههای اکتبر طی سه سال اخیر است • اوضاع و احوال سیاسی کنونی انگلستان یک پدیده گذرانیمت • ولسون سعی داشت چنین وانمود سازد که اقدامات ای که علیه کارگران و سندیکاهای آنها متوجه است جنبه موقت دارد و هدف آنها تنها رفع دشواریهای اقتصادی کنونی کشور و جبران کسری موازنه پرداختی است و همینکه وضع بهبود یابد باین سیاست خاتمه خواهد داد • سایر نمایندگان دولت بروشنی فهماندند که ولسون قصد دارد پس از پایان وضع "فوق العاده" نیز سیاست درآمد هارا ادامه دهد و می خواهد ذخیره دائمی از بیکاران بوجود آورد که بنظر او تقریباً به نیم میلیون نفر خواهد رسید •

کالاگن ابراز خوشبینی میکند که کسری موازنه پرداختی در سال ۱۹۶۷ از بین خواهد رفت • ولی مشکل بتوان گفت که با وجود کاهش تولید و سرمایه گذاری که سیاست دولت آنرا موجب میگردد در وضع انگلستان بهبود جدی روی دهد • بهر حال سنگینی بار وامهای خارجی باقی خواهد ماند و دولت از آن بعنوان وسیله ای برای توجیه ادامه بی پایان سیاست محدود کننده کنونی استفاده خواهد کرد در آینده نزدیک با احتمال زیاد تعداد بیکاران و کسانیکه در تمام روزهای هفته کارند دارند با زهم افزایش خواهد یافت و مبارزه ای که اکنون درها هزار کارگر علیه این وضع انجام میدهند شدت بیشتری بخود خواهد گرفت • وقتی دوران انجماد کامل در ستمزد تمام شود و از روز اول ژانویه ۱۹۶۷ دوران برقراری "محدودیت های شدید" در مورد افزایش آن آغاز گردد مبارزه برای افزایش در ستمزد ناگزیر حد نخواهد یافت • در این اوضاع و احوال تشدید مخالفت با سیاست دولت و وجود تفاسلات چپ در داخل حزب لیبریمست و سندیکاهای و شرکت های تعاونی و در میان جوانان امکانات تازه ای برای پیست دامنه وحدت که برای انگلستان و برای تحکیم حزب کمونیست ضرورت حیاتی دارد فراهم خواهد آمد •

# اعتصابات در جهان سرمایه داری

زحمتکشان کشورهای سرمایه داری برای دفاع از حقوق خویش و مبارزه علیه ستم انحصارات و برای تحقق خواسته‌های حیاتی خود سلاح آزمون شده ایرا بکار می‌برند. این سلاح، اعتصاب باشکال گوناگون آنست.

اینک بذكر شمه ای از جنبش‌های اعتصابی ماههای اکتبر - نوامبر سال ۱۹۶۶ می‌پردازیم. این اخبار اگرچه تمام رویدادهای جنبش را دربر نمی‌گیرد ولی دامنه‌برد جبهه‌کار علیه جبهه سرمایه را محسوس می‌سازد.

## ایالات متحده امریکا

روز ۳ اکتبر ۱۹۶۶ برغم دعوت رئیس جمهور جانسون ۴۰۰ کارگر عده ای از موسسات شرکت جنرال الکتریک اعلام اعتصاب کردند و سرکار حاضر نشدند. در اواسط اکتبر ۳۰ هزار کارگر و کارمند این شرکت دست با اعتصاب زدند.

## کانادا

بیش از ۵ هزار تن از کارکنان شرکت هواپی "ایر کانادا" در اواسط نوامبر اعتصاب کردند. این اعتصاب که بیش از یک هفته بطول انجامید تقریباً تمام رفت و آمد هوایی کشور را فلج کرد.

## ایتالیا

روز ۲ اکتبر صد ها کشتی دارای پرچم ایتالیا در بنادر متوقف شدند. کارکنان کشتیرانی بازرگان و مسافربری دریایی کشور با اعتصاب دست زده بودند. یک میلیون کارگر ماشین ساز و فلز کار و فلز ساز روز ۶ اکتبر اعتصاب عمومی اعلام کردند و رشته های مهم اقتصاد کشور را فلج ساختند. در اواخر ماه اکتبر هفتصد هزاره ۴۰۰ هزار بزرگ‌گروه حقان جزیره سیمیل برگزار شد.

## فرانسه

روز ۲۳ نوامبر بمناسبت برگزاری روز ملی اقدام و تظاهرات زحمتکشان موجی از میتینگهای بزرگ و تظاهرات و اعتصابات در مراکز کشور برخاست.

## اسپانیا

در ماههای اکتبر - نوامبر هزاران کارگر در شهرهای آستوریا، بارسلون، لاکرونیا، مادرید و شهرهای دیگر بادن دست زدند با اعتصاب و تظاهرات خواستار الغای اخراج کارگران و لغو اخذ جریمه از طرف کارفرمایان شدند.

## انگلستان

تا چند روز از نیمه دوم ماه اکتبر هزاران کارگر و کارمند کارخانه های اتومبیل سازی "کسوهول" در شهر لوتون در حال اعتصاب بودند .

## یونان

روز ۱۳ اکتبر در سراسر کشور ۱۸۰ هزار تن از کارکنان و کارگران ساختمان و کارگران دیگر اعلام کردند . در آتن و شهرهای دیگر میتینگهای بزرگی به پشتیبانی از اعتصاب کنندگان برپا شد .

## بلژیک

۱۰۰ هزار تن از کارمندان دولت در اعتصاب روز ۱۰ نوامبر شرکت کردند .

## آوروگوئه

روز ۷ اکتبر ده هزار تن از کارگران و کارکنان ساختمانی اعتصاب ۷۲ ساعده اعلام کردند . کارگران حمل و نقل و کارگران رشته های دیگر با آنها پیوستند . روز ۱۱ اکتبر اعتصاب عمومی کشور را فراگرفته بود ، ۲۰۰۰ هزار تن از جمعیتشان در آن شرکت داشتند .

## رو

روز ۲ نوامبر اعتصاب طولانی ۳۰ هزار ماهی گیر پیروی آغاز شد .

## کلمبیا

روز ۲۰ اکتبر "مارش گرسنگی" چهار هفته اد. معلمین کلمبیا که دولت چند ماه حقوق باندن آنها بدعا کرده بود پایان یافت . شرکت کنندگان مارس ۱۶۰۰ کیلومتر در کشور راه پیمائی کردند .

## آرژانتین

۲۲۰ هزار تن از کارکنان راه آهن و ۲۰ هزار تن از کارکنان حمل و نقل دریائی کشور روز نهم نوامبر دست با اعتصاب ۲۴ ساعده زدند . یکسلسله از سندیکاهای آرژانتین با اعتصاب کنندگان ابراز همبستگی کردند .

## جمهوری افریقای جنوبی

در نیمه شب ۱۶ اکتبر در بزرگترین معادن طلای کشور اعتصاب معدنچیان آغاز شد . میترازی که هفته بطول انجامید .

# مبارزه انحصارات

## برای جلب نیروهای طبقاتی میانه

( مشی افراطی راست و نئوفاشیسم )

د. لاکس ، آ. لکوفسکی

فاشیسم یعنی جنگ • این اصل برای بسیاری از ملل جهان از اصول بدیهی است • تجربه تلخ صد هائیلیون انسان صحت آنرا به ثبوت رسانده است • ضمناً یکی از مهمترین عللی که نشو و فاشیسم در اروپای غربی ، طبرغم حاتم بخشی ها و کجکهای انحصارها ، تاکنون نتوانسته است پایگاه وسیعی برای خود ایجاد کند ، وجود همین تجربه است •

ولی درد روان ما معکوس این تز که عبارتست از جنگ یعنی فاشیسم ( البته جنگ امپریالیستی و غیر عادلانه ) - مفهوم روز بروز تشدید آمیزتری پیدا میکند • امپریالیسم میگوید فاشیسم و شیوه ها و اسلوب های رهبری آنها بکجک جنگ احیا کند • امپریالیستها که زیر فشار نیروهای پرتوان ارد و گاه سومنیالیستی و جنبش کارگری و پرورده های انقلابی " جهان سوم " به برافروختن جنگ جهانی قادر نیستند ، در مرحله کنونی از تئوری و پراتیک " جنگ های موضعی " پیروی میکنند • پیدا یستر انواع سازمانها و گروههای نئوفاشیستی و میلیتاریستی که در عین حال خطر فاشیسم " کبیر " را نیز تشدید میکنند از محصولات مهم مکتبی غیر فرعی جنگهای عظیم است • مثلاً جنگ کثیف در هند و چین مخصوص در الحزیره " سازمان مسلح مخفی " ( OAS ) را بوجود آورد • این سازمان تا پیش از زاین بخشی در حیات سیاسی فرانسه بجا گذاشت •

در نتیجه تجاوز آمریکا در ویتنام جریانات مشابهی بمقیاس وسیعتر و دموکراتی نوعیده ترد برابر در دیدگان ما انجام میگردد • در درون جامعه آمریکا نیز مرز بندی قابل اهمیت نیروها در جریان است • تمام سازمانهای ارتجاعی ( از هر قشای ) در ارد و گاه واحد عواد اران جنگ ویتنام قرار گرفته اند • در شهرهای آمریکا مارشهای صلح و مبارزات جنگ برگزار میشود • زد و خوردی که میان آنها هر کنندگان عموماً سازمان دموکراتیک " جوانان مخالف جنگ و فاشیسم " وعده ای از کارکنان بورس در آوریل سال ۱۹۶۶ در مقابل بورس نیویورک رخ داد دارای اهمیت بسیار بود ( در این تظاهرات علیه جنگ ویتنام که ادامه آن سودهای هنگفت عاید کمپانیهای سازد ، اعتراض میشد ) • شباهت ملی مخالفین تجاوز و میخردی طرفداران هار جنگ در خیابانهای آمریکا با هم برخورد میکنند • مبارزات پر شور و کسه علیه میلیتاریسم و جنگ ویتنام در مدارس عالی کشور انجام گرفته و میگردد ، در بیداری افکار توده ها نقش موثری ایفا میکند • ولی خطای فاحشی است اگر این واقعیت را لمز نظر در حرکتیم که سازمانهای

دانشجوی راست‌دین میلیون امضا برای پشتیبانی از جنگ استعماری در ویتنام جمع‌آوری کرده اند و قسمت قابل ملاحظه‌ای از دانشجویان تحت تأثیر افراطیون راست قرار دارند.

محافل حاکمه آمریکا بامیدان دادن به تمایلات میلیتاریستی و سرکوب تارمناهی داخلی بیش از پیش اقدامات ضد دموکراتیک متوسل میشوند. بدون محدود ساختن دموکراسی توسعه تجار و خوئین هرچه دشوارتر خواهد شد. در آمریکا برای ایجاد رژیم توتالیتر تمایلی غنی پدید می‌گردد. مثلاً عده زیادی برای نطقی که جانسون در ماه ژوئیه پس از نماز حومه هانوی و هافون ایراد کرد چنین خصلتی قائل شدند. جانسون در این سخنرانی گفته بود: "برای اتخاذ تصمیم فقط یک نفر از طرف آمریکاها انتخاب شده است." روزنامه "نیویورک تایمز" در سرمقاله خود باین مناسبت نوشت: "پرزیدنت جانسون در اوامها صریحاً گفته که اتخاذ تصمیم درباره اینکه چه چیزی درست و چه چیزی نادرست است، چه کاری را باید کرد و چه کاری را نباید کرد تنها در اختیار شخص اوست. بنابراین سرنوشت آمریکا و بسیاری از کشورهای خارج از مرزهای آن در دست او است." یک نمونه دیگر جلسات تنگین چهار روزه ایست که کمیسیون تعقیب فعالیت‌های ضد آمریکائی یعنی کمیسیون مخلوق ماکارتی در ماه اوت تشکیل داد. در این جلسات برای اعمال فشار بر مخالفین تجاوز به ویتنام برای تسریع در کار تصویب لایحه قانونی که در آن برای هواداران صلح تا ۲۰ سال زندان و پرداخت ۲۰ هزار دلار جریمه پیش‌بینی میشد کوششهای تازه‌ای بعمل آمد. ولی روحیات ضد میلیتاریستی باین جلسات نیز رخنه کرد. نمایندگان یکسلسله از سازمانهای دموکراتیک مخالف جنگ‌این دادگاه را بشدت تقبیح کردند. بازداشت بیش از ۵۰ نفر نیز نتوانست صدای اعتراض را خاموش سازد. ولی کمیسیون لایحه را تصویب کرد و این عمل بطور مفتح نشان داد که هواداران دموکراسی و پیشرفت اجتماعی در آمریکا هنوز مبارزه طولانی و دشواری در پیش دارند که در آن بسا چهره‌های مختلف ارتجاع روبرو خواهند شد.

البته این وضع منحصر بامریکا نیست. انحصارات آلمان غربی نیز هیستری جنگی و تلافی‌جویی را در اروپای باختری بشدت دامن‌میزنند. این امر صلح عمومی را جدا بخطر می‌اندازد و اروپا را بکانون جنگ بدل می‌سازد. در آلمان غربی با وضوحی بیش از هر جا میتوان دید که چگونه میلیتاریسم، تلافی‌جویی، آنتی کمونیسم و نفوفاشیسم متقابل از یکدیگر پدید می‌آیند و متقابلاً از هم پشتیبانی میکنند. در آلمان کشور علاوه بر "جمعیت برانده شدگان" که ۲ میلیون عضو دارد و فکر اعضای آنها باروحیه تلافی‌جویی و تجاوزطلبی بخدیگر کرده اند، واحدهای خاصی نیز بنام "نیروهای ملی دفاع از خاک سیهن" بوجود آمده است. سیاستمداران بن اکتون در آرزوی آنند که هرچه زودتر "قوانین فوق العاده ای" را برای ایجاد شبکه وسیع کنترل سیاسی و نظامی به تصویب برسانند. شگفت‌آور نیست که در چنین "اقلیمی" جریان وحدت عناصر نفوفاشیست تسریع گردد و در نوامبر سال ۱۹۶۴ کار را به ایجا د حزب ناسیونال - دموکرات آلمان که یک حزب آشکارا نازی است منجر ساخت. در انتخابات عمومی ماه سپتامبر سال ۱۹۶۵ که این حزب تقریباً ۲٪ مجموعه آرا را بدست آورد و مخصوص در انتخابات سال ۱۹۶۶ شهرت آریهاکه آرا این حزب در باوریا و شلزلوگ - هالشتاین به ۳٪ و در سیک سلسله از شهرها به ۸ تا ۱۰ درصد بالغ شد، نماین سرطان نفوفاشیستی مشهود گردید. علاوه بر این حزب، در کشور بیتر از ضد سازمان آشکارا فاشیستی با ده‌ها هزار عضو مشغول فعالیت هستند.

د  
 بروزواری انحصاری برای حفظ قدرت در دست خود از وسائل گوناگون و شیوه های مختلف استفاده میکنند \* نادید گرفتن زرادخانه غنی الیگارشلی مالی ها بی احتیاشی بان خطای نابخشدنی است \*  
 ونیز خطرناک است اگر تصور شود که سلاحی چون شیوه افراطی راست ( اکسترمیسم ) ونشوقاشیسم اکنون از این زرادخانه طرد شده است \* زیرا واقعیت نشان میدهد که رژیمهای فرانکو وسالازار در اسپانیا وبرتقال موفق شده اند تسلط خود را تاکنون حفظ نمایند \* در یونان تقریباً ۲۰ سال است که مبارزمیان دولت فاشیست مسلک مردم قطع نمیکرد \* در امریکا بعضی جریانات ارتجاعی رنگ فاشیستی بخود میگیرد \* جنب وجوش بازمانده های فاشیسم در آتریش وایتالیا محسوس شده است \*

باینجهت همپارزه بازمانده های نابود نشده فاشیسم " کهنه " وهم مبارزه باناشینان کنونی آنکسکوشند وپاره سربلندکنند جزو وظائف مبارزه باارتجاع امپریالیستی است \* هدف این مقاله آنستکه توجه خوانندگان را به برخی جوانب اینتجهیل اقدامات دشمن عمده طبقاتی پرولتاریاتمسام زحمتکشان جلب نماید وعضی ازکلی ترین تغییراتی را که در فعالیت افراطیون راست ونشوقاشیست ها مخصوص در مناسبات آنها بانیرهوهای طبقاتی میانفری داد \* است خاطر نشان سازد \* نومسندگان این مقاله طبعاد عوی ندارند که خصوصیات " ملی " پدیده های نشوقاشیستی را در کشورهای مختلف نشان دهند \*

فاشیسم در فاصله میان دو جنگ جهانی بعنوان واکنش بروزواری انحصاری در برابر پیدایش وضع انقلابی کملی القاعده بانشتجالتصیق اقتصادی همراه بود ، پدید آمد \* ضربات بیرحمانه بحران اقتصادی ، هرج و مرج اقتصادی وسیاسی واید شولوزیک ، وجود میلیونها کارگر بیکار و میلیونها خرد بروزواری ورشکست اوضاع واحوال معنی خاصی را بوجود آورده که فاشیسم امکان داد در سالهای ۲۰ و ۳۰ بتمنق انحصارها همکمل بجدانه آنها بسوی حکومت روی آورد \*

بطوریکه تجربه سالهای اخیر نشان میدهد ، اوضاع واحوالی که قدرت انحصارها را شدیداً بخطر اندازد ، ممکنست از طرق دیگر یعنی حتی بدون رکود اقتصادی محسوس نیز پدید گردند \* اکنون انحصارها برای جلوگیری از نضج وضع انقلابی نیست که جریانات فاشیست مسلک وجریانات مشابه آنها بجنب وجوش تشویق میکنند بلکه حتی در دوران اهتلائی اقتصادی نیز در لحظاتی که مبارزه طبقاتی حد سخی یابد باین عمل متوسل میشوند تا بسط جنبش دموکراتیک را در همان مراحل اولیه متوقف سازند انحصارها نیز " عاقل شده اند " \* ولی در جهانی که دستخوش تحولات سریع است ، نیروی سوسیالیسم رومافزایش است ، دهها کشور جدید پدید میگردند ، در سرمایه داری انحصاری دولتی تغییرات جدی روی میدهد وغیره ، شرایط صوبی نیز برای فعالیت ارتجاع افراطی تغییر مییابد \* ان نیروهای اجتماعی هم که ارتجاع آنها را پایگاه بالقوه خویش می شمارد ، تغییر میکنند \* این پایگاه اجتماعی کدامت ؟

بطوریکه میدانیم بخش معینی از خرد بروزواری که از لحاظ اقتصادی وسیاسی واید شولوزیک قدیم

ترین جز " نیروهای طبقاتی میانه است ، در شرایط معینی میتواند اولین پایگاه اجتماعی فاشیسم را بوجود آورد . ولی این طبقه نیز در تغییر است و تغییرات آنهم در کشورهای جداگانه بطرز کاملاً ناموزون انجام میگردد و این جریان در اشکال و حتی در خصلت جنبش های افراطی راست تأثیر بسیار اساسی میبخشد .

سرمایه انحصاری تمام نیروهای طبقاتی میانه را مورد ستم قرار میدهد و در عین حال آنها را به اشکال مختلف ، بخصوص در زمینه اقتصادی ، وابسته خود میسازد . ولی سرمایه انحصاری برای استعمار هر یک از قشرهای این نیروها ( قشرهای رومانی ، پشه روان و کسبه شهری ، صاحبان مشاغل آزاد ، محصلین و قشرهای متوسط جدید ) اشکال و شیوه های مختلفی که خود نیز در طول زمان تغییر می یابند ، بکار میرود . بدینسان پایه عینی و معنوی تمایلات و مبارزات ضد انحصاری این نیروها و طبقاتی توسعه می یابد و تحکیم می پذیرد . ولی در عین حال در هدف های مبارزه این نیروها عاعد متوافق و چه بسا انحراف وجود دارد و آنان میکوشند با سرمایه بشیوه های بورژوازی مبارزه کنند .

خرد ، بورژوازی آلمان در سالهای پس از نخستین جنگ جهانی که اکثریت آنرا قشر شهری تشکیل میداد ، قبل از دیگران سنگینی رقابت مستقیم و فشار بلاواسطه الیگارشلی مالی را احساس کرد ولی آنرا درک ننمود . سرمایه انحصاری در تولید کوچک مبارزاتی و خدمت رسوخ میکرد ، دکانداران کوچک را از عرصه بیرون میراند ( مثلاً از طریق رقابت فروشگاههای بزرگ ) و آنها را غارت نمینمود ( از طریق قیمت ها و یا هنگام معاملات اعتباری و غیره ) . از اینجاست که پیروان هیتلر یادشنام ب سرمایه " پلوتوکراتیک " و " بردگی ناشی از باخواری " و " شبکه های فروشگاههای بزرگ و حتی باشعارهای ضد سرمایه داری میکوشیدند خرد و بورژوازی و نیز گروههای از جهتکشان را که بخصوص از نظر ایدئولوژیک بخرد و بورژوازی نزدیک بودند ، بسوی خود جلب نمایند .

اکنون نه فقط اوضاع عمومی ، بلکه ترکیب نیروهای میانه نیز دگرگون شده است ( ۱ ) و این مسئله ایست که مثلاً پیروان مومسن و رئیس جمعیت دفاع از پیشه روان و کسبه فرانسه بان توجه نکرد و در نتیجه نتوانست در عرصه سیاست دوام بیاورد . اکنون تحت تاثیر انقلاب علمی و فنی در پیشرفته ترین کشورهای غرب قشرهای جدیدی در ترکیب نیروهای طبقاتی میانه جای اول را اشغال کرده و میکنند . تصادفی نیست که هیلس جامعه شناس امریکائی اثر مشهور خود را بنام " یقه سفیدان و قشرهای میانه امریکائی " ( سال ۱۹۵۱ ) با جملات پرمعنای زیرین پایان میدهد :

" اکنون در بازار سیاسی جامعه امریکا متاع تازه ای پدید آمده که قشرهای میانه جدید است و هر کس باندازه کافی موقتاً سود کافی نیرومند باشد شاید بتواند این متاع را بدست آورد . ولی تاکنون هیچکس برای اینکار کوشش جدی بعمل نیاورده است . " هیلس بسیاری از دانشمندان دیگرسر واقعیت پیدا میکند قشر مهمی نمونه انزیری مبارزه برای بدست آوردن آنرا در عرصه سیاسی خوار نشان میسازند . مبارزه طبقاتی بخاطر این قشر نیز میان بورژوازی و پرولتاریان در سالهای ۵۰ و مخصوصاً

۱ - در مقاله " متحدین طبقاتی پرولتاریا " منتشره در نشریه " مسائل بین المللی " شماره ۵ ( ۴ ) سال ۱۳۴۴ در این باره به تفصیل سخن رفته است .



در سالهای ۶۰ شدت یافته است • تغییرات عمیق در ترکیب نیروهای میانه ، سرمایه مالی را به تدریج تکتیک خود وادار میسازد • در عین حال در نتیجه این تغییرات تکرار شیوه های سابق برای نگهداشتن بخش بزرگی از قشرهای متوسط در تحت نفوذ سرمایه مالی غیر ممکن میگردد • مضمون و اتکال مبارزات طبقاتی نیروهای میانه نیز همراه با تزییر اشکال مبارزه بخاطر این نیروها تغییر مییابد • باینجهت اکنون تکرار کامل فاشیسم و نه تکرار کامل جبهه ملی عملاً غیر ممکن است •

تجارب فراوان مبارزه انقلابی زحمتکشان حاکی است که توده های غیر پرولتری و پائین پرولتری بصورت مختلف ( از جمله ایدئولوژیک ) بمواضع طبقه کارگر و درک ضرورت تحول بنیادی اجتماع و شناخت اندیشه های سوسیالیسم علمی نزدیک میشوند • ولی تاریخ وجود یک خطر عینی را نیز که در آخرین تحلیل ازدوگانگی وضع اجتماعی نیروهای میانه و خصلت خرد بهرژواشی و بهره رزواشی جهان بینی آنها ناشی میشود نشان داده که خرد دوری جستن بخش از توده های غیر پرولتریانیمه پرولترانیمه و اتحاد انقلابی و خطر تحاشه این مبارزه و حتی تبدیل آن بمبارزه ضد انقلابی است • انحصارها بکلیه انواع شیوه های افراطی راست همیشه سعی کرده اند که نیروهای میانه را از انقلاب ( پسا نزدیک شدن بان ) برحذر دارند •

تجربه برخی کشورها نشان میدهد که برای کشورهای " جهان سوم " نیز که در آن ها ارتجاع نمایند نیروهای طبقاتی دیراست در یکسلسله از موارد خطر نوعی فاشیسم و یا عناصری از آن وجود دارد چنانکه ما در سلسله از کشورهای امریکای لاتین با سازمان های فاشیستی برخورد میکنیم ، در هند حزب افراطی راست و فاشیست مسلک " راشتری سوک سنگه " و حزب وابسته بان " جان سنگه " مشغول فعالیت هستند و در شرق عربی " اخوان المسلمین " فعالیت میکنند • ولی تجزیه و تحلیل اینگونه جنبش های افراطی راست فاشیست مسلک از عهد این مقال خارج است

### انحصارات چگونه فاشیسم

### را پرورش میدهند ؟

پیدايش و تحکیم فاشیسم و " پرورشیهای " آن در کشورهای غرب از منافع سیاست بهره رزواشی انحصاری و دولت آن فکیت پذیر نبود • دارودسته های مالی ( معمولاً دارودسته های مالی جوان و درنده ترین آنها ) درید و امرا حزب و دسته های مختلف ارتجاعی کوچک را که دارای مسلک فاشیستی هستند می پروراند • سپس پایای تشدید وضع سیاسی پرورسه انتخاب سازمان عده فاشیستی انجام میگردد • اخوان امریکایی انحصارگران المانی اکنون برخی از طرف و شیوه های ایجاد و تشویق نفوذ فاشیسم را تکرار میکنند ( گروه دالس ) • جناح راست ارتجاع امریکا مبالغه عظیمی از پول خود را از ترو تمسند ترین قشرهای بالائی جامعه دریافت میدارد • طبق آمار مربوط با آغاز سالهای ۵۰ این مبالغه از مبالغه زیر دریافت شده است : " ۰۰۰ از ۷۰ صندوق خاص ( که تقریباً همه آنها از مالیات معاف هستند ) از ۱۱۳ بنکاهو شرکت یازگانه ۲۵،۰۰۰ کمپانی خدمات عمومی " و غیره • نتایج آخرین بررسیهای مبتنی بر آمار رسمی نشان میدهد که میزان کمات مالی به سازمان های راست سال بسال افزایش مییابد ، چنانکه در سال ۱۹۶۳ میزان آن ۱۷٪ بالاتر رفت • این بررسی حاکیست که سازمانهای راست از طرف تروه های معینی از صاحبان سرمایه بزرگ پشتیبانی میشوند • در این مورد بخصوص نام انحصارگراشی

مانند میلی کن ، پیو ، هافت ، کرایل ، فراطلی ، گری وزینس بیشتر خاطر نشان شده است . اکنون گردانندگان مالی امریکا مجموعاً وشبوه معمولی تشویق فاشیسم را باتغییراتی تکرار میکنند . ( ۱ ) واگذاری وسیع وسائل پولی و ( ۲ ) تبلیغ و کلام اندیشه های ارتجاعی ورجال مرتجع بااستفاده از تمامجاری دستگاه تبلیغاتی وایدئولوژیک نیرومند انحصارها . بنا بمحاسبه مولفین امریکائی تقریباً هزارسازمان دارای افکار راست در امریکا مشغول فعالیت هستند که برخی از آنها مانند " جمعیت چون بیورج " مستقیماً زیر حمایت انحصارها قرار دارند . این جمعیت در سال ۱۹۶۱ بوجود آمد . ولی در اواخر سال ۱۹۶۴ بهمت دستگاه تبلیغاتی انحصارها ۶۸٪ اهالی امریکا از وجود آن مطلع بودند . در اوایل سال ۱۹۶۶ این جمعیت دارای ۱۰۰ هزار عضو بود .

در تبلیغات افراطیون راست بخصوص به خصلت دوگانه نیروهای میانه تکیه میشود . آمیزه عجیبی از شعارهای ضد کمونیسمی وشعارهای ضد سرمایه داری کاذب بمخورد افراد عامی عقب مانده میدهد تا آنها را طبعاً دموکراتها و نیروهای ترقیخواه برانگیزند و آنها لقبولانند که مبارزه با کمونیسم بمعنای مبارزه با " سرمایه پلوتوکراتیک " است . تبلیغات فاشیستی بهمین منظور مثلاً یکنوع کیش " فرزند ساده خلق " که در مبارزه با کمونیسمتها شهید شده است ، ایجاد کرده است . ناسیونال سوسیالیستها برای این منظور هرست و میل را علم کرده بودند . تاریخ اندیشان امریکائی نیز میکوشند از چون بیورج برای این مقصود استفاده کنند .

### دولت بورژوازی کنونی

بطوریکه تجربه ایالتا و آلمان نشان داد ، دستگاه

دولتی در پرورش فاشیسم نقش بسیار مهم دارد . جنگ ورشد سریع سرمایه داری انحصاری دولتی موجب پیدایش دستگاه عظیم دولتی وسط میلیتاریسم

### ونئو فاشیسم

میگردد و از کارمندان بوروکراتیک صاحب امتیاز و نیز از واحد های افسری صنف بزرگی بوجود میآورد . نزولات شدید در دولت سرمایه داری ( از قبیل شکست نظامی آلمان ) باعث مینمود که این قشر بوروکراتیک که با انحصارها پیوند ناگسستنی دارد ، بمنافع خاص خود پی ببرد و وحدت صنفی خود را تقویت نماید . اکنون این قشر بوروکراتیک و میلیتاریستی که از لحاظ کمی و کیفی حصول پیدا کرده است ، با اتخاذ تصمیم سریع و هر نوع اعمال قهرقادر است . سازمان های ویژه " خود بخوار " این قشر نیز بوجود آمده است و این سازمانها در داخل کشورهای امپریالیستی و در خارج از آنها مشغول فعالیت هستند . ما لازمید انهم عناوین دهها و صد ها اتحادیه " سربازی " و " افسری " و حتی اسامی را در اینجا بشماریم و یا ته مانده های فاشیسم راکه پس از جنگ جهانی دوم در بسیاری از مناطق جهان لژیون های خارجی و گروههای کپیفر بوجود آورده اند ، نامبریم . همین ها هستند که حاملین شیوه های فاشیستی استعمارنوه هستند و این شیوه ها را در کشورهای افریقائی بکار میبندند . فاشیسم پیش از رسیدن بحکومت و فاشیسم پس از آن دو چیز کاملاً همانند نیستند . هنگام رسیده بحکومت رسیدن فاشیسم ، جنبش افراطی ارتجاعی با قدرت کفیری دولت انحصاری متحد میشود و از این اتحاد در وهله اول برای سرکوب هر چه شدیدتر سازمانهای کارگری و جنبش طبقه کارگر و ناپایدی فعالین

آن وسپس اختناق سایر نیروهای ترقیخواه و پامال ساختن تمام موازین اندک دموکراتیک ولو اینکه هرکس موجود آن ها باشد ، استفاد میکنند . باین ترتیب نوع جدیدی از دولت بورژوازی یعنی نوع فاشیستی آن بوجود میآید .

ولی انحصارات همیشه و در هر شرایطی موفق نمیشوند بکک شیهه افراطی راست بر روحیات و جنبش بخش قابل ملاحظه ای از نیروهای میانه ( و در وهله اول خرد بورژوازی ) برای مدتی تسلط پیدا کنند . بعبارت دیگر قشری لایه طبقات ثروتمند قادر نیست از این طریق به د و هدف بعد خود برسد . این د و هدف عبارتست از : ایجاد تفرقه در مبارزه زحمتکشان و تضعیف این مبارزه پیوسته از طریق ایجاد تصادم میان گروههای مختلف زحمتکشان ( تخفیر خصلت و شکل و شیوه دولست بورژوازی از طریق استقرار دیکتاتوری فاشیستی که خود نهضت افراطی راست نیز در آن مستحیل میگردد ) یعنی بجز "مشکله آن بدل میشود" نهضت افراطی راست تا زمانی مورد توجه الیگارشلی مالی است که بتواند وسیله ای برای رسیدن به د و هدف مذکورهایکی از آنها باشد .

این د و هدف در جریان فاشیسم سالهای پیش از جنگ معمولاً پیوستگی بیشتری با هم داشتند . اگرچه در همان زمان هم عدم تطابق آنها را در برخی کشورها میشد تشخیص داد . ولی اکنون شکاف میان این د و هدف آشکارتر شده و نیز روشنتر شده است که انحصارها برای وارد ساختن تغییرات ارتقا در دستگاه دولتی همیشه بوجود نهضت های وسیع نفو فاشیستی نیازمند نیستند . نیاز سرمایه های بزرگ به تقویت و ترموم و مرکز دستگاه دولتی و تعمیق شکاف موجود میان لای و مردم از زمین نمیرود ، بلکه افزایش می یابد . کوشش برای ارتجاعی کردن موسسات روحانی در سرمایه داری انحصاری دولتی اکنون بطور عمده از بالا انجام میگردد . تمرکز بوروکراتیک تشدید میشود و تعداد سازمانهای قهریه دولتی ( ارتش ، پلیس ، اطلاعات و غیره ) و عده اعضا این سازمانها افزایش می یابد . مثلاً فقط در آمریکا در حدود ۴ میلیون نفر در رشته نظامی بکار اشتغال دارند که بیش از ۳ میلیون نفر آنها در ارتش خدمت میکنند .

انحصارها در شرایط امروزی با اصرار تمام کوشند که حلقهات عده دستگاه دولتی را از زیر کنترل پارلمان خارج سازند و در این راه حتی به نقض آشکار قانون اساسی نیز تن در میدهند . این کار در یونان نیز انجام میگردد . در بارسلونتی و الیگارشلی مالی در یونان به پشتیبانی محافل امپریالیستی خارجی برای ادامه حاکمیت خود از قدرت دستگاه دولتی استفاد میکنند .

نیروهای نفو فاشیستی یونان به کودتای درباری ۱۵ ژوئیه سال ۱۹۶۵ امید زیاد داشتند . حالاده بنا با اعتراف همه ، دولت درباری درین بست کامل قرار گرفته است ، نفو فاشیست ها فعالیت خرابکارانه خود را از نو تشدید میکنند . فقط درد داخل کشور نیست که در باره خطر استقرار دیکتاتوری فاشیستی آشکار سخن میرود . اخیراً سولسبرگر ، نویسنده اجتماعی آمریکا نیز با استناد به مصاحبه خود با شاه یونان این خطر را اعلام نمود . محافل راست در عین حال از لزوم ایجاد " جبهه ملی " وسیع سخن میرانند ( مردم باین جبهه عنوان " جبهه سیاه " داده اند ) . هدف آنست که این جبهه را در مقابل جنبش دموکراتیک روز افزون قرار دهند و نیروهای میانه را از این جنبش جدا سازند . بنابراین شعارهای اساسی مبارزه بخارج دموکراتیزه کردن کشور که از طرف پلنوم هشتم کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان مطرح شده است ، امروز نیز بقوت خود باقیست . این شعارها

عبارتند از: " تصفیه دستگاه دولتی از عناصر فاشیستی ، انحلال گروههای تهرود رر و ستاوسازمان ارتجاعی افسران و سازمان اطلاعات یونان ، لغو تصمیمات فوق العاده و ضد دموکراتیک ، احیاء آزادیهای سندیکائی و دموکراتیک ، آزادی زندانیان سیاسی ، بازگشت مهاجرین سیاسی ، غسوه عمومی و ایجاد سیستم انتخاباتی مبتنی بر تقسیم کرسیها به تناسب آراء " .

ماهیت ضد ملی و ضد دموکراتیک دولت بورژوازی ، زکیب این دولت ، منافع خاص قشر کارمندان بوروکراتیک که تعداد آنها همیزان غنیمی افزایش یافته است و مهمتر از همه حواج انحصارها اکنون از درون یعنی در داخل خود دولت گرایشهای فاشیستی آشکار پدید میآورند . امروزه خطر صده پیدایش وسط نشو فاشیسم در یک سلسله از کشورهای غرب از همین جانشی میشود . شگفت آور نیست که کثیف ترین و بی کنترل ترین مقامات دولتی ( از قبیل سیا در امریکا ) بفعالترین مرکز تولید میکسرب نشو فاشیسم و حاملین آن بدن میگردد . از این لحاظ نازیگیهای در نقش دستگاه دولتی پدید میاید .

یکی از مظاهر کنونی طفیلی گری فوق العاده دستگاه دولتی انحصارها اینست که انحصارات نیز با اصطلاح از بالا واحد های نظامی خاص از طرز فاشیستی بوجود میآورند ( نظیر واحد های شوم احرار ) . البته اخباری که درباره انبارها مخفی اسلحه و آمادگی نظامی " واحد های سپاه " در کشورهای مختلف امریالیمستی داعیایه بیرون نشت میکند ، نشانه آنست که از جانب " سنتی " سرطان فاشیسم نیا پید غافل بود . ولی ایسمن نکته نیز نمایان در فکامل است که مولفین امریکائی کتابهایی مانند " هفت روزنامه مه " نشر میدهند که در آنها نقش اساسی تدارک کودتاهای دولتی فاشیستی بعهد اینگونه واحد های نظامی گذارد میشود .

شیوه افراطی راست  
در پایگاه امریالیمست

واقعی بودن خطر شیوه افراطی راست و ارتجاع واقعی بودن خطر شیوه افراطی در امریکا در انتخابات اخیر ریاست جمهوری بطور جدی احساس گردید . بنا بر نتیجه گیریهای فورسترو ایشتمین ، دوشن از پژوهندگان امریکائی در آغاز سالهای ۶۰ درصد و ۲۰٪ رای دهندگان امریکا تمایذ با افراطیون راست بودند و از ۲۵ تا ۳۰٪ با آگاهی کافی در برابر راستها مقاومت میکردند و از ۵۰ تا ۵۵٪ بقیه مرکز مرددی را تشکیل میدادند . در مبارزه بخاطر این مرکز مردد است که میان نیروها و حرایانات ایدئولوژیک مرزندی خاصی انجام میگردد . چنانکه پژوهندگان مذکور با وجود مخالفت بانظریاکمونیمستی کتاب خود را " خطر از راست " نامیده و خواستار مقابله با این خطر هستند . برنهم ستایشگر سابق ترسکی نظرد دیگری آنها را میدارد و میگوید که " شخص لیبرال " دشمن راهمیشه از راستمی بیند ، و حال آنکه در واقع خطر عمد ایکه جدا موجودیت ما را تهدید میکند ، از چپ ناشی میشود " . یکی از سران مشهور حزب کارگر انگلستان ضمن بررسی اینگونه نظریات بحق متذکر میشود که " میان جنگ صلیبی ضد لیبرال در آلمان سالهای ۲۰ و جنگ صلیبی ضد لیبرال در امریکای سالهای ۶۰ شباهت شومی وجود دارد " .

نیروهای راست در امریکا موفق شدند که از زمان انتخابات ریاست جمهور در سال ۱۹۶۴ از

داخل بتدریج رهبری حزب جمهوریخواه را بدست گیرند . آنها درکنگره حزب دوسان فرانسیسکو صراحتاً این مطلب را اعلام داشتند . حتی در روزنامه ای مانند " نیویورک هرالد تریبون " که کاملاً از لیبرالسم بدویراست مقاله ای تحت عنوان " پدیدایش دهماره هیتلریسم " نشر یافت . بسیاری از رجال روزوازی و مطبوعات غرب با وجود تعابیر مختلف اذعان داشتند که " گلد واترسم یکی از انواع نشوفاشیسم است " .

خطر سخنرانی ها ، بیانیه ها و نوشته های هواگیریانه و گمراه کننده و متناقض ماری گلد واتر در این بود که وی به نظریه های افراطی ارتجاع کمک نمود تا برخی از قشرهای خرد به روزوازی و متوسط را بسوی خود جلب نمایند . بطوریکه جیمس رستون مفسر " نیویورک تایمز " نوشت این قشرها که آرزوی بازگشت " ایام خوشگذشته " را داشتند حملات ساختگی به " اربابان شهرهای بزرگ و اتحادیه های بزرگ و سرمایه داران بزرگ " و مبارزات ساختگی علیه روحیه منحط و فاسد منطقه خاوری کشور و علیه " کلکتیویسم " و قدرت " پولی سواحل خاوری " را واقعی پنداشتند و شعارهای بازگشت به سادگی سلف و ابیایع مهاجرین اولیه و ساکنین شهرهای کوچک را باور کردند .

مخالف حاکمه سرمایه مالی امریکا در دوران انتخابات بازمایش جدی نیروی افراطی راست پرداختند . گروه تخریب صاحب قدرت امریکا در این مرحله از مضمون " لیبرال " کیندی روی برگرداندند و با آزمایش امکانات سازمان های افراطی راست نامزدی جانسون را که سعی داشت با کمپ پشت و رو کردن سیاست رئیس جمهور فقید ( دکترین " جامعه کبیر " ) راستگرایی خطرناک را مستور دارد ، ترجیح دادند . گلد واترسم پیروز نشد ولی خطر روزافزون افراطیون راست را نشان داد . و از این لحاظ خطریکه " ستون دوم " ارتجاع برای تمام نیروهای دمکراتیک و ترقیخواه امریکا بوجود آمده بود گام هشتم نیافت ، بلکه افزایش پذیرفت .

در امریکای کنونی بدرتثوفاشیسم در زمینه نژاد پرستی کاملاً در حال نشو و نماست ( شمنای باید متذکر شد که این نوع فاشیسم امروزه در افریقای جنوبی حکم فرماست ) .

الصوب " ستاره " روزنامه نگاران راست امریکا در ژوئیه سال ۱۹۶۶ ناچار شد اعتراف کنند که " بحران نفرت نژادی ما را تهدید میکند " . او البته کوشید تا تقصیر بیشتر را در این مورد بگردن کسانی بیندازد که در راه " امین حقوق مدنی و حقوق عادی انسانی برای سیاهپوستان مبارزه میکنند . ولی حوادثی که یکماه بعد ( در ماه اوت ) رخ داد ظل واقعی بحران " نفرت نژادی " را آشکار ساخت . این حوادث این بار در جنوب و در غرب " محافظهکار " کشور روی نداد ، بلکه در شمال صنعتی روی داد که دارای " لیبرالسم " سنتی است و ۱۲ میلیون سیاه پوست از علاجوی آنجا مهاجرت کرده اند . زحمتکشان سیاهپوست در معرض شدیدترین استثمارها در موسسات انحصاری هستند و از بیکاری و تهیض اجتماعی رنج میبرند و در اقامتگاههای اجباری بنام گتو که از لحاظ فقدان شرایط بهداشت و گرانی کرایه و مخروبه بودن بنا مشهور است بسر میبرند .

در اوت سال جاری در بخشهای از شهر شیکاگو که در آنها سفیدپوستان سکنی دارند ، دموکراتها سیاهپوستان برپا شد . سیاهپوستان خواستار پایان دادن به تبعیض در محل سکونت ، امحاء " مرز اقامت " و اجازه سکونت آزاد در تمام بخشهای شهر بودند . ارتجاع راست در پاسخ این تقاضا ها ضمن ترساندن ساکنین سفید پوست از " خطر " حکومت سیاهان بهیچوجه شدیدی علیه

سیاهپوستان برخاسته بخشى از ساکنین سفید پوست مخصوص جوانان تحت تاثیر تبلیغات ارتجاعی به سیاهپوستان تاختند و مبارزه متقابل پرداختند . شعارهاى حاکی از ضرورت " انقلاب سفید پوستان " و " استقرار حکومت سفید پوستان " اعلام شد . صلیب شکسته بعنوان علامت این انقلاب انتخاب شد . با اعتراف مطبوعات بورژوازی امریکا پس از سالهای مدید این اولین بار بود که تعداد کم و بیش قلیل ملاحظه ای از امریکائیان متعلق به قشر های متوسط آشکارا از نظریات نژاد پرستان نازی پشتیبانی کردند .

حزب نازی امریکا در شیکاگو فعالیت شدید پرداخته است . روکوئل ، پیشوای این حزب برای عوامفریبی و ایجاد نفرت حیوانی از شیوه های کاملاً فاشیستی تقلید میکند . او مدعی بود که گویا نژاد مندان سیاهپوستان را دوست دارند ، زیرا مجبور نیستند در کنار آنها زندگی کنند . سپس ادعا میگرد که گویا خود سیاهپوستان مسئول بدبختی های خود هستند زیرا این " زاغه ها نیستند که سیه چرده میسازند ، بلکه سیه چرده گانند که زاغه میسازند " . تمام این ادعاها به امیزه ای از ضد پیهود و ضد کمونیسم پایان مییابد . " پول لازم برای اختلاط نژادها از طرف پیهودی ها پرداخت میشود . . . . کمونیستها طرفدار اختلاط نژادها هستند " . " پیشوایان " عالیقدر میکوشند از این فرصت برای گسترش و تمرکز نیروهای عده خود استفاده نمایند . مثلاً در اواخر سال ۱۹۶۶ تحت رهبری گلد واتر برای وحدت عمل چهار سازمان عده افراطی توافق بعمل آمد .

کمونیست های امریکا در طرح برنامه جدید حزب خود ، ضمن تجزیه و تحلیل وضع موجود کشور باین نتیجه اضطراب آور رسیده اند که دموکراسی دچار بحران است و تشدید فعالیت نیروهای افراطی راسته برای استقرار " فاشیسم طراز امریکائی " میکوشند ، نفوذ از این بحران است .

### بخاطر جنبه وسیع همه نیروهای

### ترقی علیه انحصارها

سازمان های سیاسی طبقه کارگر و در وهله اول احزاب کمونیست بد و برای متحد ساختن سیادت و و خود سری الیگارشى مالی و سپس محور آن خواهان ایجاد وسیعترین اتحاد تمام نیروهای دموکراتیک و همین پرست

کشور هستند .

در اعلامیه طبعه مشاوره نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری در سال ۱۹۶۰ گفته میشود :

" طبقه کارگر ، دهقانان ، روشنفکران ، بورژوازی کوچک و متوسط شهری در امر برانداختن سیادت انحصارها نفع حیاتی دارند . شرایط مساعد برای اتحاد کلیه این نیروها پدید میآید . کمونیستها برآنند که چنین اتحادی بر پایه مبارزه دیراه صلح ، استقلال طبقه ، دفاع وسط دموکراسی ، ملی کردن مهمترین رشته های اقتصاد و دموکراتیزه کردن شیوه اداره آنها ، استفاده از همه اقتصاد برای مقاصد مسالمت آمیز برای ارضای نیازمندیهای اهالی ، اجرای اصلاحات ارضی قاطع ، بهبود شرایط معیشت زحمتکشان ، دفاع از منافع دهقانان و منافع بورژوازی کوچک و متوسط شهرها در قبال خود سری انحصارها کاملاً قابل اجرامت " .

کمونیست ها نه فقط خصم متغیر متحدین طبقه اتی پرولتاریا را با جدیت و وقت کامل بررسی میکنند ، بلکه ماهیت این تغییرات را نیز در زمینه های اقتصادی ، اجتماعی واید ژئولوژیک مورد تجزیه

داخل بتدریج رهبری حزب جمهوریخواه را بدست گیرند . آنها درکنگره حزب دوسان فرانسیسمو صراحتاً این مطلب را اعلام داشتند . حتی در روزنامه ای مانند " نیویورک هرالد تریبون " که کاملاً از لیبرالیسم بدور است مقاله ای تحت عنوان " پدیدآید هماره هیتلریسم " نشر یافت . بسیاری از رجال بورژوازی و مطبوعات غرب با وجود تعابیر مختلف اذعان داشتند که " گلد واترسم یکی از انواع نئوفاشیسم است " .

خطر سخنرانی ها ، بیانیه ها و نوشته های عوامفریبانه و گمراه کننده و متناقض‌بازی گلد واتر در این بود که وی یمنیروهای افراطی ارتجاع کمک نمود تا برخی از قشرهای خرده بورژوازی و متوسط را بسوی خود جلب نمایند . بطوریکه جیمز رستون مفسر " نیویورک تایمز " نوشت این قشرها که کارزوی بازگشت " ایام خورگذشته " را داشتند حملات ساختگی به " اربابان شهرهای بزرگ و اتحادیه های بزرگ و سرمایه داران بزرگ " و مبارزات ساختگی علیه روحیه منحط و فاسد منطقه خاوری کشور و علیه " کلکتیویسم " و قدرت " پولی سواحل خاوری " را واقعی پنداشتند و شعارهای بازگشت به سادگی سلف و تأیید مهاجرین اولیه و ساکنین شهرهای کوچک را باور کردند .

محافل حاکمه سرمایه‌داری آمریکا در دوران انتخابات بازمایش جدی نیروی افراطی راست پرده‌آخند . گروه تخریب صاحب قدرت آمریکا در این مرحله از مضمی " لیبرال " کندی روی برگرداندند . اما آزمایش امکانات سازمان های افراطی راست نامزدی جانسون راکه سعی داشت با کمپ پشت و روکردن سیاست رئیس جمهور فقید ( دکترین " جامعه کبیر " ) راستگرایی خدثناک را مستور دارد ، ترجیح دادند . گلد واترسم پیروز نشد ولی خطر روزافزون افراطیون راست را نشان داد . و از این لحاظ خطریکه " ستون دوم " ارتجاع برای تمام نیروهای دمکراتیک و ترقیخواه آمریکا بوجود آورده بود گاه هشترنیافت ، بلکه افزایش پذیرفت .

در امریکای کنونی بذرتئوفاشیسم در زمینه نژاد پرستی کاملاً در حال نشو و نماست ( ضمناً باید متذکر شد که این نوع فاشیسم امروز در آفریقای جنوبی حکم فرماست ) .

الصوب " ستاره " روزنامه نگاران راست آمریکا در ژوئیه سال ۱۹۶۶ ناچار شد اعتراف کنند که " بحران نفرت نژادی ما را تهدید میکند " . او البته کوشید تا: تقصیر بیشتر را در این مورد بگردن کسانی بیندازد که در راه " امین حقوق مدنی و حقوق عادی انسانی برای سیاهپوستان مبارزه میکنند " ولی حوادثی که یکماه بعد ( در ماه اوت ) رخ داد غل و واقعی بحران " نفرت نژادی " را آشکار ساخت . این حوادث این بار در جنوب و در غرب " محافظهکار " کشور روی نداد ، بلکه در شمال صنعتی روی داد که دارای " لیبرالیسم " سنتی است و ۱۲ میلیون سیاه پوست از لاعلاجی بانجس مهاجرت کرده اند . زحمتکشان سیاهپوست در معرض شدیدترین استعمارها در موسسات انحصاری هستند و از بیکاری و تبعیض اجتماعی رنج میبرند و در اقامتگاههای اجباری بنام گمبوکه از لحاظ فقدان شرایط بهداشت و گرانی کرایه و مخروبه بودن بنا مشهور است بسر میبرند .

در اوت سال جاری در بخشهای از شهر شیکاگو که در آنها سفیدپوستان سکنی دارند ، دموسترا سیاهپوستان برپا شد . سیاهپوستان خواستار پایان دادن به تبعیض در محل سکونت ، امحسا " مرز اقامت " و اجازه سکونت آزاد در تمام بخشهای شهر بودند . ارتجاع راست در پاسخ این تقاضا ها ضمن ترساندن ساکنین سفید پوست از " خطر " حکومت سیاهان بمبارزه شدید علیه

سیاهپوستان برخاست . بخشی از ساکنین سفید پوست مخصوص جوانان تحت تاثیر تبلیغات ارتجاعی به سیاهپوستان تاختند و مبارزه متقابل پرداختند . شعارهایی حاکی از ضرورت " انقلاب سفید پوستان " و " استقرار حکومت سفید پوستان " اعلام شد . صلیب شکسته بعنوان علامت این انقلاب انتخاب شد . با اعتراف مطبوعات بورژوازی امریکا " پس از سالهای مدید این اولین بار بود که تعدد ادکم و پیش قلیل ملاحظه ای از امریکائیان متعلق به قشر های متوسط آشکارا از نظریات نژاد پرستان نازی پشتیبانی کردند . "

حزب نازی امریکا در شیکاگو فعالیت شدید پرداخته است . روکوئل ، پیشوای این حزب برای عوامفریبی و ایجاد نفرت حیوانی از شیوه های کاملاً فاشیستی تقلید میکنند . او مدعی بود که " گویا ثروت مند ان سیاهپوستان را دوست دارند ، زیرا مجبور نیستند در کنار آنها زندگی کنند " سپس ادعا میکرد که گویا خود سیاهپوستان مسئول بدبختی های خود هستند زیرا این " زاغه ها نیستند که سیه چرده میسازند ، بلکه سیه چرده گانند که زاغه میسازند " . تمام این ادعاها به آمیزه ای از ضد یهود و ضد کمونیسم پایان مییابد . " پول لازم برای اختلاط نژادها از طرف یهودی ها پرداخته میشود . . . . کمونیستها طرفدار اختلاط نژادها هستند " . " پیشوایان " عالیقدر میکوشند از این فرصت برای گسترش و تمرکز نیروهای عمده خود استفاده نمایند . مثلا در اوت سال ۱۹۶۶ تحت رهبری گلسد واتر برای وحدت عمل چهار سازمان عده افراطی توافق بعمل آمد .

کمونیست های امریکا در طرح برنامه جدید حزب خود ، ضمن تجزیه و تحلیل وضع موجود کشور باین نتیجه اضطراب آور رسیده اند که " مکراسی دچار بحران است و تشدید فعالیت نیروهای افراطی راسته برای استقرار " فاشیسم طراز امریکائی " میکوشند ، نمودار این بحران است .

### بخاطر جنبه وسیع همه نیروهای

### مرفی طیه انحصارها

سازمان های سیاسی طبقه کارگر و در وهله اول احزاب کمونیست بد و برای متحد و ساختن سیادت و خود سری الیگارشی مالی و سپس محور آن خواهان ایجاد وسیعترین اتحاد تمام نیروهای دموکراتیک و میهن پرست

کشور هستند .

در اعلامیه طعمه شماره نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری در سال ۱۹۶۰ گفته میشود :  
 " طبقه کارگر ، دهقانان ، روشنفکران ، بورژوازی کوچک و متوسط شهری در امر برانداختن سیادت انحصارها نفع حیاتی دارند . شرایط مساعد برای اتحاد کلیه این نیروها پدید میآیند . کمونیستها برآنند که چنین اتحادی بر پایه مبارزه دیراه صلح ، استقلال ملی ، دفاع وسط دموکراسی ، ملی کردن مهمترین رشته های اقتصاد و دموکراتیزه کردن شیوه اداره آنها ، استفاده از همه اقتصاد برای مقاصد مسالمت آمیز برای ارضای نیازمندیهای اهالی ، اجرای اصلاحات ارضی قاطع ، بهبود شرایط معیشت زحمتکشان ، دفاع از منافع دهقانان و منافع بورژوازی کوچک و متوسط شهرها در مقابل خود سری انحصارها کاملاً قابل اجراست . "

کمونیست ها نه فقط خصمیت متخیر متحدین طبقاتی پرولتاریا را با جدیت و دقت کامل بررسی میکنند ، بلکه ماهیت این تغییرات را نیز در زمینه های اقتصادی ، اجتماعی واید ژئولوژیک مورد تجزیه



و تحلیل قرار میدهند و نتیجه گیری های لازم از آن بعمل میآوردند .

اکثریت مطلق احزاب کمونیست غرب بمسئله اقتصادی و سازمان های اقتصادی که در حکم گروه گاههای مشخص و بسیار مهمی در مبارزه مشترک قشرهای مختلف اهالی بخاطر محدود ساختن انحصار ها و وسط دموکراسی هستند توجه بسیار مبذول میدارند . دفاع از آزادیها و موسسات دموکراتیک وسط آنها در مبارزه مشترک قشرهای عدّه زحمتکشان و احزاب آنها اهمیت هر چه بیشتری کسب میکند . در اعلامیه جلسمشاوره نمایندگان احزاب کمونیست اروپای غربی در ماهه سال ۱۹۶۶ خاطر نشان شده است که بسط مبارزات اجتماعی و سیاسی \* امکانات مساعدی برای گسترش جنبش و وسیع توده ای مبتنی بر اتحاد طبقه کارگر با سایر نیروهای ضد انحصاری بوجود میآورد . جلسه مشاوره برآنست که بمنظور انجام اصلاحات ضروری برای محدود ساختن تسلط سیاسی و اقتصادی انحصارها ، دموکراتیز کردن واقعی حیات اجتماعی و هموار ساختن راه برای سوسیالیسم ، میتوان دامنه ایمن اتحاد را باز هم وسیعتر کرد . \*

تجارب تلخ نیمه اول قرن بیستم ، اهمیت حیاتی دموکراسی و راه حلهای دموکراتیک مهمترین مسائل اجتماعی را به توده اسامی قشرهای میانه اکثر کشورهای رشد یافته سرمایه داری نشان داد . امکانات ترقی بالقوه این قشرها نه فقط بمیزان قابل ملاحظه ای افزایش یافته است ، بلکه در برخی از کشورهای بصورت کاملتر آشکارتری بمنصه ظهور در میآیند و این امر بمیزان زیاد معلول ارتباط روز افزون این قشرها با پرولتاریا و مبارزات مشترکی است که آنها همراه پرولتاریا انجام میدهند . ولی این تصور که شیوه افراطی راست ( بهر حامه ای که درآید ) در بعضی از کشورهای غربی دیگر نمیتواند دستاورد های پرولتاریا و تمام زحمتکشان و آیند ملت را در معرض مخاطره قرار دهد تصور غلط و خطرناکی است . نباید خاطر آسوده داشت و پنداشت که \* دیگر چنین چیزی امکان نخواهد داشت \* . فقط مبارزه مشترک و اتحاد تمام طبقات و قشرهای زحمتکش است که میتواند بهترین ضامن داخلی را برای برهم زدن تمام نقشه های احیا \* نشو و فاشیسم و دفع خطر حثک ناشی از بورژوازی انحصاری بوجود آورد . \*



# برخی خصوصیات ترکیب طبقاتی در کشورهای آسیای جنوبی و جنوب شرقی

و. لوکین

حوادث سالهای اخیر در منطقه پهنارو زیر جمعیتی که معمولاً آنرا آسیای جنوبی و جنوب شرقی مینامند این منطقه را یکی از گرگانه‌های سیاست جهانی بدن ساخته است. مبارزات انقلابی و شورشهای ضد انقلابی، تصادمات عمیق اجتماعی - سیاسی داخلی و مداخلات گستاخانه آشکار امپریالیسم نشان میدهند که کشورهای آسیای جنوبی مرحله قادهای از تکامل خود را میگذرانند. اکثریت کشورهای این منطقه دوران ۲۰ ساله استقلال ملی را پشت سر دارند و طی این سالها موفق شده اند موقعیت خود را در عرصه بین المللی بعنوان کشورهای که از استقلال سیاسی برخوردارند و در راه آزادی اقتصادی خویش مبارز میکنند و دینسان علیه منافع اساسی دول امپریالیستی گام برمیدارند - تثبیت نمایند. طی این دوران طبقات وشرها و گروههای سیاسی تجارب قابل ملاحظه ای در زمینه مبارزه اندوخته اند که با تجارب سابق آنها در دوران استعمار فرقی اصولی دارد. از این گذشته در آرایش قوای طبقاتی و سیاسی درون هر یک از کشورهای آسیای جنوبی نیز تغییرات مهم رخ داده است. نسل جدیدی بصحنه اریخ میآید که وارث انقلاب آزاد پیختر ملی است. این واقعیت که امپریالیسم امریکا بویژه در این منطقه به حثک تمپهکارانه دست زده است و میکوشد اراده خود را به خلق قهرمان و پشنام تحمیل کند اهمیت روز افزون آسیای جنوبی و جنوب شرقی را در عرصه حوادث جهانی بنحو آری نشان میدهد و پژوهنر عمیق جوانب گوناگون واقعیت بسیار بزرگ آسیا را که از بسیاری جهات در نقاط دیگر جهان نظیر آن دید نمیشود - بین از پیش ضرور میآورد. یکی از مهمترین مسائل بررسی ترکیب طبقاتی کشورهای آسیای جنوبی و به بیان دیگر بررسی آن زمینه اجتماعی است. شددیدترین تیفانهای سیاسی ۲۰ ساز اخیر در آنجا گسترش می یابد ( و میزان زیادی این تیفانها را پدید میآورد ) .

۱

اکثریت کشورهای آسیای جنوبی و جنوب شرقی در آستانه احراز استقلال سیاسی حوامع فلاحتی - فئودالی بودند و این حوامع مرحله تلاشی خود را میگذرانند. اکثریت قاطع اهالی این منطقه ( بین ۷۰٪ ) دهقانانی هستند که فعالیت اقتصادی آنها یا بصورت خرد کالائی انجام میگردد

و با بصورت طبیعی ( یعنی حاصل کار آنها توسط خود آنها مصرف میشود و مصروفت کالای بازار نمیرود ) بازمانده های مناسبات تولیدی ماقبل سرمایه داری در اکثریت این کشورها تا امروز مانع بزرگی است که جلوی رشدهای آنها را بگیرد .

اطلاعات آماری و گواهی اقتصاددانان مشهور مبد آنستکه بخش بزرگی از زمینهای مزروع کشور های این منطقه بوسیله اجاره داران خرده پا کشت میشود .

تمرکز مفاد پرهنگفتی از زمینهای زراعی در دستملاکان وضع فاکتوری را برای میلیونها دهقان بوجود آورده و موجب کمزینی بی زمینی آنها شده است . کمبود اولانی زمین که سالیان متمادی با اهنگ بسیار کند رشد صنعت همراه بود موجب شده بود که دهقانان بی زمین هیچ امیدی به پیدا کردن کار در خارج از ده نداشته باشند . این جریان هم بنوع خود موجب " تجدید تولید وسیع " انبوه دهقانان " زائد " میگردد و میزانی عظیم اضافه جمعیت نسبی بوجود آورده اکنون بسه مشکل بسیار جدی بدل شده و راه حل اساسی نیازمند است .

سیستم خرد مالکی جلوی رشد اقتصاد مدرن و تجهیز آن به تکنیک را میگیرد و رکود و فقدان کارائی اقتصادی آنرا حفظ میکند .

پرولتاریای روستا آن بخشی از زحمتکشان روستا است که بیتر از تمام بخشهای دیگر دهقانان استثمار میشود . این پرولتاریا آنها به افراد بکلی فاقد زمین محدود نیست . عده زیادی از کارگران کشاورزی صاحب قطعه زمین بسیار کوچکی هستند که حتی کفاف حداقل معاش را نمیدهد . باینجهت آنها مجبورند در املاک بزرگ کار موسمی برای خود جستجو کنند .

ولی بر عده ترین کشور روستایان آسیای جنوبی و جنوب شرقی ( به اوسط ۶۰ - ۷۰ درصد آنها ) دهقانان صاحب قطعه زمینهای کوچک و دهقانان اجاره دار کم و بیتر صاحب نسق هستند . شرایط زندگی اکثریت آنها با گذران فقیرانه پرولتاریای روستا فرق زیاد ندارد . فقر مطلق و عدم اطمینان بفرز او تنگی افق دید که از لذت دیرین و عدم امکان کسب سواد و وسواد ابتدائی ناشی میشود و از خصایص سنتی دهقانان آسیای جنوبی است در طول ۲۰ سال گذشته تغییر اساسی نیافته است . وجود بازمانده های عدید و عادات کمون و صنفی ( کاست ) که در مناطق روستائی دور افتاده چنان سختی خاصی از خود نشان میدهد پیچیدگی وضع را بیشتر میکند .

ولی با وجود بازمانده های عدید و مناسبات ماقبل سرمایه داری پروسه تجزیه طبقاتی جدید بتدریج در ده آسیای جنوبی آغاز میگردد . این پروسه در هند وستان روشن ترین اشکال را بخود گرفته است .

ولی رویه پرفته هم در هند وستان و هم در اکثریت مناطق آسیای جنوب شرقی تجزیه و تحریدی در ده هنوز یکی از مراحل اولیه خود را میگذرانند . میان اقتصاد های دهقانی کوچک مزرگستر از نظر مجهز نمودن بوسائل فنی و درجه اسفاده از نیروی کار روز مزد و شاخص های دیگر علی القاعده تفاوت زیاد وجود ندارد . حتی در هند وستان سرمایه داری زراعی هنوز در مجموع خود به مرحله ای نرسیده است که بتواند وضع قدیمی کشاورزی را در مقیاس وسیع دگرگون سازد . تفاوت میان دهقانان فقیر و دهقانانی که توفیق بیشتری پیدا کرده اند عجاظاً فقط شامل تفاوت در مساحت قطعه زمین ها و متناسب با آن سطح بیشتر یا کمتر قابل قبول مصرف محصولات مورد ضرورت حیاتی است .

در طول ۱۰ - ۱۵ سال اخیر در ترکیب اجتماعی ده آسیای جنوبی تغییرات مهمی روی داده که بطور عمده از اصلاحات ارضی که در اکثریت کشورهای این منطقه انجام گرفته است ناشی میشود. با وجود تنوع قوانین ارضی و اختلاف آهنگ سرعت اجرای بخشهای مختلف آنها این قوانین از نظر تأثیر خود در چگونگی تکامل اجتماعی ده و سراسر جامعه و جبهه مشترک بسیار دلرند.

این اصلاحات بویژه قدرت اقتصادی ( و نفوذ سیاسی ) قدیمی ترین عناصر ممتاز و طفیلی طبقه ملاکان را کاهش داده است. وضع اقتصادی و حقوقی برخی از قشرهای دهقانان صاحب زمین در حدود معینی بهبود یافته است. ولی مشکل اساسی دهقانان یعنی مشکل زمین در اکثریت کشورهای مورد بحث ( با استثنای برمه که در زمینه اصلاحات ارضی تجربه جالب و خاصی بدست آورده است ) حل نشده و اگر هم حل شده بسمت دهقانان نپوده است. وضع توده عظیم دهقانان بی زمین و کم زمین عملاً تغییر نکرده است ( و اگر افزایش سریع جمعیت این کشورها در نظر گرفته شود در جهت منفی تغییر کرده است ) .

آزادی دهقانان آسیائی از ستم صد هاساله و شرکت آگاهانه آنها در حیات اجتماعی کشورهای خود در دوران نبردهای نهائی قاطع علیه استعمارگران آغاز شد. در نظر این دهقانان استقلال واقعی و آزادی نهائی از قید ستم فئودالی و از قید فقر روی زمینی در ماهیت خود مفهوم یکسانی دارند.

با اینجهت دهقانان مبارزه برای بدست آوردن زمین را ادامه مستقیم انقلاب ملی میدانند. در عین حال پیرویه بالنسبه ضعیف تجزیه طبقاتی و فقدان امکان واقعی برای اینکه توده دهقان بتواند از طریق بهره برداری انفرادی بشیوه سرمایه داری بوضع خود سروسامان بدهد آنها را مجبور میکند برای نجات از فقر و فاقه راه دیگری در پیش گیرند. پاشیوه های سنتی و انفرادی بمخالفت برخیزند ( مهمترین عاقلی که موجب پیدایش این تمایل میگردد آنستکه حتی مرفهترین دهقانان اندوخته بسیار ناچیزی دارند و برای اینکه حدود و زراعت خود را از چارچوب کاملاً معین و سببتر کنند با مشکلات فراوان روبرو هستند ) . وجود این وضع یکی از علل است که همان روحیه اجتماعی دهقانان آسیای جنوبی از یکسوی نظریات و عادات و غرائز و انگیزه های خرده بهره رزازی " کلاسیک " از سوی دیگر تمایز ماهوی بوجود آورده است. در ضمیر و گمانه " دهقان تهیدست آسیای جنوبی و جنوب شرقی عنصر مالکیت نه فقط در برابر عنصر رنجبری بشدت عقب می نشیند بلکه بحکم عوامل عدیده اجتماعی - اقتصادی تاریخی و دمکراتیک امکان بسیارضعیفی دارد برای آنکه در آینده قوت بگیرد. توجه باین خصوصیت هنگام بررسی ویژگیهای اشکال مختلف سوسیالیسم تخیلی دهقانی آسیای در قیاس با سوسیالیسم سنتی خرده بهره رزازی اهمیت بسیار دارد.

در ضمیر دهقانان آسیای جنوبی اندیشه های مترقی و ارتجاعی بطرز عجیبی با هم آمیخته است. مثلاً اگر عوامل عدیده اجتماعی - اقتصادی موجب میشود که این دهقانان پیش از برادران هم طبقه خود در اروپای غربی به کلکتیویسم قطعی تمایل داشته باشند در عوض منفی ترین جنبه های ایدئولوژی مذهبی و سازمانده های عرف و عادات منفی و کمون در ضمیر او جان سختی خاصی دارند و بموجب می شوند که پندارهای ساده لوحانه درباره برابری " جاودان " و برادری و عدالت با افاق تنگها خود خواهی گروهی بطور غیرعادی با هم در آمیزند و این کیفیت جلوی رشد خود آگاهی طبقاتی را میگیرد و خطر جدی بوجود میآورد که قشرهای ممتاز از برخی از جنبه های منفی روحیات دهقانی بسمت مقاصد آزمندانانه خسود استفاده کنند.

البته در صورت وجود جنبش کارگری وسیع متحد و متشکلی که بتواند دهقانان را از نظر سیاسی رهبری کند و تاثیر ایدئولوژیک جدی در آنها داشته باشد خطر اینکه مرتجعین با انواع سیاست بازان ماجرا - جوی بی پرسنپ بتوانند از "سوسیالیسم دهقانی" سو استفاده کنند بمراتب کمتر میشود .

## ۲

طبقه کارگر آسیای جنوبی و جنوب شرقی زمان بالنسبه کوتاهی است که بصحنه تاریخ آمده است . ورود آنها بصحنه تاریخ از هنگامی آغاز شده که نیاز معینی اقتصاد استعماری ، امپریالیستهای خارجی را وادار ساخت به کار استخراج برخی از معدنیات واحداث یکسلسله از رشته های صنایع سبک و نيز زیرسازی ( انفراساختور ) مدرن در برخی از رشته ها که ناگزیر با این جریان همراهت بهبود ازند . طبقه کارگر مستعمرات را امپریالیستها معمولاً نیروی فرعی تلقی میکردند و آنرا فقط برای مدرنیزه کردن اشکال غارت اقتصادی لازم میدانستند . باینجهت ترکیب ( استرکچر ) پرولتاریای صنعتی آسیای جنوبی شکل یکنواختی خود گرفت . آشکارترین خصیصه عمومی این پرولتاریا تعلق آن بمتولیک است که بیشتر به استخراج و حمل و نقل مواد خام و نيز به برخی از رشته های صنایع سبک و اغذیه سازی مربوط است . فقط در همین اواخر است که واحدهای جدید پرولتاریای صنعتی افزایش محسوس یافته است .

از خصوصیات عمومی طبقه کارگر صنعتی کشورهای مورد بحث اینست که در هر يك از این کشورها طبقه کارگر در چند منطقه معین متمرکز است . کانون های تمرکز پرولتاریای صنعتی حکم جزائری را در اقیانوس بیکران دهقانی دارند . جنبش کارگری از نظر جغرافیائی به نقاط معینی محدود میشود و این امر برقراری تماس های نزدیک با توده های ساکن مناطق دور افتاده را بسیار دشوار میسازد . طبقه کارگر آسیای جنوبی از لحاظ ملی ناهمگون است . بطوریکه میدانیم در هند وستان واندونز و دهها زبان و لهجه وجود دارد . در گذشته این وضع چند ان محسوس نبود زیرا اقوام و قبائل متعدد بصورت گروههای مجزا از یکدیگر زندگی میکردند . ولی تکامل مناسبات سرمایه داری کار را به متردن آهسته ولی پیوسته مرز بندی های قدیمی صنفی و کمونی منجر ساخت . پیرو سهای اجتماعی معین ، توده های متعلق بقبائل مختلف و متکلم بزبانهای گوناگون را در تلاش معاشی شهری و روستا - ساخت . در مزارع و معادن و کارخانه ها افرادی از ملیت های بکلی مختلف و پیرو آداب و رسوم و مذاهب گوناگون پدید آمدند .

یکی از مهمترین خصوصیات پرولتاریای صنعتی آسیای جنوبی و جنوب شرقی پیوند محکم اقتصادی اجتماعی وروانی آن با توده است . این پیوند که در آغاز پیدایش طبقه کارگر بوجود آمده تا امروز باقیمت زیرا کارگر دستمزدی دریافت میدارد که حسب القاعده بمراتب کمتر از میزان حداقل هزینه زندگی است و باینجهت نمیتواند خانواده خود را در شهر نگاهداری و مجبور است امر ا در ده باقی بگذارد ( بویژه که در ده معمولاً قطعه زمین کوچکی هم دارد که گرچه عواید آن ناچیز است ولی اهمیت آن برای بودجه خانوادگی اش بسیار است ) . در نتیجه این امر بسیاری از پرولتاریای نسل دوم و حتی نسل سوم نیز ارتباط نزدیک خود را با توده و از طریق آن با تمام کمون و صنف اجتماعی خود ( کاست ) حفظ میکنند .

از سوی دیگر صنعتی کردن موجب افزایش قابل ملاحظه عده افراد طبقه کارگر میگردد و این افزایش از طریق دهقانانی که از ده خارج میشوند انجام میگردد. ولی این جریان که بیشک جنبه مرفعی دارد و از نظر گاه وسیع تاریخی ناگزیر و مطالبهست در ترکیب پرولتاریای صنعتی معاصر تاثیر مستقیم ویژه خود را اصال مینماید. هسته قدیمی آن یعنی بافندگان بومی و کلکده، نفتگران نیاجوان و سایر پندری کولومبو و سنگاپور که بداشتن آگاهی و شکل و فعالیت سیاسی مجدانه مشهورند و دارای شعائر انقلابی پرافتخارند موقتا گوئی در خیل عظیم پرولتراهای نمد اول یعنی پرولتراهائی که تازه بشهر آمده و وار سنگین جهل و خرافات صنفی و ملی و محلی و پندارهائی مذهبی و عدم تشکل ذاتی محیط اجتماعی گسترش یافته خود را یا خود همراه میآورند - مستحیل شده اند.

بنابراین جوان بودن نسبی، رابطه با ده، سیال بودن سطح نازل کارآزمودگی و ضعف تشکل، برخی از ویژه گیهای هسته صنعتی طبقه کارگر آسیای جنوبی است. ولی عاملی که اهمیت کثرتی ندارد کم بودن نسبت همین هسته در میان آن قسمت از اهالی شهر نیست که از لحاظ مادی و اجتماعی وضعی شبیه یا نزدیک به پرولتاریا دارند.

کارگران صنعتی رومهرفته ۳ تا ۶ درصد کل اهالی منطقه مورد بررسی را تشکیل میدهند. این نسبت در قیاس با عده عظیم انواع قشرهای تهیدست شهری که نیروی اجتماعی ویژه و بسیار مهم شهرهای آسیای را تشکیل میدهند فوق العاده اندک است.

بخش اساسی نیمه پرولتراهای شهری زحمتکشان کارگاههای دستی کوچک و پیشه وران هستند. در اکثریت کشورهای مورد بررسی این گروه اجتماعی از لحاظ تعداد پرکارگران صنعتی تفوق آشکار دارند.

دومین گروه قابل ملاحظه نیمه پرولتراهای پسران شهری و کارگران روزمزد و کلیه افرادی هستند که بعلت بیکاری مزمن مجبورند با درآمدهای تصادفی گذران کنند. این گروه تهیدستان شهری که در تمام کشورهای کم رشد وجود دارند دارای وضعی هستند که هیچگونه آمار کم و بیش دقیق نمیتوان از آنها تهیه کرد. ولی عده آنها بدون تردید به دهها میلیون نفر بالغ میگردد. وضع مادی این افراد نزدیک بوضع زندگی کارگران صنعتی بی تخصص و نگاه از وضع آنها هم بدتر است ولی از نظر سرخرافی اجتماعی (عدم تشکل، رادیکالیسم غیر آگاهانه و خودپسندی همراه با فقدان معیارهای استواراید طولوزیک و تغییر پذیری سریع روحیات و حب صغرض) به خود نیمه پرولتراهای پسران خیلسی نزدیکترند.

گروه سوم که ظاهرا باید آنرا در زمره نیمه پرولتراهای مزد بگیران موسسات بازرگانی و خدمات و نیز قشرهای پائینی کارمندان دولت و غیره هستند.

در دوران پس از احراز استقلال سیاسی اگرچه در داخل عده های زحمتکش شهر آسیای جنوبی تغییرات اجتماعی مشهود روی داده است ولی تناسب میان هسته صنعتی طبقه کارگر و محیط "مقابل سرمایه داری" آن (تناسبی که دارای اهمیت اصولی فوق العاده ایست) بلا تغییر مانده است. البته عده پرولتاریای صنعتی افزایش فوق العاده یافته (مثلا در هندوستان از ۶ - ۷ میلیون به ۸ - ۹ میلیون نفر رسیده است) ولی این افزایش یحده نبوده است که در مجموع ترکیب جامعه تغییر اساسی بوجود آورد.

از سوی دیگر تدبیراتی که در دهه روی داده موجب شده است که تولید روستا نشین بسرعت بسوی شهر  
سرازیر شود \* در نتیجه این امر سرعت مرکز نفوس در شهرهای بزرگ این کشورها بمراتب بیشتر از  
سرعت صنعتی کردن آنها بوده است \* این جریان در عمل موجب شده است که عده \* پرولتراها  
یا القوه \* سرها روفازایش برود \* اینها کسانی هستند که تملک وسائل تولید را از دست داده اند  
ولی هنوز در عرصه تولید مادی معاصر کاری بدست نیارده اند و لاجرم برای امر معاشره اشکال صنعتی  
پیشگیری و یا بانواع خدمات متوسل میشوند \*

وزگی اجتماعی پرولتاریای آسیای جنوبي و کم بودن نسبت آن در توده مردمی که بیشتر روستائی  
هستند بظاهر عین امکاناتی بوجود میآورد که صاحبان روحیات و نظریات دهقانی میتوانند بمقیاس  
وسیع در صفوف پرولتاریا رسوخ نمایند \*

پرولتراها کشورهای متمدن نیز مانند دهقانان آنجا روحیه انتقابی دارند و عوامان تقوییر  
سریع صنیادی شرایط زندگی خوبند و این تعجبی هم ندارد زیرا حتی در هندوستان که تا این اواخر  
رشد اقتصادی آن بانظم و موفقیتی بجز از سایر کشورهای این منطقه انجام میسرقت و درآمد ملی آنجا  
دوران استقلال تقریباً پند برابرونیم افزایش یافت دستمزد کارگران در همان صلاح فقیرانه قبض از جنگ  
باقی مانده است \* در برخی از کشورهای دیگر این منداقه وضع مادی پرولتاریائی بیست سال اخیر  
بدتر شده است \*

پرولترا آسیای جنوبي میداند که نیک به هدفیات مذلولب او از طریق کوششهای انفرادی میسر  
نیست \* علاوه بر این بسیاری از قیود و خرافات سنتی که حلوی رشد شعور طبقاتی رامیگرد در شهر  
خیلی ضعیفتر از ده است و همین تناسب کشر بسوی همکاری مجدانه بر پایه منافع مشترک یعنی کشر  
بسوی شکل در شهر نیرومندتر است \* فی الواقع هم طی بیست سال اخیر کامیابیهای جدی و امید  
بخشی در زمینه بالا رفتن شعور طبقاتی و همبستگی طبقاتی بدست آمده است \* ولی تجربه نشان  
میدهد که در حال شکل پرولتاریای آسیای جنوبي و جنوب شرقی هنوز حد کافی بالانگیزست \*

در میان بسیاری از نخل اجتماعی و سیاسی این پدید میآید سمطتصده را متمایز ساخت  
نخست آنکه عامل متحدکننده اکثریت پرولتاریای آسیای جنوبي و تمام کسانیکه با اصطلاح در آستانه  
پرولترا شدن هستند خود تولید نیست و این امر مانع بزرگی در راه ایجاد کلکتیوسندیکائی است \*

دوم آنکه فقدان وحدت سندیکائی در تمام حلقهات از تنوع و همپیوستگی با بقیه کارگر جلوگیری میکند \*  
بنا بر کلی در هر موسسه و در هر رشته از صنایع و ایضاً در مقام ملی چند اتحاد سندیکائی وجود دارد که  
بوسیله گروههای مختلف سیاسی تاسیس شده اند و تحت کنترل آنها هستند و شدت با هم رقابت  
دارند \* مبارزه طولانی اجزای کمونیست و سایر نیروهای دموکراتیک برای تأمین وحدت سندیکائی  
آکنون به موفقیت قطعی نرسیده است \* سوم آنکه پائین بودن سطح فرهنگ برخی از واحدهای  
با بقیه کارگر عظیم هم ضعف شکل با بقیه کارگر را تشکیل میدهد \*

این عوامل موجب بروز این خطرات واقعی میشود که نظریات سوسیالیستی پس از عبور از منثور و اثبات  
اجتماعی لایه های زیرین شهرهای بسیاری از کشورهای آسیای دجار انگسار شود و اشکالی بکلی  
مفاوت بانظریات واقعا سوسیالیستی پیدا کنند ( فی الواقع هم اغلب چنین اشکالی پیدا میکند ) \*  
از جمله رادیکالیسم ایبسی خود بخودی یعنی اشتیاق به تحولات بنیادی فوری ممکنست ( و البته

بهبود چوجه حتمی نیست ) که در صورت وجود شرایط معین موجب پروژا شکال - خشن سوسیالیسم عامیا گرد د و سوسیالیسم را از وابستگی بسطح معین رشد اقتصادی واجتماعی بطور کلی از هرگونه شرایط و مفدمات عینی " معاف نماید " از این نقطه نظر شرایط عینی چندی وجود دارد که این یا آن گروه از روشنفکران رادیکال افراطی که از جنبه تخریبی انقلاب اجتماعی خوب ( و گاه بسیار خوب ) اطلاع دارند ولی از نقش سازندگی آن بکلی بیخبرند بطور ناگاه راهی خلاف قوانین عینی تاریخ در پیش گیرند .

از سوی دیگر افزایش نفوذ اندیشه های اجتماعی در صفوف پرولتاریای آسیای جنوبی در شرایط انقلاب پیروزمند آزاد بخش ملی انجام میگیرد . در این بخش از جهان محیط ناسیونالیسمتفوق دارد و تا اخیر خود را بر شعور نمایندگان قشرهای مختلف جامعه و از جمله بخش بزرگی از طبقه کارگر اعمال میکند . در جریان مبارزه در راه استقلال، نیروهای ارتجاعی تلاش خصمگی ناپذیری بکار برده اند و مفهوم ناسیونالیسم در غل و احساس شده . های بزرگ مردم جمع میان حسن مشروع غرور و شوق ملی از یکسو و معتقدات مذهبی و خرافات صنفی و عشیره ای و شوونیستی از سوی دیگر جلوه کند واطی ذهن را بسه دوی متبادر سازد . در این شرایط استبدادی نخواهد داشت که در اوضاع واحوال معین هنگام انطباق استنتاجات اساسی عام جهان بینی سوسیالیستی برواقعیت يك کشور ( و يك منطقه ) که امری ضروری و طبیعی است کاربرد " ملی شدن " سوسیالیسم منجر گردد و آنها نه فقط بمفهوم نفسی خصلت اتترناسیونالیستی سوسیالیسم بلکه ایضاً بمفهوم سازشیدن اپورتونیستی آن با موسسات کهنه اجتماعی ، سیاسی و مذهبی ( ضمناً این قبیل دمسازی با جهل " واقعاتی " ممکنست اشکال گوناگون و از جمله شکل تکفیر " انقلابی " کلیه دستاوردهای فرهنگ اعم از ملی و بین المللی را بخود بگردد ) .

٣

- برای درک پروسه های اجتماعی کنونی کشورهای منطقه جنوبی و جنوب شرقی آسیا تبخیمی مقامی که پروژاوی ملی و گروههای نزدیک بان در حیات اقتصادی ، سیاسی واید فلوژیک کشور اشغال میکنند اهمیت فراوان دارد .

در اکثر کشورهای مورد بحث پیدايش این طبقه بکنندی انجام گرفته است . مانع اساسی در راه اینکه حتی ثروتمندترین افراد این کشورها به کار در عرصه تولید مدرن ویا بمعاملات بزرگ بازرگانی و مالی جلب شوند امپریالیسم خارجی بود . است که نمایندگان آن از همان آغاز برقراری تسلط خود این نوع فعالیت هارا بخود منحصر میساختند

ولی این منظره کلی احتیاج به تفکیک برخی نکات دارد .

در هندوستان ( و تا حدودی در سیلان ) سرمایه ملی قبل از دوران استقلال در قیاس با سایر کشورهای همسایه رشد بیشتری داشت . پس از برانداختن رژیم استعمار در نتیجه اتخاذ سیاست حمایت دولتی از صنایع داخلی و ایجاد محدودیت معین در تسلط مطلق انحصارات خارجی برای سرمایه ملی منابع جدید انباشت پیدا شد . در نتیجه این امر در این کشورها در سالهای اخیر طبقه



بهرروازی بزرگ تجاری وانگی و صنعتی پدید آمد و مستحکم شد \* از این گذشته در هند وستان که نخستین کشور نواستقلال آسیای و افریقای بود گرایش در جهت پیدایش گروههای انحصاری داخلی مشهود گردید که قدرت اقتصادی آنان با سرعت زیاد رصافزایش میروید \*

بهرروازی تنها در زمینه اقتصادی استحکام نمی یابد بلکه در حیات سیاسی واید ثولوزیک کشور های خویش نیز روز بروز ریشه های عمیقتری میدواند \* مثلا در هند وستان این بهروروازی دیگر سه داشتن نمایندگان خود در رهبری حزب حاکمه کنگره ملی هند قانع نیست \* صاحبان بزرگ سرمایه مالی و صنعتی که امکان شکست جناح راست کنگره را پیشبینی میکنند پیش از پیش تکیه خود را روی حزب سواتانرا میگذارند که در سال ۱۹۵۹ بدست راجه گوپالاجاریا و ماسانی و رانگا و سایر حوار سون سیاسی \* کارفرمای آزاد \* تاسیس شده است \*

اکنون بهروروازی بزرگ کشورهای آسیای جنوبی تقریباً یکی بر \* احساسات \* ضد امپریالیستی \* دوران جوانی \* خویش غالب آمده و اکثریت نمایندگان آن باین نتیجه رسیده اند که اتحاد با انحصارات خارجی با وجود مصارف معین آن \* پگانه وسیله مطمئن برای مبارزه در راه حفظ قدرت سیاسی و سرکردگی سیاسی در داخل کشورهای خویش و تنها ضامن نجات از فشار قشرهای پائینی دارای روحیه ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داریست \* از سوی دیگر انحصارات بزرگ کشورهای سرمایه داری رشد یافته ( به ویژه امپریالیستهای امریکا ) از افزایش امکان \* بیژنس مشترک \* برای تحکیم و توسعه مواضع خود در این کشورها رخنه در تمام مسامات جامعه آسیای و دینسان ایجاد بنیاد مادی برای تشدید نفوذ سیاسی خویش استفاده میکنند \* این گرایش در کشورهای فیلیپین و تایلند و هند وستان با وضوح خاص بروز میکند \*

ولی سرمایه داران بزرگ فقط قشر فوقانی بهروروازی ملی را تشکیل میدهند \* این قشر در هند وستان متنفذ است و در سیلان و فیلیپین کم اهمیت نیست ولی در اکثر کشورهای دیگر این منطقه اهمیت زیاد ندارد \* خصیصه عمومی این منطقه هوزهم وجود بلزرگان و کارفرمای کوچک و بیسه و صاحب دکان و کارگاه کوچک است \* غمنا این قشر اجتماعی در دوران پس از استقلال افزایش یافته است \*

کسبه و صنعتگران خرده پای شهرستانها عامل سیاسی صهی را تشکیل میدهند - به ویژه در هند وستان و سیلان \* این قشرها طبق معمول همته احزاب بزرگ \* مرکز \* کشورهای خویش نظیر حزب کنگره و \* شری لانکا فریدوم \* را تشکیل میدهند و این امر در بسیاری از جوامع فعالیست دولتهای هند وستان و سیلان و به ویژه در تایل به تشویق توسعه تولید کوچک و پیشگیری و محدود ساختن گرایشهای انحصاری و توسعه بخشد ولتی تاثیر مشهود باقی میگذارد \* تصادم دائمی میان جناح راست و چپ این احزاب انعکاسی است از تضادهائی که قشرهای مختلف بهروروازی ملی با هم دارند \*

خود بهروروازی به دولت نیرومندی نیازمند است که بتواند از تولید ضعیف و ناستوار او در رقابت رقابت خرد کننده سرمایه های بزرگ خارجی و داخلی دفاع کند \* این بهروروازی با توسعه تولید دولتی مخالف نیست زیرا این تولید در رشته های انجام میگیرد که بمنافع خرد بهروروازی لطمه نمیزند این خرد بهروروازی از نظر وضع مادی و سطح فرهنگ بکارگران شهری و کارمندان نزدیک است و در بسیاری از امال و منویات با آنان شریک است \* در عین حال \* رده بهروروازی بعیزان بسیار زیاد در قبایل تاثیرات عناصر منفی اید ثولوزی ناسیونالیستی گزند پذیر است زیرا شیوه تولید او از بسیاری جهات

هنگام تثایم آرمانهای زندگی موجب بروز گرایشهای قهرقائی میگردد . جهش سریع اجتماعی و اقتصادی قرن بیستم او را میترساند زیرا غالباً در جامعه آینده جای برای خود نمی بیند . از اینجاست دامنه نوسانی وسیع سمتگیری احتمال او : از سمت گیری پیکار جوانه علیه امپریالیسم ( علیه سرمایه داری ) تا سمتگیری علیه هرگونه مظاهر " غرب " که معنای آن از نظر ایدئولوژیک عبارتست از نفی اصولی اثباتیاتی خلق کنجینه تمدن اروپائی بر سر این کشور خویش و کماط مطلوب دانستن زندگی در چارچوب عقب ماندگی اقتصاد و فرهنگی و از نظر سیاسی عبارتست از اشتراک بانیره های تاریک اندیشی در چارچوب تعصبات صنفی و کمونی و شوونیستی .

در بسیاری از کشورهای آسیای جنوبی و جنوب شرقی ، خرد و بورژوازی بزرگترین جز " مشکله بورژوازی ملی را تشکیل میدهد " ولی نفوذ سیاسی این قشر خیلی کمتر از قشر مشابه آن در هندوستان و سیلان است ، زیرا در این منطقه بازرگانی کوچک و بیا خواری و گاه حتی پیشه هری از دیر زمان در دست افراد متعلق به اقلیت های ملی بود . در اندونزی و تایلند و فیلیپین این افراد از جنبی ها و در برمه از هندو پها و در مالزی از چینی و هندو پها بودند .

بدون توجه به طبیعت اجتماعی اقلیت ملی چینی و هندی در ت و ویژگی جنبش آزاد بیخش ملی در کشورهای آسیای جنوبی و جنوب شرقی میسر نیست . این ویژگی شامل آمیختگی بذرت عواصل ملی و اجتماعی در مبارزه آزاد بیخش است . از یکسو دخالت عنصر نفاق ملی حدود جنبه ضد امپریالیستی را تنگ کرد و از سوی دیگر محتوی اجتماعی انقلاب ضد امپریالیستی بطور محسوس و وسیعتر شد و در یک سلسله از کشورهای خصلت علنا ضد بورژوازی بخود گرفته است . بهر حال این نکته که بذرت مهمی از بورژوازی منطقه مورد بررسی ما به هیچوجه بورژوازی محلی یا ملی نیست ملی تمام دوران استقلال جدا مانع آن بوده است که این بخش بورژوازی دعوی پیشوائی جامعه را داشته باشد .

## ۴

بنابراین در یک سلسله از کشورهای آسیای جنوبی و جنوب شرقی بورژوازی یا لاینکاد رجیات اجتماعی تاثیر کمپیش مشهود دارد ولی نیروی متحدی نیست که بتواند قدرت دولتی را تحت کنترل منحصر خود در آورد .

از سوی دیگر تعداد و درجه مشکل و آگاهی پرولتاریا در هر مرحله هوزیان مرحله نرسیده است که بتواند مستقلاً در راستا تها نیروهای ترقیخواه قرار گیرد و آنها را پیرامون برنامه خود متحد سازد . این ویژگی اجتماعی که از عقب ماندگی صد هاساله و خصلت عمیقاً فلاحتی جامعه آسیائی ناشسی میشود البته پدید صورت و گذرائی است که با پیشرفت صنعتی کردن از زمین خواهد رفت . ولی این پدیده عجالتاً وجود دارد هر ای دوران نسبتاً ولانی وجود خواهد داشت و توجه صحیح بعواقب اجتماعی و سیاسی و درونمای آن واجد اهمیت عظیم خواهد بود .

یکی از مهمترین ویژگیهای وضع کنونی آنستکه قشرها و گروههای میانه که در شرایط " عادی " و معمولی بیکی از جنبقات اجتماعی بزرگ پیوسته اند یعنی اراده جمعی آنها را اجرا میکنند در اوضاع واحوال کنونی برخی از کشورهای نواستقلال آسیائی در حدود معین از نظر اجتماعی نیروی خود مختار و از نظر سیاسی نیروی رهبری کنند میشوند .

حال به بینیم مفهوم \* قشرهای دموکراتیک غیرپرولتر اهالی \* کمورد استعمال پرویاقرص پیدا کرد بطور مشخص چه کسانی را در بر میگیرد \*

تجربه نشان داده است که دهقانان عامل عظیمی را در حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوران انقلاب آزاد بیخشم ملی تشکیل میدهند \* در تمام کشورهای مذاق کمورد بررسی دهقانان یکی از نیروهای انقلابی بزرگ هستند \* تمام جامعه با روح و منافع ماشیوه زندگی آنها آمیخته است و دهقانان در جهان بینی هر حزب و در سیاست هر دولت تاثیر عظیمی بخشد \* ولی این تاثیر بطور غیر مستقیم و پنهانی اعمال میگردد \* مارکس میگوید \* تاثیر سیاسی دهقانان صاحب قطعه زمین کوچک در آخرین تحلیل در آنجا ... نمودار میشود که قدرت اجرایی جامعه را تحت تبعیت خود در میآورد \* این اندیشه عمیق مارکس که صحت آنرا در هر کشور آسیائی میتوان مشاهده کرد علاوه بر نکات دیگر ناظر بر شیوه و مکانیسم تاثیر دهقانان در پروسه ملی اجتماعی و سیاسی است \* یکی از گروههای مهم داخل قشرهای دموکراتیک غیر پرولتر اهالی روشنفکران ملی هستند و این تعجبی هم ندارد زیرا روشنفکران قبل از دیگران بضرورت و خصلت تحولاتی که جامعه بدان نیازمند است پی میبرند \* تجربه مبارزه آزاد بیخشم ملی در بسیاری از کشورهای مذاقه مورد بررسی بنحوصرت نشان میدهد که این گروه اجتماعی غالباً در پروسه انقلابی مقام رهبری را احراز میکند و طی دوران طولانی در راس جریان انقلابی باقی میماند و تدریج قشرهای پائینی شهرها و بخشهای روستایی و سرانجام دهقانان را بدنبال خود میکشد \*

روشنفکران آسیای جنوبی و جنوب شرقی قشر بالنسبه پر عده و متنفذی هستند که از دیر زمان حامل و ناقل سنن فرهنگی و زبانی و اخلاقی و معنوی ملل خویش بوده و از این سنن در قبال نفوذ استعمار دفاع کرده اند \* پس از احراز استقلال اهمیت روشنفکران بیش تر شد، بخصوص در هند وستان کمروشنفکران آن بنا بگفته صحیح ادوارد شیلز مویخ امریکائی \* بسبب کثرت تعداد، تنوع حرفه ها و کیفیت عالی بهترین دستاورد های خود در میان روشنفکران کشورهای نوا استقلال هم ندارند \* با آنکه مواضع اجتماعی - سیاسی روشنفکران آسیای جنوبی قوی العاده متنوع است \* ولی میتوان برخی خصایر و علائم عمومی برای اکثریت آنها ذکر کرد \* میتوان گفت که خصیصه عمده در جهان بینی افراد تحصیل کرده کشورهای این مذاقه اینست که همواره دیده باینده دوخته اند \* درت ضرورت پیشرفت اقتصادی سریع اکثریت موجب میشود که افراد تحصیل کرده از فکر نفوس قدرت عدد مالی و اختیارات رهبری به دولت پشتیبانی کنند و به ندرت برنامه ریزی مرکزی برسند \* و اما حصول این مقصود بدون ملی کردن پایه های صنعت میسر نخواهد بود \* بدینسان اشتیاق به پیشرفت مذاقه اکثریت روشنفکران را بقبول صحت راه رشد نیر سرمایه داری میرساند \*

ولی دل بستگی محافظ و وسیع روشنفکری به دورنمای سوسیالیستی تاکنون به هم پیوستگی روشنفکران اکثریت این کشورها پیرامون یک برنامه مستتر و مشخص برای مبارزه در راه تحقق این دیر نمایانجامیده است \* در جریان کمون نظریات سیاسی واید تئولوژی این روشنفکران سه مشی اساسی با وضوح کافی نمودار شده است \* بخشی از روشنفکران در همان دوران مبارزه برای استقلال ملی موفق شدند بگیریترین و جامعترین تجسم آرمانهای اجتماعی، سیاسی و معنوی و اخلاقی خویش را در وجود جهان بینی مارکسیستی - لنینیستی تشخیر دهند \* لایه دیگری از افراد تحصیل کرده ( که اکثریت آنها

در دانشکده های اروپای غربی و امریکای شمالی تحصیل کرده بودند ) به دست نشانندگان مستقیم امپریالیسم در کشورهای خلیج میدل گردیدند . گروه بزرگ سوم روشنفکران آسیای جنوبی در آغاز تمام خود را بمسائل مربوط به آزادی ملی مصروف میداشتند و ترجیح میدادند که بمسائل ایدئولوژیک و اجتماعی - اقتصادی بفرنج ( که ضمناً در آن زمان خیلی هم تجریدی بنظرش میرسید ) نپردازند . این گروه از نظر اجتماعی طبیعی ترین و " درونی " ترین بخش لایه های میانه بود . اینها افرادی هستند که بحیصیلات خود را در محل کسب کرده اند . در محیط محلی و مذهب و آداب و رسوم محدوده ارتباط نزدیک دارند ( مثلاً معلمین دبستانهای شهرستانی ، کارکنان موسسات پزشکی محلی و قشرهای پایین روحانیون بودایی ، هندی و مسلمان ) . همین بخش روشنفکران هستند که به حامل اساسی انواع نظریات ایدئولوژیک ناسیونالیسم آسیایی بدل شده اند . ساده کردن مطلب خواهد بود اگر تصور شود که نظریات تخیلی و تمایل به قائل شدن جنبه خانوادگی برای مناسبات اجتماعی درون ملت و کمال مطلوب دانستن گذشته ماقبل استعماری کشورهای خویش که از خصائص ذاتی این جهان بینی هاست ( جهان بینی هایی که در پررئوایی ملی ، در دهقانان و در بخش بزرگی از طبقه کارگر تاثیر عظیم داشته است ) هم نتیجه اشتباه تئوریک است . این قبیل نظریات عکس انعکاس بسیاری از روابط عینی اجتماعی هستند که در این کشورها وجود واقعی دارند . این نظریات از انعکاس دقیق کمبود رشد نظام اجتماعی کنونی در مغز بخشی از روشنفکران آسیایی و از تفوق توده دهقانی و خرد بورژوازی توأم با فشار عظیم اجتماعی و روانی بر کلیه طبقات و لایه های اجتماعی دیگر پدید میگردند .

عیب حاملین این نظریات در آنست که در استنباطات خود به تعمیم برخی از مناسبات اجتماعی واقعی خویش که فقط در کشورهای ( یا در منطقه آنها ) وجود داشته اکتفا کرده و همیزان زیادی از توجه به تجارب و دورنمای تکامل تمدن بشری در مجموع خود متفک شده اند . ناسیونالیسم در آنهاست تاثیر و گانه داشته است . از یکسو آنها را از حس انقیاد معنوی خلاص کرده و آنها را کمک نموده است تا خود را اعضای تام اختیار جامعه انسانی احساس کنند و اهمیت عظیم شرقی آنها در همینجاست . ولی از سوی دیگر جلوی برقراری تماس ایدئولوژیک ( روابط سازمانی ) میان آنها و نیروهای ترقیخواه خارج از کشورهای آنها را موقتاً گرفته و تا حدودی سکتاریسم ملی بوجود آورده است .

سرعت غلبه بر این کومه بینی که عواقب خطرناک در بردارد و سرعت خلاصی از موهومات ذاتی ناسیونالیسم تنگ نظرانه متناسب باشد ت پشتیبانی نیروهای ترقیخواه سراسر جهان از ملل کشورهای نواستقلال و درجه قاطعیت و اثربخشی همبستگی متقابل آنان در مقابله با سیاست تحارر کارانه امپریالیسم خواهد بود .

پس از احراز استقلال سیاسی و وظائف اجتماعی دستگاه قدرت دولتی نیز اهمیت فراوان کسب کرد . بر مناسبات تحکیم مواضع دولت در حیات اقتصادی کشور اهمیت این مسئله بیشتر از پیش افزایش یافت . اگر در هند وستان نفوذ بورژوازی در دستگاه دولت رو به همرفته غلبه دارد ( اگرچه چنین تصریحی فقط در حکم نخستین گام در جهت نزدیکی به یک حقیقت بسیار بفرنج و گاه متضاد است ) در عوض در بسیاری از کشورهای دیگر وضع بر آنجا تفاوت بسیار زیاد دارد . در یک کلمه از کشورهای باعلت خصوصیات پیشگفته ترکیب طبقاتی وضع ویژه ای بوجود آمده است بدینمعنی که روشنفکران و لایه های

میانه که هسته اساسی دستگاه دولتی را تشکیل می دهند طی يك دوران تاریخی بالنسبه طولانی از عرصه پهنای برای مانورهای اجتماعی برخوردارند . وضعی بوجود آمده است که گفته مشهور مارکس را مبنی بر اینکه دستگاه بوروکراتیک قادر است نعمتها افزای در دست این یا آن طبقه حاکمه باشد بلکه در شرایط معین میتواند بعنوان " وسیله ای برای تدارک تسلط طبقاتی ... " مورد استفاده قرار گیرد . و اما این مطلب که دستگاه بوروکراتیک مفتحا " خودمختار " تسلط چه طبقه ای را تدارک می بیند بچگونگی تناسب پیچیده قوای خارجی و داخلی ارتباط دارد .

تجربه ۲۰ سال اخیر اجازه يك استنباط را میدهد و آن اینکه در یکسلسله از کشورهای این منطقه بخشی از قشر فوقانی دستگاه دولتی که بمیامتورم شد . است از قدرت خود همواره برای مقاصد آزمندانه گروهی محدود استفاده کرده است .

لایه بوروکراتیک دستگاه دولتی در مرحله اول فعالیت خود بطور عمدتاً از وسائل مرسوم سرمایه داری برای ثروت اندوزی استفاده میکرد . ولی این فقط دوران " انباشت اولیه بوروکراتیک " بود . تجربه نشان میدهد که مال اندوزی از طرق " خارج از دستگاه دولتی " خیلی زود جای خود را به استفاده از مقام رهبری در دستگاه دولتی برای مقاصد شخصی و گروهی محدود میدهد .

سو " استفاده از مقام ، چپاول وجوه دولتی و رشوه خواری بحدی رواج مییابد که غالباً در کار بخش دولتی یکسلسله از کشورهای دشواری جدی بوجود میآورد همه بی اعتبار شدن آن در انظار عام زحمتکشان کمک میکند و سرانجام موجب پیدایش مشکلات اقتصادی جدی و تصادمات سیاسی حاد میگردد .

" بورژوازی بوروکراتیک " پس از تحکیم بنیه اقتصادی خویش با شدتی روز افزون در مبارزه ایدئولوژیک مداخله میریزد . نمایندگان آن زودی بردند که چپاول بخش دولتی بسود آنها نیست . آنچه که آنها با قاطعیت علیه آنها رزم میکنند هرگونه کنترل از پائین یعنی کنترل زحمتکشان و سازمانهای توده ای آنان بر اموال دولتی از هر نوع است : از موسسه جداگانه گرفته تا مجموعه بخشدولتی . آنها " نیز هوادار سوسیالیسم " هستند : " سوسیالیسم " بمفهوم تسلط بی کنترل دستگاه دولتی بر حیات اقتصادی ، سیاسی و معنوی کشورهایشان . وظیفه توده های زحمتکش برزعم این نظریه صرفاً عبارتست از دادن قربانی در آستان تکامل سریع اقتصادی - هرقلی دیگری از نقشی که برای زحمتکشان در نظر گرفته شده است تضییقات بیرحمانه در پی خواهد داشت . ستایشگران بورژوازی بوروکراتیک بابتانگ رسا اعلام میکنند که " سوسیالیسم یعنی دولت " و مفهومی که بطور ضمنی برای این شعار قائلند اینست که " دولت یعنی ما " . این قبیله تخطئه " دولتی " سوسیالیسم را ( که بورژوازی در کشورهای کم رشد تراجیح است که سنت های استبداد و توتالیتر صدها ساله و اسلمهای مشابه مبارزه علیه آنرا بارت برده اند ) - مارکس وانگلس " فقط شکل پروز پلیدی مالکیت خصوصی " مینامیدند .

### ۵

خصوصیت ترکیب طبقاتی در مختصات ایدئولوژیک و سیاسی کشورهای آسیای جنوبی و جنوب شرقی تاثیر تعیین کننده دارند . اشاعه بسیار دامنه دار افکار سوسیالیستی در این منطقه پروسه عینی جلوگیری

ناپذیرست که ظل اجتماعی - اقتصادی داخلی عمیق دارد . پیشرفت سریع نیروهای سوسیالیسم در جهان ما نیرومند عامل کمکی تصریح کنند . این پروسه است . مبارزان پیگیر راه پیشرفت اجتماعی . امکانات عینی فراوانی دارند برای آنکه توده های بزرگ طبقه کارگر ، دهقانان و لایه های غیر پرولتر شهر نشین و روشنفکران و خرد و بورژوازی را بزیر پرچم خود گرد آورند و آنها را متحد سازند و از نظر ایدئولوژیک پرورش دهند .

در عین حال در بطن جامعه کنونی آسیای امکانات عینی لازم برای اشاعه نظریاتی که بآبرخی از اصول اساسی عام سوسیالیسم علمی از نظر شکل شباهت ملی از نظر محتوی یکی منافات دارند موجود است . شایعترین و خطرناکترین و صعب العلاج ترین بیماریها عبارتست از اشکال تخیلی و هر و کراتیک و دهقانی تخطئه سوسیالیسم .

حوادث سالهای اخیر نشان داده است که وقتی پشاهنگ رهبری کنند ، انقلاب آزاد بیخشم ملی و ضد امپریالیستی نتواند در قبال تمایلات خود بخودی توده ها سیاست عاقلانه و ماترمنی و مافرنهنگی اتخاذ کند که بکمک آن بتواند لزاجتهای عظیم قوای روحی و ارادی توده ها ، که آفریده ناگزیر انقلاب است ، برای تأمین حد اعلائی سرعت رشد نیروهای مولد و جامعه و مانوس ساختن اعضای جامعه باد ستاورد های واقعی فرهنگ انسانی و بدینسان غلبه بر بار شاق سنت های استبدادی و توتالیتر صد ها ساله استفاده نماید . چه عواقب واقعی سنگینی ببار میاید . در چنین صورتی دستاورد های اساسی انقلاب بخطر میافتد و محیط اجتماعی کم رشد با سرعت حیرت آوری مختصات اساسی انقلاب را میسخت میکند . ناسیونالیسم مطلق به گونه نظری شوونیستی پر بخت و جنبش ضد امپریالیستی به نفع تحقیر آمیز هر آنچه که تمدن بشری بحق بآن مباحث میکند - بدن میگردد . آمادگی برای مبارزه قاطع و آشتی ناپذیر در راه آزادی جای خود را به قساوت بی بند و بار و بیخردانه در حق تماکسانیکه در مظان آزاد اندیشی قرار میگیرند میدهد . حکومت انقلابی پیشروان خلق به استبداد ظالمانه قرون وسطایی ذات مستبدی که از فور قدرت زمام عقل را از دست داده است تبدیل میشود . واقعیت دوران کنونی آسیا هر دو نمونه کلاسیک عقب نشینی انقلاب را عرضه کرده است : هم نمونه کودتای خونین ضد انقلابی ( معمولاً نژادگامی ) و هم نمونه سیر قهقرائی درونی . مشکل بتوان گفت که کدامیک از این دو نمونه موثر تر است .

ولی تبدیل امکان اشاعه وسیع این قبیل نظریات ایدئولوژیک به واقعیت به هیچوجه جنبه تقدیری ندارد . این فقط یکی از گرایشها و یکی از خطرات موجود در راه پیشرفت است . کامیابیهای حاصله در زمینه رشد صنعت و تحولات مهم اجتماعی آسیای جنوبی و جنوب شرقی در طول ۲۰ سال اخیر و بویژه افزایش درصد نفرا ت طبقه کارگر و لافتن سراج آگاهی و تقویت روحیه بیکار جوئی آن به پیدایش شرایط مساعد تر برای برانداختن این گرایش و این خنار کمت میکند . عوامل مشخص اجتماعی ، سیاسی ، تاریخی و ایدئولوژیک داخل هر کشور و در درجه اول مبارزه آگاهانه و متحدانه نیروهای پیشتاز جامعه علیه پدیده های منفی ناشی از تفوق عظیم محیط دهقانی و خرد و بورژوازی و نیز تربیت توده ها بامعتقدات و احاطه ترقی و علمی چگونه فرجام بیکار در راه پیشرفت اصیل معنی میکند . پیروزی نهائی بیکار عظیم در راه سوسیالیسم در آسیا نیز مثل هر نقطه دیگری در سراسر جهان ناگزیر است .



# علم جامعه‌شناسی و واقعیت اجتماعی

( شرحی در باره ششمین کنگره جهانی جامعه‌شناسان )

۱۰ نیویس

در سپتامبر سال جاری ششمین کنگره جهانی جامعه‌شناسان در فرانسه برگزار گردید .  
این واقعه در حیات فرهنگی و علمی از دو جهت برای جنبش جهانی کارگری شایان توجه است .  
نخست از این جهت که بصط موفقیت آمیز دامنه تحولات انقلابی در دوران ما بدون پیشرفت علوم  
اجتماعی میسر نیست و نیروهای اجتماعی پیشتازیه دستاوردهای رشته‌های علوم اجتماعی چون جامعه  
شناسی توجه روزافزون معطوف می‌دارند . علاوه بر این جامعه‌شناسی يك سلسله شیوه ها و وسائل  
فنی بسیار مهم برای تحلیل پدیده های اجتماعی اندوخته است ؛ مدل سازی های ریاضی برای  
پروژه های اجتماعی ، شیوه های آمار گیری مختصات ( پارامترهای ) اجتماعی نظیر تغییرات  
اشتغال ، ساعات کار و فراغت ، بالارفتن سطح آموزش عمومی ، تناسب عرضه و تقاضا در بازار گانی و غیره .  
اهمیت علمی این شیوه های فنی پژوهشهای اجتماعی مشخص بی‌شک برای کشورهای سوسیالیستی  
نمی‌تواند مورد تردید باشد .

دوم از این جهت که کنگره فرصه برخورد عقاید و نظریات جامعه‌شناسی دو جهان متضاد - سرمایه  
داری و سوسیالیسم بود . برای احراز پیروزی در مبارزه آید ثولوزیک با جهان سرمایه داری باید از لای  
که قشرهای مختلف تئورسین های بورژواکار می‌برند اطلاع داشت و باید توانست بر همین علم مارکسیستی  
را در برابر این پراهمین عرضه کرد . این یکی از جوانب وظیفه مبارزه در راه جذب روشنفکران بوسی طبقه  
کارگراست .

در بحثی که در مجمع جهانی جامعه‌شناسان در گرفت طبعاً یک سلسله از خصائص مهم حیات  
آید ثولوزیک دوران کنونی انعکاس یافت . در این مباحثات قید از هر چیز چپ گرائی مبین محافل نسبتاً  
وسیع از روشنفکران بورژواکه پیش از پیش می‌برند چه فلاکتهای بنیان براندازی از جانب امپریالیسم  
معاصر تمدن بشری را تهدید میکند تا جدوی نمود آرگردد . باینجهت تبادل نظر در کنگره مبارزه  
مستقیمی بود برای جذب عقول و قلوب آن روشنفکران بورژواکه نفرت طبقاتی کورشان کرده و سرمایه داری  
را تا اندازه ای انتقاد میکنند و میکوشند د یحد و توانائی خود جوینده هشیار حقیقت عینی باشند .  
در عین حال جامعه‌شناسان متفکری که نقش ستایشگران بیفکر سرمایه داری با طبعشان جور  
نیست و میکوشند واقعیت اجتماعی دوران ما را درک کنند به درهم اندیشی آید ثولوزیک کاملاً آشکار د چار  
نمود ابعاد آن فقدان نظریه بهم بافته و یکپارچه در زمینه جامعه‌شناسی و تمایل به دین احکام  
التقاطی و فرمیستی تخیلی و نیمه تخیلی و تلاش برای محدود ساختن جامعه‌شناسی در چارچوب تنگ

پژوهشهای حرفه ای و تخصصی بدون بررسی پیشرفت اجتماعی و طرق عمومی آنست .  
این جامعه شناسان که یکسلسله از عمیقترین تضادهای آشتی ناپذیر سرمایه داری معاصر را درک کرده اند بعلمت کوشه بینی ناشی از اغراض طبقاتی و عوامل تاریخی حاضر به پذیرش شیوه تفسیر مارکسیستی حل این تضادها نیستند و آن به جدل برمیخیزند . در همین جاست که انواع موزمینیستی آتی کمونیسم میکوشند آنها را بدام بیاندازند .

مجموعه کاملی از این خطوط پیچیده و متضاد جامعه شناسی معاصر بورژوازی و ضعف درونی و عیوب آن همراه با دعوی پرهیز از اغراض و اتکا به مصای علم درکنگره آینه وار در تنز " خلیع ایدئولوژیک " ( desideologisation ) جامعه شناسی منعکس گردید . این تز در عین حال هم اعتراضی ضمنی است بشکست مبارزه ایدئولوژیک علیه مارکسیسم و هم امید تخیلی واهی برهائی پژوهش اجتماعی دانشمندان بورژوازی نفوذ درهم شکستن " فابریک های مژده یوتیستی اندیشه سازی " خادم علمی وزارت جنگ امریکارا در بردارد و هم این ادعای پر خاشجوهانه را که گویا مارکسیسم بعلمت استغراق در ایدئولوژی فاقد خصلت علمی است .

جامعه شناسان کشورهای موزمیالیستی که در قیاس با کنگره های جهانی پیشین فعالیت خود را تشدید کرده بودند این قبیل نظریات را به تفصیل مورد انتقاد قرار دادند . بالا رفتن نقش و فعالیت دانشمندان کشورهای موزمیالیستی بتصدیق اکثریت قریب بتمام شرکت کنندگان کنگره یکی از برجسته ترین خاصیت ششمین کنگره جهانی جامعه شناسان بود .

در ایام ما حتی ماهرترین ستایشگران نظام سرمایه داری میکوشند به علم متکی شوند ، زیرا امروز بی پایه بودن دلبستگی به بازی کبر نیروهای بازار و تهوئیک شخصیت نیرومند یکه از آزادی ابتکار و کار فرما برخوردارست بر همگان مسلم شده است .

درکنگره دوشمیه دائر بود که دوشش عمده از مسائل را بررسی میکردند : یکی وحدت و تنوع در جامعه شناسی و دیگری سوسیولوژی روابط بین المللی . بر پایه این دوشش وسیع تقریباً تمام مسائل مبرم تکامل جامعه شناسی معاصر مورد بررسی قرار گرفت . در جلسات عمومی ، در جلسات شعب و در مذاکرات نیز گرد که در جریان کنگره صورت گرفت و نیز در جلسات کمیته ها و کمیسیونهای پژوهشی مسائل متعدد بدرجات مختلف روشن شد .

مسائل گوناگونی نظیر مقابله یکسلسله از تعاریف خاصیت زندگی اجتماعی کشورهای مختلف ، فرهنگ عام و اهمیت آن ، مبارزه در راه صلح و همزیستی مسالمت آمیز ، مدل سازی ریاضی برای پروسه های اجتماعی ، سوسیولوژی معرفت علمی ، سیمای انسان معاصر ، سوسیولوژی مذهب ، سوسیولوژی خانواده ، پژوهش تحریک اجتماعی جامعه ، سوسیولوژی پزشکی ، سوسیولوژی سیاست و مسائل دیگر درکنگره مطرح شد . از جمله مسائلی که با تفصیل کثیری درکنگره مطرح شد جوانب سوسیولوژیک و ایدئولوژیک انقلاب علمی و فنی بود و ظنت آن هم شاید این بود که درکنگره های آینده جامعه شناسان توجه بیشتری باین مسائل معطوف خواهد شد . بورژوا در سال آینده ( سال ۱۹۶۷ ) کنگره مخصوصی برای سوسیولوژی صنعتی در نظر گرفته شده است که این مسائل در آن برای خود جا پیدا خواهند کرد .

با آنکه کنگره رویه معرفت در محیط آرام مباحثات علمی و بدون حملات بی پایه برگزار شد و چند افراطی منفرد ضد کمونیست محکوم همگان واقع میشدند بازگاه درکنگره آوایی از دعاوی ایدئولوژیک کهنه بگوش میخورد که از زندان خانه " جنگ سرد " بهاریت گرفته شده بود و برخی استدلالات شنیده میشد که هیچ



الفتی با علم نداشت روز بهمرفته از طرف اکثریت اعضای کنگره محکوم گردید .  
 مثلا هنگام بحث پیرامون مسئله پژوهش تصادمات اجتماعی يك خانم امریکائی نمایندگانه کنگره این دعوی را اقامت کرد که طبیعت تصادمات اجتماعی اصولا شناخت ناپذیر است و گویا نمیتوان معین کرد که این تصادمات دارای چه طبیعت حقیقی و چه علت واقعی هستند و چکسی مسئول فلان یا بهمان تصادم است . اومعی داشت دامنه این احتجاجات تجربیدی را به اوضاع واحوال مشخص ویتنام بکشاند که نیروهای امریکائی در آنجا با تهاجم به خلق صلحد وست ویتنام جنایات فجیع علیه تمام جامعه بشری مرتکب میشوند . اکثریت اعضا کمیسیون قطعنامه های کنگره این دعوی را انتقاد کردند و اثر ا مردود دانستند . علاوه بر این جمع کثیری از نمایندگان کنگره تجاوز امریکارا بخلق ویتنام بخصوص محکوم کردند .

در شرایط کنونی بطوریکه میدانیم مسئله مدل سازی پروسه های اجتماعی اهمیت روز افزون کسب میکند . مدل سازی هم در علوم طبیعی وهم در علوم اجتماعی بشیوه روز بروز جهانشمولتری برای شناخت علمی بدل میگردد . تشکیل گروه مخصوص برای بررسی مسائل مدل سازی در جامعه شناسی کاملا صحیح بود . کار این گروه رو بهمرفته تریبخش بود و در آن تبادل نظر سود مندی پیرامون مسائل مشخص تکنیک پژوهشهای اجتماعی و تکنیک مدل سازی اجتماعی بعمل آمد . ولی در آنجا براهینیی بگوش میخورده که از نظر طبیعت خود کهنه و پوسیده بود و از بازمانده های ایدئولوژی " جنگ سرد " فیض میگرفت . گفته میشود که در شرایط سوسیالیسم مدل سازی در رشته جامعه شناسی ممکن نیست زیرا در کشورهای سوسیالیستی گویا تصمیمات ارادی (ولو تاریستی) غالب است و چنین تصمیماتی به تجزیه و تحلیل ریاضی تن در نمیدهد . مارکسیستها در قبال این تفسیرهای بکلی مجعول و مقلوب از طبیعت سوسیالیسم فاکتها شی را عرض میدارند که بنحویارز نشان میدهد هدف اصلاحات اقتصادی اخیر در کشورهای سوسیالیستی عبا زت از تامين استفاده هر چه اثر بخش تر از قوانین رشد اقتصادی واجتماعی برنامه معین هر بنیاد علم و اما برعکس در شرایط تسلط نیروهای کور بازار کالا انواع فاکتهای هرج و مرج انگیز رخ میدهد که بکمک کاملترین ماشینهای حساب الکترونی واسلوههای تئوریک حساب احتمالات نیز نمیتوان آنها را با اطمینان کافی پیشبینی کرد .

در جامعه سوسیالیستی شرایط مساعدتری برای بکار بردن مدل ها و محاسبات کمی دقیق وجود دارد زیرا در این جامعه میتوان این محاسبات را در مقیاس مجموعه سیستم اجتماعی ، در مقیاس تمام مملکت وحتى در مقیاس زمین الما لك انجام داد . ولی در اقتصاد سرمایه داری انواع محاسباتیکه برای پیشبینی و مدل سازی انجا هیچکد ممکنست بلا اثر بماند زیرا تا زمانیکه سرمایه داری وجود دارد هیچ کس نمیتواند انحصارات را بهراعات احتساباتی که با منافع آنان جهر نماید وادار سازد .

### ایدئولوژی و علم جامعه شناسی

اگر در پژوهشهای مشخص در زمینه های آزمایشی یا مدل سازی ریاضی تطبیق شیوه های برخورد فنی مولفین بورژوا و مولفین مارکسیست امکان پذیر است ولی تئوری عمومی جامعه شناسی جنبه طبقاتی خود را البته حفظ میکند و این تئوری نمیتواند تحت تاثیر ایدئولوژی این یا آن نیروی طبقاتی

قرار نگیرد و نمیتواند بمنافع نیروهای طبقاتی معین خدمت نکند .  
نقطه نظر عکس آن یا حثیه تخیلی دارد و یا سالوسانه است . رابطه متقابل جامعه شناسی  
بعنوان علم اجتماعی با ایدئولوژی بعنوان بیان تئوریک منافع طبقاتی جنبه عینی دارد .  
از جمله مسائلی که در مرکز توجه کنگره قرار داشت عبارت بود از رابطه ایدئولوژی با جامعه شناسی  
تاثیر ایدئولوژی بر جامعه شناسی و رابطه میان نظریات و مکاتب جامعه شناسی مختلفی که در کشورهای  
پیروریه های اجتماعی مختلف بسط می یابد .

یک جامعه شناس میتواند یا وجود این رابطه را با ایدئولوژی تصدیق کند و یا اینکه روی آن پورده  
بکشد و حتی آنرا نفی کند ولی با اینهمه این رابطه وجود خواهد داشت . بطوریکه میدانیم مارکسیستها  
وجود این رابطه را آشکارا قبول دارند و پژوهشهای خود را در زمینه جامعه شناسی و پژوهشهای خود را  
هم در زمینه جامعه شناسی آشکارا در خدمت منافع طبقه کارگر قرار میدهند . جامعه شناسی در جامعه  
سوسیالیستی بپروژه از آنجهت ثمر بار میآورد که حز " محشوفصلی از تئوری عمومی یکپارچه بهم تنیده  
دانش مارکسیستی - لنینیستی است .

در سخنرانی های جلسات عمومی و جلسات شعب و نیز در جریان مباحثات ، جامعه شناسان  
مارکسیست اتفاقا خاطرنشان میکردند که وابستگی جامعه شناسی به ایدئولوژی هنوز کافی نیست برای  
آنکه جامعه شناسی را به علم بدل کند بلکه همه چیز منوط بآنستکه جامعه شناسی بکدام ایدئولوژی  
وابسته است . اگر خود ایدئولوژی علمی باشد ، که در مورد ایدئولوژی طبقه کارگر صادق است ، جامعه  
شناسی هم علمی خواهد بود .

تئوریسین های بورژواکه دهماسان است بانحا " مختلف میکوشند در مورد خصلت علمی ایدئولوژی  
مارکسیستی - لنینیستی ابهام ایجاد کنند و میگویند همان طرح مسئله علمی بودن مارکسیسم گویا  
طبقاتی بودن آنرا منتفی میسازد . و حال آنکه مارکسیسم - لنینیسم علمی بودن خود را موهون بنیاد  
طبقاتی خود یعنی طبقه کارگر است .

بدین طریق علمی بودن و طبقاتی بودن در مارکسیسم - لنینیسم با هم پیوند ناگسستنی دارند و پایه  
مشترک آنها هم این واقعیت جهانی تاریخی است که پرولتاریا طبقه ایست که از کوزه بینی طبقاتی  
و سود روزی طبقاتی بری است . طبقه کارگر که حامل مادی جبر تاریخ است علاقه دارد حقیقت عینی را  
پیدا و اعلاقیق در یابد و در این زمینه هم بی آنکه دعوی دست یافتن بحقیقت مطلق را در آخرین مرحله  
آن داشته باشد مراحل هر چه تازه تری از حقایق عینی را که در شرایط تاریخی معین جنبه نسبسی  
دارند مکشوف میدارند .

طبقه کارگر شناخت عمیق واقعیت اجتماعی را برای هدفهای مبارزه و کار آفریننده لازم دارد زیرا  
مجاهدت او نه در جهت تخریب نیروهای مولده و فرهنگ است و نه در جهت محو جسمانی مخالفان طبقاتی  
خویشتر . فعالیت انقلابی خلاق طبقه کارگر فقط یک فصل تخریبی دارد و آن تخریب مناسبات اجتماعی  
استوارگانه است که خصلت عیقا ضد انسانی آنها بسیاری از متفکرین پیششازمه تها قبل از مارکسیسم نشان  
داده اند .

مارکسیسم با جذب بهترین دستاوردهای تمدن و استقرار ماتریالیسم در عرصه درک واقعیت تاریخی  
پروژه بعنوان علم و ایدئولوژی طبقاتی پیششازترین نیروی مترقی که طبقه کارگر باشد به پیشرفت جامعه بشری  
خدمت مینماید . دانشمندان کشورهای سوسیالیستی در جریان کارکنگره تئوری بی پایه " خلع ایدئولوژیک "

علوم اجتماعی را بتفصیل مورد انتقاد قرار دادند .

در آخرین جلسه عمومی ششمین کنگره جهانی جامعه شناسان پ . آرون جامعه شناس مشهور فرانسه دعوی داشت که جامعه شناسی نباید از یکسو علم امپیریک و از سوی دیگر علم ایدئولوژیک باشد و نباید خصصاً بوروکراتیک داشته باشد . اگر مفهوم این سخن مخالفت با امپیریسم ( مطلق کردن متغیمن هسته عقول است . ولی این اظهار نظر علیه ایدئولوژی بادعت به گسست پیوند میان جامعه شناسی و ایدئولوژی همراه است و در مسئله تکامل جامعه شناسی ابهام بوجود میآورد .

در اینجا ما با عدم تمایل بدرك این نکته روبرو هستیم که پژوهشهای اجتماعی و نسخه های جامعه شناسی فقط زمانی اهمیت تاریخی واقعی خواهند داشت که با جامعه مربوط باشند و نه نهاد های اجتماعی معین خدمتکنند . البته این بهیچوجه بمعنای آن نیست که جامعه شناس را از " برج عاج " از امکان دیدن واقعیت عینی محروم خواهد شد و جهان را حتما بصورت تحریف شده خواهد دید . در اینجا خیلی چیزها به پاکدستی علمی ، بشهامت علمی و صبری بودن او از شوائب غرض ارتباط دارد .

بطوریکه میدانیم مارکس جامعه شناسانی را که بخاطر منافع آزمندانانه و جاه طلبانه خود واقعیت را تحریف میکردند باخشم تمام محکوم کرده است . مارکس ضمن اظهار نظر درباره اثر مالتوس نوشته است : " . . . شخصی سعی دارد علم را بانظریه ای د مسازکند که از درون علم امتخارج نشده باشد ( هراندازه هم که این علم دارای اشتباه باشد ) بلکه از خارج گرفته شده باشد و از منافع عینی ناشی شده باشد که با روح علم بیگانه و برای آن اجنبی و خارجی باشد - آری چنین شخصی را من " فرمایم " مینامم " .

ششمین کنگره جهانی جامعه شناسان بخوبی نشان داد که پژوهشهای جامعه شناسی ، هر آینه توسط صاحبان عقاید مترقی انجام گیرد با مرپیشگیری جنگ جهانی و پیشروی تمدن بشری شود فراوان خواهد رساند .



# پیرامون سمینار قاهره

د. شریف، و. شلپین

از ۲۴ تا ۲۹ ماه اکتبر ۱۹۶۶ در پاسخ تقاضا و اظهار تمایل عدّه زیادی از احزاب انقلابی و سازمانهای ترقیخواه آفریقا سمیناری درباره " انقلاب ملی و اجتماعی در آفریقا " از طرف مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " و مجله " الطلیعه " در قاهره تشکیل شد. این سمینار مورد توجه محافل اجتماعی قاره آفریقا و سایر مناطق جهان قرار گرفت.

برای نخستین بار در تاریخ آفریقا بیش از ۷۰ تن رهبرین و رجال اجتماعی و سیاسی ( اعم از مارکسیست و غیر مارکسیست ) از جانب ۲۵ حزب و سازمان انقلابی و ترقیخواه در این جلسه با هم ملاقات کردند تا در محیط بحث آزاد پیرامون مهمترین مسائل جنبش آزاد بیخشم ملی در آفریقای کنونی تجارب غنی خود را درباره مبارزه انقلابی و ساختمان زندگی نوین بایکدیگر در میان بگذارند. در این جلسه ملاقات نمایندگان احزاب حاکم و رجال دولتی کشورهای پیشرو آفریقای و نیز رهبران سازمانهای انقلابی و احزاب ترقیخواه کشورهای که هنوز زیر نفوذ استعمار و اسارت نژادی و رژیم های استعماری قرار دارند و در راه استقلال کامل کشورهای خود مبارز میکنند، شرکت داشتند.

پروفسور ملی یاتا، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست مراکش - فادیا لاکیتا، رجل سیاسی مشهور جمهوری گینه - ج. ب. مارکس، رهبر مبارزان راه آزادی آفریقای جنوبی - ثانفورت، ماشا و بیانتو دبیران حزب حاکم تانزانیا - م. دیوپ، دبیر کل حزب آفریقای استقلال سنگال - شیخعلی عبدالرحمن، رئیس حزب دموکراتیک ملی سودان - پاستوران ریامانه زاتو، رئیس حزب کنگره استقلال ماداگاسکار - یوسف سامانتار، دبیر کل حزب اتحاد دموکراتیک سومالی - نمایندگان جبهه آزادی ملی الجزیره، رهبران حزب کمونیست سودان و عدّه دیگر سخنرانی کردند.

حزب " اتحادیه سودان درمالی " هیئتی بشمارک ادیس داری، دبیر سیاسی حزب و مادیره کیتا، یکی از رهبران اتحادیه سودان و وزیر دادگستری مالی به سمینار اعزام داشته بود.

سازمان نهضت ملی آزادی آنگولا، حزب آفریقای استقلال گینه " پرتغال " و جزایر دماغه سبز جبهه آزادی موزامبیک، جبهه آزادی سواحل سومالی، سازمان ملی آفریقای جنوب غربی، کنگره ملی آفریقای جنوبی، اتحادیه آفریقاییان زمبابوا ( رودزیا ) از طرف احزاب که علیه سیادت استعمار و رژیم های نژاد پرست مبارز میکنند در این سمینار شرکت داشتند. خانم دوسوا، عضو حزب توده غنا و عضو سابق حزب کمونیست ایالات متحده و همسر پروفسور ویلیام دوسوا، فقید ( تنورپسین مشهور پان آفریکانیسم ) بنمایندگی از طرف حزب توده غنا سخنرانی قوام نکرده را قرائت کرد.

نمایندگان اتحادیه خلق های کامرون، شورای عالی انقلابی کنگو ( کینشاس )، اتحادیه خلق کنیا، اتحادیه نیروهای ملی مراکش و حزب " ساوابا " ( نیجر ) نیز در کار سمینار شرکت داشتند.

دولت جمهوری متحد عربی و اتحادیه سوسیالیستی عربی باین سمینار توجه خاصی مبذول داشتند و به برگزاری آن کمکهای علی نمودند . یوسف السباعی ، عضو رهبری اتحاد سوسیالیستی عربی و رئیس کمیته همبستگی کشورهای آسیائی و آفریقائی ریاست هیئت نمایندگان اتحادیه سوسیالیستی عربی را بعهدہ داشت . رهبران اتحاد سوسیالیستی عربی و رجال اجتماعی مصر نیز که از طرف سازماندهان سمینار دعوت شده بودند ، در مباحثات شرکت فعال داشتند .

شرکتکنندگان سمینار از پیامتهنیت جمال عبد الناصر ، رئیس جمهوری متحد عربی و رئیس اتحاد سوسیالیستی عربی که در آنزمان از هند بازدید بعمل میآورد ، با گرمی استقبال نمودند . در این پیام چنین گفته شد :

" باکمال خرسندی این پیام را بشرکتکنندگان سمینار که بابتکار مجله " الطلیعه " و مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " در قاهره تشکیل شده است ، ارسال میدارم . امیدوارم سمینار و وظائف خطیر و مهم خویش را بانجام برساند و به فرزند ان انقلابی قاره ما که از ایدئولوژیهای گوناگون پیروی میکنند امکان بدهد تا آنان با همفلاقاتکنند و رشته های مودت خود را در مبارز مشترک تحکیم بخشند ، ثمرات تجربه خویش را بایکدی بگرمباله نمایند و تجارب خود را غنی تر سازند ، افق دید خود را گسترش دهند و حوادث را بعقتر درک نمایند .

واقعیت کنونی آفریقا ، مسائلی که در برابر آن قرار دارد و حوادثی که بان نیروی عظیم در آفریقا در جریان است ، امروز بیش از هر زمان دیگر مطالعه دقیق مجموعه اوضاع و احوال و بررسی موشکافانه و ارزیابی درست تمام جوانب آنرا ایجاب میکند . تا بکک آن بتوان مبارزه انقلابی را در سرزمین آفریقا بان نیروی تازه ادامه داد .

حوادث سالهای اخیر و مخصوص حوادث سالهای پس از ۱۹۶۰ ایجاب میکند که همه ما خصلت این حوادث را از نومرد بررسی قرار دهیم . در این دوران در بسیاری از مناطق آفریقا پرچم استقلال برافراشته شد . ولی این دوران خصوصیت دیگری هم دارد و آن اینست که بسیاری از خلق های آفریقا همچنان تحت اسارت امپریالیستی و زیر نفوذ استعمار نو و انحصارات خارجی که با استفاده از تبعیض نژادی غیر انسانی بمتحکیم و توسعه مواضع خود ادامه میدهند ، قرار دارند . باینجهت ما اکنون باید تمام سعی خود را در زمینه ایدئولوژی و تحلیل علمی باکمال صداقت و صراحت برای ارزیابی راه طی شده و نیز طرح ریزی صادقانه راهیکه باید در آیند به پیمائیم ، متمرکز سازیم .

این پیام زمانی در قاهره ، حائیکه در آنجا نیروهای ترقیخواه آفریقا گرد آمده اند ، پدست شما خواهد رسید که من در پایتخت هند وستان بمریم و اتفاق دوستان شما و خودم در کاری شرکت دارم که با آنچه که هم اکنون مورد توجه شماست ، پیوند نزدیک دارد . با وجود این من با دقت بسیار جریان سمینار شمارا تعقیب میکنم و کمال موفقیت شمارا در این سمینار خواهانم . مقدم شما در ساحل نیل ، این شط آفریقائی حیات آفرین و جاودانی تهنیت میگم .

لطفی الحولی سردبیر مجله " الطلیعه " وئی جانی التابع بایبکرنمایند . حزب کمونیست سودان در مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " در گشایش رسمی سمینار سخنرانی کردند . نمایندگان اتحادیه سوسیالیستی عربی ، جنبه آزادی ملی الجزیره ، احزاب حاکم در مالی و انزلیتیا ، مبارزان راه آزادی آفریقای جنوبی و نیز نمایندگان نهضت آزادی مستعمرات پرتغال و نهضت آزادی رود نیل سمینار تهنیت گفتند .

در پیامهای تهنیت و مسخرانههای شرکتکنندگان سمینار احساس فخر و مهابت از کامیابیهای که رزمندگان راه آزادی و صلح و سوسیالیسم در آفریقا و در سراسر جهان بدست آورده اند، منعکس بود.  
در عین حال در این پیامها و مسخرانهها ارتش جدید فعالیت کثوفی نیروهای ارتجاعی امریالیستی اظهار تکرانی میشد، با صراحت گفته شد که آفریقا نمیتواند در قبال دسائس امریالیسم در سایر مناطق جهان و خونی که در ویتنام جاری میشود بی اعتنا باشد.

لفظی الحولی در مسخرانهی خود گفت: " سمینار ما نمایندگان احزاب ملی و ترقیخواه قاره ما را گرد آورده است، نمیتواند خونریزی بیرحمانه در آسیا نادیده بگیرد. ما در برابر مقاومت خستگی ناپذیری که خلق قهرمان ویتنام شمالی و جنوبی در قبال اردوی تجاوزکاران امریکائی و همدستان آنها از خود نشان میدهند سر تعظیم فرود میآوریم و پشتیبانی مادی و معنوی خود را از ملت ویتنام و از حق این ملت برای آنکه سر نوشت خویش را فارغ از هرگونه دخالت خارجی و پس از تخلیه کامل سرزمین ویتنام از نیروهای مصلح خارجی آزادانه تعیین کنند اعلام میداریم. ما هواخواهی پر شور خود را از تمام افراد پاکد امن و آزاد یخواه که بانگ پر خشم خود را علیه تجاوز کنند میکنند ابراز میداریم. ما از تمام نیروهای ترقیخواه جهان دعوت میکنیم که قوای خود را متحد سازند و کمک خود را ب مردم ویتنام و بمبارزه عادلانه آنان بیفزایند."

صحن پرستان حزب پشاهنک الجزیره در نامه خود بشرکتکنندگان سمینار ( که متأسفانه با تاخیر به سمینار رسید ) بانگرانی خاطر نشان میسازند:

" خطر بسیار جدی که از ناحیه امریالیسم ناشی میشود همچنان ادامه دارد. کوششی که اخیراً برای کودتای ارتجاعی علیه خلق برادرم سوریه بعمل آمد و در بر تو هشیاری بخش انقلابی ارتش سوریه و زحمتکشان مسلح و رهبران سوسیالیست فاش گردید، گواه بوجود این خطر است. جنگ جنایتکارانه علیه خلق قهرمان ویتنام متضمن خطر جدی بروز جنگ جهانی جدید است. الجزیره و سایر کشورهای قاره ما در برابر خطری عظیم قرار گرفته اند."

مسائل استعمارتو، اشکال جدید ماهرانه توسعه طلبی امریالیستی و شیوه های مبارزه با آن از طرف سمینار مورد تجزیه و تحلیل عمیق قرار گرفت. پیرامون مسئله شیوه های تحکیم و حمایت از رژیم های انقلابی در آفریقا بحث باز و پر شور بعمل آمد.

بسیاری از سخنرانان خاطر نشان ساختند که کودتاهایی که اخیراً در یک سلسله از کشورهای آفریقائی انجام گرفته و در وهله اول کودتای نظامی ارتجاعی در غنا انقلابیون آفریقائی را وادار میسازد که در هر مورد خصوصیات و علل این کودتاهارا با دقت و واقع بینی بررسی نمایند تا بتوانند مردم را برای دفاع از دستاوردهای خود بطور موثر بسیج نمایند.

سخنان علی یاتا، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست مراکش متضمن دعوت به تحکیم و پشتیبانی مجدداً از رژیم های انقلابی بود که در قبال آینده آفریقا مسئولیت بزرگ بعهده دارند. شرکتکنندگان سمینار از این دعوت با حرارت استقبال کردند. در بسیاری از سخنرانیهامشوررت بذل مساعی روز افزون برای سرنگون ساختن رژیم های استعماری و نژادی که آزادی آفریقا را پیوسته تهدید میکنند، خاطر نشان گردید.

ترکیب اجتماعی جامعه آفریقائی، نقش و مقام طبقه کارگر در مبارزه بخاطر پیشرفت اجتماعی بطور

مشرح مورد بحث و مذاکره قرار گرفت . مسائل مربوط به سازمان سیاسی جامعه در جریان تکامل آن یعنی بسط دموکراسی ، خصصت مهم مقام احزاب میهن پرست ، اهمیت وحدت وجهه ملی در مرحله جدید انقلاب افریقا ( در مرحله ایکه وظائف ناشی از مبارزه پیگیر علیه امپریالیسم و وظائف مربوط به تحولات عینی اجتماعی باهم درمیآمیزند ) در این مباحثه جای بزرگی داشت .

در سمینار درباره اشکال و طرق رشد کشورهای افریقائی مباحثه بعمل آمد . درباره مسائل مربوط بر راه رشد غیر سرمایه داری بر راه رشد سوسیالیستی بحث پر شور در گرفت .

تجربه ایجاد زندگی نوین تجزیه و تحلیل شد . در سمینار درباره بسیاری از کشورهای نمونه هائی ذکر گردید . تشریح تجربه مصر و اهمیت آن برای سایر کشورها مورد توجه بسیار قرار گرفت . برنامه ای که از طرف دوستان مصری ما برای بازآید از اسوان ترتیب داده شده بود با شنائی شرکت کنندگان سمینار یاد ستاورد های جمهوری متحد مصری در ایجاد زندگی نوین کمک بسیار نمود . در اسوان در منطقه کانال سوئز و ایالت تحریر بزرگترین سد افریقائی ساخته میشود و این سد سنگر پیشین پور شریه صحراها است . آی . ی . سمولف ، دبیر مسئول مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " در پایان سخن خود ضمن اشاره بمسئله دورنمای پیشرفت گفت : " مارکسیست ها با کسانیکه پیوند میان جوانب سه گانه ساختمان سوسیالیسم یعنی جنبه مادی یا ایجاد تولید معاصر ، جنبه اجتماعی یا ایجاد مناسبات تولیدی بدون متمدن و استثمار و جنبه سیاسی یا بسط و تعمیق بدون وقفه دموکراسی را تاکید میکنند ، موافقت کامل دارند . "

آ . ی . سمولف متذکر شد که بسیاری از شرکت کنندگان سمینار ضمن صحبت درباره مقام و اهمیتی که انقلاب افریقائی در تکامل پروسه انقلابی جهان دارد ، خاطر نشان ساختند که انقلاب افریقائی بخش متشکل پروسه انقلاب جهانی است . وی گفت : " مارکسیست ها معتقدند که این پروسه از سحریان مستقل مساوی الحقوق تشکیل یافته است که باهم ارتباط و وابستگی متقابل دارند . یک جریان انقلابی راکشورهای سوسیالیستی تشکیل میدهند که ضمن بسط و تعمیق پیشرفت اجتماعی و هموار ساختن راه رشد جامعه پیوسته در حال پیشروی هستند . کشورهای سوسیالیستی و قدرت روز افزون آنها نیروی محرکه مهم پروسه های انقلابی هستند که سیمای اجتماعی و سیاسی و معنوی جهان را دگرگون میسازند . "

جنبش کارگری کشورهای سرمایه داری جریان دیگریست که ضریات نیرومند بر پیکر سرمایه انحصاری در پایگاه آن وارد میآورد و ارکان سیادت سرمایه را متزلزل میسازد و در مبارزه با خاطر سرنگون ساختن سرمایه انحصاری و مبارزه در راه سوسیالیسم پیروزیهای مهم بدست میآورد .

جریان دیگر عبارتست از جنبش آزاد بیخشم ملی خلق های افریقا ، آسیا و امریکای لاتین که در راه آزادی سیاسی و ملی ، تحولات عمیق دموکراتیک ، پیشرفت اجتماعی و ترقی اقتصادی مبارزه میکنند و سوسیالیسم را هدف غائی خود قرار داده است . "

شرکت کنندگان در سمینار ضمن سخنرانیهای خود خاطر نشان ساختند که وحدت این سه جریان انقلابی و کمک متقابل آنها بیکدیگر شرط عمده پیروزی مبارزات انقلابی هر یک از این سه جریان و ضامن آینده درخشان تمام جامعه بشری است .

شرکت کنندگان در سمینار اهمیت عظیم ملاقات قاهره را برای متحد ساختن تمام نیروهای انقلابی

و صیبن پرست قاره، برای بسط دامنه مبارزه خلقهای افریقا در راه آزادی، استقلال سیاسی و اقتصادی واقعی هر ای دموکراسی و پیشرفت اجتماعی خاطر نشان ساختند.

پروفسور طی یاتا اظهار داشت: " ما از شرکت در این سمینار عالی بسیار خرسندیم. امید هایی که ما هنگام عزیمت باین سمینار داشتیم موجه درآمد. بدون مبالغه میتوانیم بگوئیم که سمینار ما بسبب ایجاد امکان برای ملاقات میان انقلابیون مارکسیست و غیر مارکسیست افریقا و برای حصول موافقت و سیح میان آنان، بسبب غنای محتوای خود و مسائل مطروحه در آن و جوانب گوناگونی که در آن تشریح گردید و در سبائی که بعد ها از آن گرفته خواهد شد، بسبب برقراری نزدیکی میان جنبش آزاد یخش افریقا و جنبش کارگری جهانی و انعکاسی که هم اکنون در افریقا و در سراسر جهان سوم و در همه جای دنیا پیدا کرد بعنوان یکنحاده بزرگ در تاریخ جنبش انقلابی افریقا ضبط خواهد شد." و در همه واسکو کابریال، دبیر حزب استقلال گینه، پرتغال و جزایر دماغه سبز، خاطر نشان ساخت که این سمینار برای آنکه ما بتوانیم مسائل را روشنتر درک کنیم، بد شوارها وضعف و نقص خود بهتر پی ببریم و اینها را محل هات گوناگونی که برای کشورهای مختلف و حتی برای تمام قاره پیشنهاد میشود آشنا شویم و آنها را بررسی کنیم و هر حق آنها بیفزائیم، کار بزرگی انجام داد. اگر چه پراتیک دارای اهمیت بسیار است ولی پراتیک بدون تئوری بدون برخورد خلاق بمسائل جدید ارزشی ندارد. این سمینار برای ما بسیار آموزنده بود. امید واریچه این قبیل سمینارها در آیند نیز بکارشود. در این سمینار کارهای مفید انجام گرفت. بحث در سطح عالی گذشت و این ثابت میکند که افریقا استعداد آنرا دارد که بامغر خود بیاندیشد و برای اینکار پختگی کامل دارد."

علی صبری، معاون ریاست جمهوری متحد مغربی و دبیر کل اتحاد سوسیالیستی عربی در خفاقی که با افتخار شرکت کنندگان در سمینار داده شد، گفت: " این سمینار بصین عزم راسخ خلقهای افریقا برای رهائی از تمام اشکال امپریالیسم و تسریع رشد اجتماعی و اقتصادی و سیاسی قاره افریقا است. پژوهشها و تصمیمات شما از طرف اتحاد سوسیالیستی عربی مورد بررسی قرار خواهد گرفت و امید وارم که نتایج کار شما در سراسر افریقا منتشر گردد."

لطفی الحولی در پایان سخن خود گفت: " ما اطمینان کامل داریم که از بی این جلسه جلسات عمیقتر و وسیعتر و پر مشغول تری در آیند. تشکیل خواهیم داد. این قبیل تماس همایان احزاب و سازمانهای ما در زمینه ایدئولوژی در درجه اول نتیجه گرایش عینی بدون وقفه ایست که در جریان مبارزه قاره ما برای تاهین وحدت بوجود آمده است. میان عمل انقلابی و اندیشه انقلابی پیش از پیش وحدت هر چه بیشتری برقرار میگردد و این دو متقابلا بر یکدیگر تاثیر میبخشند. در این سمینار در نظریه مهم مطرح شد. نظریه نخست عبارتست از تقسیم کشورهای قاره افریقا بمسئله گروه: نخست کشورهاییکه مستقیماً تحت تسلط امپریالیسم و سیاست نژادی هستند، دوم کشورهاییکه در اسارت استعمار و عهدستان آن یعنی محافل ارتجاعی داخلی قرار دارند، سوم کشورهاییکه استقلال خود را بدست آورده اند و ما بسیج تمام نیروی خلقهای خود را به سوی سوسیالیسم راهموار میسازند ( از جمله ما این کشورها را در نظر داریم: مالی، گینه، تانزانیا، کنگو ( برازاویل )، الحزیره و جمهوری متحد عربی )"

دومین نظریه اینست که در آمیختگی انقلابهای ملی و اجتماعی که دارای دورنمای سوسیالیستی



هستند ، قانون عام تعیین کنند و تکامل انقلاب افریقا و انقلاب کشورهای است که آنها را " جهان سوم " می نامند .

بسیاری از شرکت کنندگان معتقدند که سمینار قاهره باین افسانه که مارکسیسم و افریقا یا هم سازگار نیستند و جهان بینی مارکسیستی " نسج غریبه " ای است در پیکر افریقا مضموعا از خارج بان پیوسته شده است ، پایان داد . در این سمینار اندیشه های مارکسیستی را افرادی بیان میکردند و افرادی این اندیشه ها را بسط میدادند که از اکتاف قاره افریقا آمده بودند ، میهن پرستان واقعی کشورهای خویش و مبارزان آزموده راه سعادت خلق خود بودند .

م . هارمل ، نمایندده مجاهدین راه آزادی افریقای جنوبی ضمن تاکید اهمیت سمینار گفت :  
 " تمام جریان این بحث و شیوه آن که از همان سخنرانیهای اول در سمینار کاررفت روش کاملاً تازه ای را در مباحثات بین المللی آغاز نهاد که ما آنرا از هر جهت تنبیه میگوئیم . در این سمینار فرمول های تعصب آمیز و بی روحی که از روی احتیاط و فقط برای کسب وجهه تکرار میکردند ، بگوش نرسید . بجای اینکار دانشمندان و انقلابیون واقعی مسائل مهم راباشکاست مورد بررسی قرار میدادند و هیچوجه مدعی نبودند که برای تمام مسائل پاسخهای آماده دارند ، بلکه از ما دعوت میکردند که فیرونی اندیشه و تجربه خود را برای حل این مسائل بکار اندازیم .

ما شاهد مباحثات کاذب جنجالی و دکماتیک میان مکاتب تشریون رقیب نبودیم که بجای کوشش برای کشف حقیقت فقط در فکر نکوهش دیگران و ستایش خویش ریاشند . جمله ما جلسه برخورد جسدی و خلاق میهن پرستان بود که مسائل و مشکلات عظیم قاره و خلقهای ساکن قاره افریقا افکار آنان را چنان بخود مشغول میدارد که جای برای جستجوی بی ثمری های سکتاریستی باقی نمیگذارد .  
 ما بمفهوم معین یکدیگر اکتشاف کردیم . زیرا بما آشکار شد که گرچه از مناطقی بکلی دور از هم باینجا آمده ایم و حتی نمایندگان مکاتب فلسفی و تئوریک گوناگون هستیم ، ولی برای مقاومت پیکار جوانه در برابر استعمار زبان مشترکی پیدا کرده ایم که سوسیالیسم علمی باشد .

هارمل درد نیاله سخنان خود گفت :  
 " امپریالیسم در معرض ضد انقلابی خود علیه افریقا از گرایش میهن پرستان انقلابی و سوسیالیست های قاره ما ، مارکسیست ها و فرمارکسیست ها برای مفرد ساختن یکدیگر از خود نشان میدهند استفاد میکنند . در این مورد هر دو طرف مسئولند از طرفی برخی از میهن پرستان بدون آنکه خود متوجه باشند تحت تاثیر خرافات آنتی کمونیستی و تبلیغات جنجالی کسبه امپریالیست ها بهزاران وسیله در افریقا بیا کرده بودند و اکنون نیز بان ادامه میدهند ، قرار میگرفتند . از طرف دیگر بعضی از کمونیست های افریقای عجولان نصیحت میکنند تجربه کشورهای رشد یافته را بطور مکانیکی در افریقا که شرایط بکلی متفاوت با آن کشورها دارد بکار ببرند . آنها فراموش میکردند که سوسیالیسم یک اصلوب علمی است که بررسی عمیق شرایط مشخص و تاریخی را ایجاب میکند . ما گاهی برادران خود یعنی دمیکرات های انقلابی را نادیده می گرفتیم و آنانرا " عناصر برتر و " می نامیدیم و دانش و تجربه و نزدیکی آنان را نبوده ها و صمیمیت و وفایشان را نسبت بزحمت کشان و افریقا و سوسیالیسم از نظر دور میداشتیم .

هارمل در پایان سخنرانی خود گفت :  
 " یکی از بزرگترین موفقیت های سمینار این بود که ما را بهم نزدیک ساخت . این سمینار فصل جدیدی در برابر ما میگشاید . ما در یک محیط جدی و آرام نیروهای

خود را متحد میسازیم ، تجارب خود را تجزیه و تحلیل میکنیم و پایه های ثنوریك لازم را برای نیل به پیروزیهای عیترقاره بوجود میآوریم . اندیشه هایی که ما در اینجا بیان داشتیم بررسی کردیم تماسهایی که ما برقرار ساختیم و نیز تبادل نظرهای ما ، بیشک ثمرات خود را بیار خواهد آورد و ما امکان خواهد داد تا انقلاب افریقا را بعد ارج عالیتری ارتقاء دهیم .

ابراهیم سکر ، عضو هیئت نمایندگی اتحادیه سوسیالیستی عربی ضمن صحبت درباره نتایج سمینار قاهره خاطر نشان ساخت که این واقعیت که نمایندگان احزاب انقلابی قاره افریقا باین سمینار دعوت شده اند خود پیروزی بزرگی است که نیروهای ترقیخواه بآن نائل آمده اند . در نتیجه مباحثات دوستانه ما توانستیم بهتر یکدیگر را درک کنیم و این امر بعقیده ما به تحکیم بیشتر همکاری نیروهای ترقیخواه افریقا و وحدت عمل آنان در برابر تهدیدات امپریالیسم و ارتجاع کمک خواهد کرد توجه شرکت کنندگان سمینار معطوف به نکاتی بود که اثنا برابرم نزدیک میسازد نه نکاتی که آنها را از هم جدا میسازد . آنچه که اکنون در رشد سیاسی افریقا تازگی دارد اینست که همکاری مستقیم میان ارد و گاه سوسیالیستی و نیروهای ترقیخواه افریقا تحکیم یافته است و این امر تا اندازه ای معلول خطر روزافزونی است که از جانب استعمار نو و ارتجاع علیه کشورهای افریقای متوجه است .

فادیا لاکیتا ، نماینده حزب دمکرات گینه اظهار داشت که جلسه ملاقات قاهره ابتکار بیست که نتایج خوب بیار آورد . مباحثات ما سود مند و ثمر بخش بود . سخنران در این زمینه دو نکته را خاطر نشان ساخت : اولاً احزاب و گروهها و سازمانهای ترقیخواه قاره افریقا امکان یافتند که در این سمینار وضع موجود افریقا را تجزیه و تحلیل کرد و سهم خود را در مبارزه مشترک بخاطر سوسیالیسم ادانمایند و با یکدیگر آشنا شوند و تبادل تجربه در مبارزه انقلابی بپردازند . ثانیاً ، تمام شرکت کنندگان سمینار هدف واحدی دارند و آن سوسیالیسم است . ملاقاتها و تبادل نظر ها به تعیین صحیح ترین راه و اسلوب نیل باین هدف کمک خواهد کرد . شرکت کنندگان سمینار سعی داشتند که اصول استراتژی مبارزه در راه سوسیالیسم را در اوضاع و احوال مشخص افریقا بر پایه های علمی تنظیم نمایند . بنا به پیشنهاد هیئت نمایندگی سودان از کار سمینار طی يك اعلامیه مطبوعاتی ارزیابی بعمل آمد . در این اعلامیه که در آخرین جلسه سمینار با اتفاق آراء بتصویب رسید ، از جمله گفته میشود :

" تشریحین های افریقا در مجال سیاسی و اجتماعی نماینده نیروها و جریانات انقلابی و ترقیخواه مختلف برای نخستین بار در تاریخ جنبش آزاد بیخشن گرد هم جمع آمدند تا در محیط يك بحث باز و خلاق تجربه غنی مبارزه انقلابی را جمع بندی نمود و نظریات و عقاید خود را درباره دورنمای آینده انقلاب و پیشرفت اجتماعی قاره بیان دارند .

کار سمینار و مضمون بحثها نشان داد که نیروهای ترقیخواه و انقلابی افریقا عزم را منخ دارند صفوف خود را در برابر تعرض نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی متحد و مستحکم سازند و آزادی کامل قاره خود نائل آیند و گامهای جدیدی در راه ترقی و سوسیالیسم بردارند . تحکیم وحدت تمام نیروهای انقلابی ( که اشکال مختلف دارد ) برای افریقای مبارز در ان کنونی ضرورت حیاتی دارد . شرکت کنندگان سمینار ادلهها را میدواری میکنند که ملاقات قاهره بحل مسائل وحدت و همکاری تمام نیروهای ترقیخواه و انقلابی مخالف امپریالیسم کمک خواهد کرد . آنان معتقدند که حل این مسئله کار آزادی کامل قاره افریقا را از دستم استعمار کهنه و نو تشریح خواهد کرد و دفاع از دستاوردهای بزرگ انقلاب

و پیشرفت در راه رشد سوسیالیستی را برای مردم آفریقا میسر خواهد ساختند .  
 شرکت کنندگان در سمینار از جمال عبدالناصر، رئیس جمهوری متحد عربی و نیز از تمام سازمان  
 ها و افراد جداگانه بمناسبت پیامهای تهنیت آمیز گرم و صمیمانه آنان عیقا سپاسگزارند .  
 شرکت کنندگان سمینار از مجله " مسلک صلح و سوسیالیسم " و مجله " الطلیعه " بمناسبت  
 تشکیل این سمینار ابراز تشکر میکنند . سخنرانهای پراچ نمایندگان ، این سمینار را به مرحله پر  
 اهمیتی در امر اتحاد تمام نیروهای ترقیخواه و انقلابی آفریقا بخاطر مبارزه علیه امپریالیسم، استعمار  
 کهنه و نو و در راه آزادی ، دموکراسی ، صلح و پیشرفت اجتماعی بدل ساخت .  
 شرکت کنندگان سمینار از جمهوری متحد عربی و دولت آن و نیز از اتحاد سوسیالیستی عربی  
 بمناسبت امکاتی که برای انجا ملاقات قاهره بوجود آوردند و بمناسبت میهمانوازیهای آنها  
 سپاسگزاری میکنند .

شرکت کنندگان در سمینار بارز رش عالی اندیشه های خلاق و انقلابی که در سمینار مطرح شد نه  
 فقط برای آینده ، بلکه برای مبارزه کنونی آفریقا اعم از مناطق آزاد شده و یا مناطقی که هنوز در آنها  
 استعمار کهنه و نو و سیاست نژادی مسلط است ، اطمینان دارند .  
 شرکت کنندگان در سمینار ضمن تایید موفقیت های این سمینار و ضرورت و اهمیت بررسی جمعی  
 مسائل تازه ای که همه روزه در جریان رشد انقلاب آفریقا پیش میآید ، اینگونه ملاقات هارا در آینده  
 نیز سودمند می شمارند .

بطوریکه شرکت کنندگان سمینار خاطر نشان ساختند در جریان تبیین نظر فاکت و مد ارك  
 تئوریک فراوان جمع آوری شد که از احصای آفریقا رسیده است . این فاکت ها و مد ارك مولود مبارزات  
 انقلابی آفریقا است و ارزش فوق العاده آنها نیز در همین است .



# اخباری از زندگی احزاب

در ماههای اکتبر - نوامبر ۱۹۶۶ کمیته‌های مرکزی خود مسائل مهمی را بررسی کردند \*

## حزب کمونیست چکوسلواکی

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلواکی در روزهای ۶ - ۷ اکتبر برگزار شد. \* پلنوم برنامسه مربوط به اجرای تصمیمات کنگره سیزدهم حزب و طرح چهارمین برنامه پنجساله ترقی و توسعه اقتصاد کشور برای سالهای ۱۹۶۶ - ۱۹۷۰ را بررسی کرد \*

## حزب کارگره

روز ۱۲ اکتبر پلنوم کمیته مرکزی حزب کارگره تشکیل شد. \* پلنوم قرارهای کنفرانس حزب کارگره را که در اوایل اکتبر برگزار شده بود تصویب کرد و برخی از مسائل سازمانی حزب را بررسی نمود \*

## حزب کمونیست رومانی

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست رومانی که از ۱۲ تا ۱۴ اکتبر جریان داشت افزایش حقوق بازنشستگی زحمتکشان رومانی و اصلاح قانون بازنشستگی و نیز فعالیت حزب کمونیست رومانی را در زمینه سیاست خارجی بررسی کرد \*

## حزب سوسیالیست کارگری مجارستان

روز ۱۳ اکتبر پلنوم کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان مسائل مربوط به سیاست خارجی جمهوری توده ای مجارستان و نیز پیشنهاد های مربوط به سیستم انتخاب نمایندگان مجلس دولتی جمهوری توده ای مجارستان و اصول اساسی قانون جدید انتخابات را مورد بررسی قرار داد در ۱۸ نوامبر پلنوم دیگر کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان طرح اسناد کنگره نهم حزب را بررسی کرد \*

## حزب کارگری متحد لهستان

هفتمین پلنوم کمیته مرکزی حزب کارگری متحد صربستان که در روزهای ۲۸ - ۲۹ اکتبر برگزار شد کار خود را به بررسی مسائل سازمان کار و اداره امور در موسسات صنعتی ، افزایش تولید صنعتی و نیز به مسائل سیاست خارجی اختصاص داد \*

## حزب کمونیست شیلی

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی از ۹ تا ۱۲ اکتبر جریان داشت. در پلنوم وضع داخلی کشور و دشواریهای بزرگ اقتصادی که شیلی اکنون با آن مواجه است از جوانب مختلف ارزیابی شد. پلنوم اوضاع کنونی جهان و مسائل مربوط به جنبش جهانی کمونیستی را نیز بررسی کرد.

## حزب کمونیست ایتالیا

مسئله وحدت عمل کمونیست ها در اوضاع و احوال سیاسی کنونی دستوری پلنوم مشترک کمیته مرکزی و کمیسیون تفتیش مرکزی حزب کمونیست ایتالیا راکه در روزهای ۱۱ - ۱۲ اکتبر برگزار شد تشکیل میداد.

## حزب سوسیالیست متحده آلمان ( سازمان برلن غربی)

روز ۱۵ اکتبر هیئت پلنوم هیئت رهبری حزب تشکیل شد و پیرامون وظایف مبارزه در راه امنیت اجتماعی و سیاسی برلن غربی به شور پرداخت.

## حزب کمونیست فرانسه

نظریاتینکه هجدهمین کنگره حزب کمونیست فرانسه در ماه ژانویه ۱۹۶۷ تشکیل میگردد، کمیته مرکزی حزب در روزهای ۱۸ - ۱۹ اکتبر در جلسات پلنوم خود وضع سیاسی فرانسه و مسائل مربوط به تدارک کنگره حزب را مورد بررسی قرار داد.

## حزب کار سوئیس

پلنوم کمیته مرکزی حزب کار سوئیس در روزهای ۵ - ۶ نوامبر مسائل مبرم مربوط به سیاست داخلی و وضع اقتصادی کشور را بررسی کرد.

## حزب کمونیست فنلاند

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست فنلاند که در روزهای ۱۲ - ۱۳ نوامبر تشکیل شد، پیرامون مسائل سیاست اقتصادی کشور به شور پرداخت. اعضای پلنوم فعالیت دولتی و پارلمانی اتحادیه و موکراتیک مردم فنلاند را تایید کردند.

## حزب کمونیست سوئد

هیئت رهبری حزب کمونیست سوئد در پلنوم خود در روزهای ۱۲ - ۱۳ نوامبر برخی مسائل سازمانی حزب و وضع سیاسی کشور را پس از انتخابات شوراها و شهری بررسی کرد. تصمیم گرفته شد کنگره حزب در ماه مه سال ۱۹۶۷ تشکیل شود.

## حزب کمونیست اتریش

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتریش که در روزهای ۲۲ - ۲۴ نوامبر تشکیل شد کار خود را به بررسی وضع سیاسی کشور و وظائف حزب اختصاص داد .



خواننده عزیز !

به این آدرس در استکهلم ( سوئد ) میتوانید با نشریه " مسائل بین المللی " و نیز باراد یوی پیک ایسرا ن ماهنامه مردم و مجله دنیا مکاتبه کنید . از ارسال نظریات ، ملاحظات ، انتقادات و پیشنهادهای شما برای بهبود کار سیاسیزار خواهیم بود .

**P. B. 4176**

**Stockholm 4  
Sweden**

# ضایعه بزرگی

روز ۲۴ نوامبر سال ۱۹۶۶ وقوع يك حادثه هوايي بهرگ جمعی از رفقای مبارز راه آزادی زحمتکشان که از نویسندگان مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" بودند - منجر گردید . در این حادثه رفقا :

رامون اما یا آمادور عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست هند و راس  
سیگهوکاد زیتا عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ژاپن  
آلبرتو فراری عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست آرژانتین  
پدرو موتالیما نویسنده و پبلیسیست نامی برزیل  
بقتل رسیدند .

علاوه بر این رفقا دوتن از هیران حزب کمونیست شیلی :  
رفیق خوزه اوگوستین گونسالس معاون دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی ،  
رفیق هرورخه رامیرس عضو مشاور کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی  
که با همان هواپیما مسافرت میکردند ، بقتل رسیدند .

رفقا :

رامون اما یا آمادور ، سیگهوکاد زیتا ، آلبرتو فراری و پدرو موتالیما در کار جمعی مجله در زمینه تکامل تئوری مارکسیسم - لنینیسم و تعمیم علمی تجارب جنبش جهانی کمونیستی شرکت فعال داشتند و کار خود به بالابردن سطح آید ثلوثیک و تئوریک مجله کمک میکردند . بسیاری از مقالات این رفقا در شماره های گذشته نشریه مسائل " بین المللی " بچاپ رسیده است . رفیق فقید پدرو موتالیما یکی از نویسندگان مقاله " اکتبر و پیشرفت اجتماعی " است که در همین شماره بچاپ رسیده است .

خاطره تابناک این رفقا و نیز رفقا خوزه اوگوستین گونسالس و هرورخه رامیرس برای همیشه در قلب ما زنده خواهد ماند . جنبش انقلابی جهانی از مرگ این رفقا عینا متالم است و خدمات آنها را در امر پیشرفت جنبش انقلابی و مبارزه در راه وحدت جنبش جهانی کمونیستی و کارگری هرگز فراموش نخواهد کرد .

نشریه " مسائل بین المللی " که هر دو ماه یکبار انتشار  
می یابد، به تشریح تئوریک و سیاسی جنبش جهانی کارگری  
اختصاص دارد .

مندرجات این نشریه از میان مقالات مجله " مسائل صلح  
و سوسیالیسم " که نشریه تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست  
و کارگری و منعکس کننده نظریات و اندیشه های آنست ،  
انتخاب و ترجمه میشود .

در این شماره منتخبی از مقالات شماره های ۱۱ و ۱۲  
( نوامبر و دسامبر ۱۹۶۶ ) مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم "  
بچاپ رسیده است .